





جهش ارزی نخواهیم داشت

دکتر حسین عبده تهریزی، تحلیلگر مسائل اقتصادی و مالی در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



پایان سلطه سوئیفت

رئیس موسسه ملی مطالعات و آمار لبنان در گفتگو با تازه‌های اقتصاد از پیامدهای مثبت حضور ایران در بریکس می‌گوید



چرا افزایش تورم مردان‌نگران کننده نیست؟

تیمور رحمانی، هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

بریکس تیغ تحریم‌های آمریکارا کند کرد

مجید رضا حریزی، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین در گفتگو با هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد



آمریکایی‌ها از عضویت ایران در بریکس نگران شدند

دکتر جواد منصوری، سفیر اسبق ایران در چین در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



تاثیر بریکس بر تعدیل انتظارات تورمی ایران

حسین سلیمی، رئیس انجمن سرمایه‌گذاری خارجی ایران

تجارت ۳۰۰ میلیارد دلاری ایران با عضویت در بریکس

ضربه کاری بریکس به تحریم‌کنندگان ایران

فرش قرمز بریکس برای فعالان اقتصادی

• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• شورای سیاستگذاری:

اصغر بالسینی، حسین لطفی
سید فرهاد موحدی و حسین میرزایی

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• همکاران این شماره:

محمدرضا مقامی فرد، پوریا صادقی، مژگان فرجی
امیرحسین موسوی، حمید کمار، مرتضی کریمی
سعید رشیدی نوبندگانی، جواد حیران نیا
ستار سلیمیان، سید فواد حسینی و حسین جعفری

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• گرافیکست و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه‌آرایی

مهدی بخشی

• عکاس

میلاذ بقایی

• نشانی

تهران، نرسیده به چهارراه استانبول
بانک مرکزی، ساختمان شماره یک

• تلفن

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۰

• نمابر

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۱

• لیتوگرافی و صحافی

نگار نقش

• چاپ و توزیع

احمد شیرازیان

سرمقاله

۴	فرصت‌های تجاری عضویت ایران در بریکس
۵	جهش ارزی نخواهیم داشت
۱۰	چرا افزایش تورم مرداد نگران‌کننده نیست؟
۱۴	پایان سلطه سوئیت
۱۸	آمریکایی‌ها از عضویت ایران در بریکس نگران شدند
۲۱	بریکس تیغ تحریم‌های آمریکا را کند کرد
۲۷	تجارت ۳۰۰ میلیارد دلاری ایران با عضویت در بریکس
۳۵	ضربه کاری بریکس به تحریم‌کنندگان ایران
۳۹	بریکس با حضور ۳ قطب انرژی خلیج فارس تقویت شد
۴۱	بازی برد-برد ایران در ائتلاف بریکس
۴۷	گزینه‌های پولی جدید روی میز بریکس
۵۲	شکل‌گیری نظم جدید اقتصاد جهان در بریکس
۵۵	شناسایی ۸ راه جدید جایگزین سوئیت
۵۸	تأثیر بریکس بر تعدیل انتظارات تورمی ایران
۵۹	پیامدهای عضویت ایران در پیمان‌های اقتصادی بزرگ جهان
۶۲	فرش قرمز بریکس برای فعالان اقتصادی
۶۴	امکان سنجی فرصت‌های اقتصادی ایران در بریکس
۶۷	منافع اقتصادی ایران از عضویت در بریکس چیست؟
۷۰	واکنش رسانه‌های خارجی به حضور ایران در بریکس
۷۲	رشد اقتصادهای نوظهور نیازمند حرکت همزمان بازار پول و سرمایه
۷۵	شکست سلطه ۸۰ ساله دلار بر اقتصاد جهان
۷۸	بریکس نظام تک قطبی جهان را شکست
۷۹	ترسیم دورنمای دلارزدایی در بریکس

فرصت‌های تجاری عضویت ایران در بریکس

تجاری ایران محسوب می‌شوند. عضو شدن در بریکس با ایجاد تسهیلات تجاری و اقتصادی بین این کشورها، می‌تواند نقش بسزایی در فروپاشی تحریم‌های مالی آمریکا علیه ایران ایفا کند.

عضویت در بریکس، به ایران توانایی تعامل مستقیم و همکاری با ابرقدرت‌های این گروه را می‌دهد. بانک توسعه جدید بریکس که به تازگی راه‌اندازی شده، فرصت مناسبی را برای تأمین منابع مالی و پشتیبانی از پروژه‌های عمرانی و اقتصادی ایران فراهم می‌آورد. همچنین، عضو شدن در بریکس به ایران اجازه می‌دهد تا با قدرت‌های دیگر همچون چین و روسیه، به ایجاد یک سامانه پرداخت مستقل از SWIFT بپردازد. این سامانه نه تنها امنیت تجارت ایران را تضمین می‌کند، بلکه به‌طور کلی ایران را از وابستگی به سامانه بانکی که تحت تحریم آمریکا است، خلاص می‌کند. فرصت دیگر که با عضو شدن در بریکس پیدا خواهد شد، ایجاد یک واحد پول مشترک است. این واحد پول مشترک، تأثیر بسیار مهمی در امر دلارزدایی داشته و چرخه وابستگی کشورهای عضو بریکس به دلار را خواهد شکست. این امر به خصوص اقتصاد ایران را از نوسانات ارزی و فشارهای مربوط به تحریم‌های مالی خارج خواهد کرد.

از این‌رو، داستان تحریم‌های مالی آمریکا علیه ایران به پایان خود نزدیک بوده و داستان جدیدی از آزادی، استقلال مالی و تعامل‌های جدید در دنیای اقتصاد در حال نوشته شدن است. بریکس، به‌عنوان نمادی از توانمندی‌ها و تلاش‌های گروهی از کشورها برای تغییر نقشه اقتصاد جهانی بوده و این گام بزرگ و آگاهانه، نه تنها به خلاقیت و توانمندی اقتصاد ایران جلوه‌ای تازه می‌بخشد، بلکه راهی روشن به سوی امیدواری‌های مردم ایران نسبت آینده را می‌پیماید.

گاهی اوقات داستان‌های بزرگ و جذاب با جرقه‌هایی کوچک از سوی افرادی خوش فکر و بلندپرواز خلق می‌شوند. داستان‌هایی که خرق عادت کرده و به موضوعات جدید و متفاوتی از داستان‌های پیش از خود می‌پردازند. ایران نیز با تغییر روند سابق خود در روابط بین‌المللی، از زمان تشکیل دولت سیزدهم، به دنبال نوشتن چنین داستان‌های جدیدی است. برخلاف گذشته، این دولت با تمرکز بر کاهش وابستگی به غرب و گسترش همکاری‌های اقتصادی با قدرت‌های دیگر، جرقه‌ای در قلب تاریخ اقتصاد ایران به وجود آورده است. حالا تمام نگرانی‌ها و آرزوها به یک هدف تبدیل شده تا تحریم‌های آمریکا بر ایران را بی‌اثر کند. نتیجه این تصمیم، اقدامات و پیگیری‌هایی بوده است که اکنون به عضویت ایران در گروه «بریکس»، به‌عنوان پلی به سوی آزادی اقتصادی و از بین بردن تحریم‌های اقتصادی آمریکا رسیده است.

ایران سال‌هاست که با تحریم‌های سخت و نامشروع آمریکا مواجه است که هدف آن، تضعیف قدرت و نفوذ ما در صحنه بین‌الملل است. اما ایران با عضویت در گروه بریکس، نشان داد که قصد ندارد در برابر فشار و تحریم‌های آمریکا سر خم کند. عضویت در گروه بریکس، نشان از پایان شب تاریک تحریم‌های مالی آمریکا و شروع صبح جدیدی در اقتصاد ایران همراه با فرصت‌های بسیاری است که پیش از این نادیده گرفته می‌شدند.

افزایش حجم تجارت بین ایران و کشورهای عضو گروه بریکس، منجر به رونق جدیدی در اقتصاد ایران خواهد شد. در حال حاضر، بیش از ۶۰ درصد واردات ایران از چین، امارات، برزیل و هند صورت می‌گیرد که همگی از اعضای بریکس هستند و این معاملات به‌عنوان محوری‌ترین بسترهای

دکتر حسین عبده تبریزی، تحلیلگر مسائل
اقتصادی و مالی در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

جهش ارزی نخواهیم داشت

- هیچ اقتصاددانی برای ایران در سال ۱۴۰۲، ابرتورم پیش بینی نکرده است
- نرخ تورم سال ۱۴۰۲ کمتر از ۱۴۰۱ خواهد بود
- رویدادهای هفته‌های اخیر بیابانگر آن است که روابط با همسایگان و وضعیت محدودیت‌های ارزی در حال بهتر شدن است
- سیاست‌گذار در اندیشه کنترل متغیرهای پولی است تا از قیمت‌ارز مراقبت کند
- محتمل‌ترین سناریو آن است که نرخ رشد نقدینگی به آرامی کاهش یابد

تنگدستی ارزی دولت به این معنا نیست که در ماه‌های پیش رو برای کنترل نرخ ارز از همه توان خود و کشور استفاده نکنند

بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز، کاهش سرعت رشد نقدینگی و در نهایت کنترل نرخ تورم در ماه‌های اخیر، برنامه‌ریزی‌های جدیدی داشته و تاکتیک‌های تازه‌ای را به کار بسته است. با ورود دکتر فرزین به بانک مرکزی، چند اقدام کلیدی در زمینه سیاست‌گذاری پولی و ارزی کشور صورت گرفته است. از ایجاد و فعال‌سازی مرکز مبادله ارز و طلای ایران گرفته تا اجرای سیاست کنترل ترانزنامه بانک‌ها و رونمایی از طرح تثبیت اقتصادی، از جمله مهم‌ترین سیاست‌های ماه‌های اخیر بانک مرکزی بوده است. مسئولان بانک مرکزی می‌گویند مهم‌ترین هدف سیاست‌گذار پولی از اجرای این سیاست‌ها، نهایتاً کنترل نرخ تورم است. کنترل مقداری ترانزنامه بانک‌ها برای جلوگیری از خلق پول بی‌رویه بانک‌ها، ایجاد نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای اختصاص به واردات کالاهای اساسی، برقراری آرامش نسبی در بازار ارز و همچنین صفرشدن تورم کالایی در ماه گذشته، نشان از اثرگذاری برخی سیاست‌های جدید بانک مرکزی بر شاخص‌های اقتصادی است. هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد برای ارزیابی اقدامات بانک مرکزی در ماه‌های اخیر، دریافت نظرات و آراء کارشناسان و اقتصاددانان و همچنین بررسی راهکارها و پیشنهادات برای بهبود عملکرد سیاست‌های پولی کشور، با دکتر حسین عبده تبریزی، تحلیلگر مسائل اقتصادی و مالی گفتگو کرده که در زیر می‌آید:

با توجه به اهمیت تحولات بازار ارز در اقتصاد ایران، آیا تا پایان سال شاهد جهش نرخ در بازار ارز خواهیم بود؟ پیش‌بینی جناب عالی از وضعیت قیمت ارز تا پایان سال ۱۴۰۲ چیست؟ و چه توصیه‌ای به سیاست‌گذار پولی برای مدیریت این بازار دارید؟

کم‌وبیش همیشه فشار برای افزایش نرخ ارز در حد رشد نقدینگی وجود دارد، اما نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۲ انتخابات مجلس را پیش رو دارد، و طبعاً بسیار علاقه‌مند است که سال را با آرامش بگذراند. جهش نرخ ارز به معنای افزایش ناگهانی قیمت همه کالاها و خدمات است، و این چیزی است که دولت به‌ویژه در این سال،

به‌شدت می‌خواهد از آن اجتناب کند. یکی از متغیرهای عمده برای برقراری آرامش، کنترل نرخ تورم و مهم‌تر از آن کنترل نرخ ارز است. هر نوع جهش ارزی بسیار تنش‌زاست. بنابراین دستور کار دولت در این زمینه روشن است. اگر دولت ارز فراوان داشت، از همین حالا شروع به دفاع از قیمت جاری ارز و حتی تلاش برای کاهش آن می‌کرد. اما در حوزه ارز، دست دولت خیلی باز نیست. در عین حال، تنگدستی ارزی دولت به این معنا نیست که در ماه‌های پیش رو برای کنترل نرخ ارز از همه توان خود و کشور استفاده نکند. اگر این دو وجه موضوع را در نظر بگیریم، به شرط آن‌که علائم بیشتری از کاهش تنش‌های بین‌المللی مشاهده شود (از قبیل حفظ علائم بهبود روابط با عربستان و عدم صدور قطعنامه جدید در آژانس بین‌المللی انرژی ایران در باقی‌مانده سال) نرخ ارز در پایان سال ۱۴۰۲ و به‌رغم رشد نقدینگی در حد سال گذشته، ممکن است در محدوده‌ای پایین‌تر از نرخ تورم باقی بماند. بنابراین، جهش قیمت ارز فعلاً متصور نیست. در مورد توصیه به سیاست‌گذار پولی، طبعاً بانک مرکزی به خوبی می‌داند که قیمت‌های ارز در میان مدت همواره بر حسب کمیت‌های پولی تعریف می‌شود؛ در ایران نیز همین متغیرها در تعیین قیمت ارز تعیین‌کننده است. چهل و پنج سال است که قیمت ارز به استثنای وقفه‌های کوتاه سیر صعودی داشته است، چرا که نقدینگی به دلایلی چون کسری‌های عمده بودجه دولت، به دلیل بدهی‌های عمده بانک‌ها به بانک مرکزی، به دلیل بدهی‌های بزرگ شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی، یا در روزهای خوش صادرات نفت، به دلیل فروش ارز زیاد دولت به بانک مرکزی، رشد‌های دائمی داشته است. امروز نیز سیاست‌گذار در اندیشه کنترل متغیرهای پولی است تا از قیمت ارز مراقبت کند. کنترل همه آن ریشه‌های بروز تورم و افزایش قیمت ارز، در اختیار سیاست‌گذار پولی نیست. نشانه‌هایی از کاهش تنش‌های بین‌المللی از جمله جنگ در اوکراین، و حرکت به سمت احیای برجام می‌تواند نرخ تورم را در ایران پایین بیاورد؛ امری که در اختیار بانک مرکزی نیست. در شرایط فعلی، با توجه به وضعیت روابط خارجی جاری ایران، موقعیت برجام و تحریم‌ها، روشن است که متغیر «سیاست» تأثیر اصلی را بر قیمت ارز دارد؛ محدودکردن ایران در دسترسی به ارز که حاصل صادرات پرمشقت این روزهای کشور است، در کنار گرایش عمده به خروج سرمایه از کشور، عامل عمده افزایش نرخ ارز شده



نوسانات
قیمت نفت
و درآمدهای
نفتی، در هر دو
دوره کاهش یا
افزایش آن، در
نهایت به بروز
تورم در اقتصاد
ایران منجر
می‌شود

مختلف تاریخی ایران، همواره در چنین شرایطی، دولت‌ها به جای رفع موانع کسری ساختاری بوده و مشکلات نهادی اقتصاد ایران، به مبارزه با افزایش قیمت‌ها پرداخته‌اند، و تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان بنگاه‌های خصوصی را به عنوان مقصران اصلی گرانی معرفی کرده‌اند. این سقف برای مدت زمانی ثابت می‌ماند یا کمتر از تورم افزایش می‌یابد. حاصل اعمال این سیاست آن است که کالاهای قیمت‌گذاری شده به صورت نسبی ارزان می‌شوند و تقاضای این کالاها افزایش می‌یابد. این افزایش تقاضا در حالی اتفاق می‌افتد که تولیدکنندگان نیز با کاهش قیمت‌های نسبی انگیزه افزایش تولید را از دست می‌دهند. انگیزه نداشتن تولیدکنندگان برای افزایش تولید در پاسخ به تقاضا سبب کاهش سهم کالاهای تولید داخل در بازار محصولات می‌شود. در چنین حالتی، بازار محصول داخلی مختل شده و تخصیص بهینه منابع با مشکل مواجه می‌شود. افزایش سطح قیمت‌ها، درآمد حقیقی خانوارهای آسیب‌پذیر را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ این به معنی کاهش توان خانوار برای حضور در بازار محصول و در نتیجه کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات از سوی این خانوارهاست. ایجاد تورم و فضای پرنوسان سبب ایجاد نااطمینانی در بازار هم می‌شود. نااطمینانی، مخاطره سرمایه‌گذاری را به شدت افزایش می‌دهد. در فضای پرمخاطره، افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت می‌شود و فعالیت‌های نامولد یا واسطه‌گری رونق می‌گیرد. به علاوه، عدم انجام سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت آینده رشد اقتصادی را به خطر می‌اندازد. با این مقدمه، می‌خواستم توصیه و آرزو کنم که رئیس کل امروز بانک مرکزی، اگر به حجمی از ارز دست یافت، از مسیر بالا حرکت نکند، و نتایج مورد اشاره در بالا را به خاطر سپارد. بکوشد حرف خود را که فکر می‌کنم همین حرف‌هایی باشد که خدمت شما عرض کردم، به اعضای دولت بقبولاند؛ خاطر

است. یعنی، فقط متغیرهای پولی کم‌وبیش در اختیار بانک مرکزی نیستند که در شرایط امروز، تغییرات قیمت ارز را توضیح می‌دهند. عمده، آن اقداماتی است که ارز کشور را در دسترس قرار دهد، و گرایش به خروج سرمایه از ایران را آرام کند. در مورد توصیه بنده به سیاست‌گذار در زمینه ارز باید خدمت شما عرض کنم که در تمام ۵۰ سال گذشته، دولت‌ها به جای پرداختن به سازوکارهای ایجادکننده تورم و حل مشکلات، با تلاش جهت سرکوب قیمت ارز و ریال، سعی کرده‌اند تا آثار مشکلات موقتاً پاک شود؛ در نهایت، اتخاذ این رویه به انباشت و تعمیق طیف وسیعی از مشکلات انجامیده است. کسری ساختاری بودجه در اقتصاد ایران از این سال‌ها شروع می‌شود. نقش دلارهای نفتی در تشدید این کسری بودجه انکارناپذیر است. افزایش مخارج دولت در دوره‌های افزایش قیمت نفت و عدم امکان کاهش هزینه و تعهدات دولت در دوره‌های کاهش قیمت نفت، شرایطی را ایجاد کرده که کسری بودجه ساختاری نامیده می‌شود. اثر این کسری بودجه و روش‌های تأمین مالی آن از پایه پولی، چرخه‌ای را پدید آورده که دلیل اصلی تورم مزمن اقتصاد ایران است. در ایران افزایش قیمت نفت و متعاقب آن عملکرد انبساطی مالی دولت که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از فروش ارزهای نفتی تأمین می‌شود، موجب افزایش تقاضا و نرخ تورم شده است. وقتی به علت عرضه بیشتر ارزهای نفتی، نرخ ارز حقیقی کاهش می‌یابد، اقتصاد کشور دچار بیماری هلندی می‌شود. از طرف دیگر، کاهش قیمت نفت اغلب به افزایش یا در مواردی جهش نرخ ارز اسمی و نرخ تورم می‌انجامد و حتی در دوره تکانه منفی قیمت نفت، میزان جهش نرخ ارز و سرعت زیاد گذر آن، باعث تشدید فشارهای تورمی می‌شود. از این رو نوسانات قیمت نفت و درآمدهای نفتی، در هر دو دوره کاهش یا افزایش آن، در نهایت به بروز تورم در اقتصاد ایران منجر می‌شود. در ادوار

۷



شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲

بش



روند بازار ارز تا پایان سال ۱۴۰۲

به شرط آن که علائم بیشتری از کاهش تنش‌های بین‌المللی مشاهده شود (از قبیل حفظ علائم بهبود روابط با عربستان و عدم صدور قطعنامه جدید در آژانس بین‌المللی انرژی علیه ایران در باقی‌مانده سال) نرخ ارز در پایان سال ۱۴۰۲ و به‌رغم رشد نقدینگی در حد سال گذشته، ممکن است در محدوده‌ای پایین‌تر از نرخ تورم باقی بماند. بنابراین، جهش قیمت ارز فعلاً متصور نیست.

چون در ۱۵ ماه گذشته از نرخ رشد نقدینگی کمی کاسته شده، انتظار جهش نرخ ارز در سال ۱۴۰۲ وجود ندارد

نشان کند که ۴۰-۵۰ سال تجربه کنترل قیمت ارز و قیمت کالاها و خدمات کافی است و تسلیم نظر آنها نشود؛ بقبولاند که نظام چندنرخ ارز مفسده‌زاست، و باید به او کمک کنند تا کشور از دست چنین نظام ارزی ناگوارآمدی خلاص شود.

با توجه به سیاست بانک مرکزی در کنترل نقدینگی و کاهش نرخ رشد نقدینگی به ۲۹ درصد، آیا هدف بانک مرکزی برای کاهش نرخ رشد نقدینگی تا پایان سال محقق خواهد شد؟ پیش بینی شما از روند کنترل نقدینگی و اعمال کنترل‌های ترازنامه‌ای بانک‌ها در این زمینه چیست؟ کنترل نقدینگی چه الزاماتی دارد؟

از رشد نقدینگی شروع کنیم. نقدینگی در اقتصاد ایران به صورت میانگین سالانه ۲۷٪ رشد داشته است. این رشد در سال‌های اخیر روندی صعودی داشته و در پنج سال گذشته به ۳۳٪ درصد افزایش یافته است. مطابق آخرین داده‌ها، این نرخ همچنان بالا و در حدود ۳۰ درصد بوده و نرخ تورم در پایان تیرماه ۱۴۰۲ را به ۴۷/۵ درصد رسانده است. البته، بانک مرکزی تلاش کرده که با اعمال محدودیت بر رشد ترازنامه بانک‌ها تا حدی نرخ رشد نقدینگی را نزولی کند و این سیاست را هم چنان دنبال می‌کند. بنابراین امکان کاهش آن به ۲۹٪ هم ممکن است. همان‌طور که شما می‌گویید بانک مرکزی انتظار دارد که نرخ رشد نقدینگی تا پایان سال کاهش شود و گاهی بماند. اما افزایش تقاضای سرمایه در گردش ناشی از جهش نرخ ارز و افزایش هزینه‌های تولید، نیاز مالی دولت و توسل به منابع بانک‌ها، و تکالیف وضع شده بر بانک‌ها مانع کاهش چشمگیر رشد نقدینگی خواهد شد. محتمل‌ترین سناریو آن است که نرخ رشد نقدینگی به آرامی کاهش یابد.

در حال حاضر چقدر خطر ابرتورم برای اقتصاد ایران جدی است؟ برخی عنوان می‌کنند امسال دچار ابرتورم خواهیم شد، اما پیش‌بینی‌ها حاکی از کاهش تورم در ماه‌های آینده است. جناب عالی چه تحلیلی در این باره دارید؟ رئیس کل بانک مرکزی از کاهش تورم به

کانال ۳۰ درصد تا پایان سال سخن گفته است.

هرچند اقتصاد ایران در مقایسه با سایر کشورهای دنیا در مقابله با تورم بسیار ضعیف عمل کرده است، و تورم مزمن و دورقمی در اقتصاد ایران همواره وجود داشته، اما کاهش تورم طبعاً امری ممکن و عملی است. در دهه آخر قرن بیستم حدود ۱۰۰ کشور تورم دورقمی داشتند، اما در سال ۲۰۲۱ تنها ۱۳ کشور با تورم دورقمی مواجه بوده‌اند. ترکیه که در دهه نود میلادی تورم‌های بسیار بالا را تجربه کرده بود، با اصلاح ساختارهای اقتصادی، تورم را به زیر ۱۰ درصد کاهش داد. البته از سال ۲۰۱۷ به بعد، این کشور مجدداً با مشکل تورم روبرو شده است. پس تورم علاج‌پذیر است. متوسط تاریخی تورم در جمهوری اسلامی تا قبل از ۱۳۹۷ حدود ۲۳ درصد بوده، اما الگوی تورم از سال ۱۳۹۷ به بعد تغییر شکل داده و رژیم تورمی کشور از نرخ تورم نسبتاً بالا به نرخ تورم فزاینده تغییر وضعیت می‌دهد. فروردین ۱۳۹۷ نقطه چرخش وضعیت تورم در ایران است. این تاریخ، با خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) همزمان است. از این ماه به بعد نرخ تورم نقطه به نقطه روند صعودی پیدا کرده است. میانگین تورم ایران در این دوره ۳۴٪ است؛ این در حالی است که تورم سال ۱۴۰۱ حدود ۵۰٪ بوده است. این اولین بار است که اقتصاد ایران طی چهار سال متوالی تورمی بالاتر از ۳۵٪ را تجربه می‌کند. این شواهد آماری در کنار نبود دورنمایی روشن از وضعیت اقتصادی کشور بود که تهدید خطر ابرتورم برای اقتصاد ایران را جدی کرد. افزایش شدید نسبت حجم پول به شبه پول در نقدینگی سال‌های اخیر دلیل دیگری بود که اقتصاددانان ایرانی به خطر ابرتورم اشاره کردند. زمانی که آحاد اقتصادی نقدینگی خود را به صورت پول نگهداری می‌کنند، امکان تخصیص اعتبارات تا حد زیادی از بانک‌ها سلب می‌شود. این شرایط نشان‌دهنده افزایش انتظارات تورمی و در نتیجه پیش‌بینی تلاطم‌های بیشتر در بازار دارایی‌هاست. در این حالت، جذابیت پس‌اندازهای بلندمدت بانکی کاهش می‌یابد و سایر دارایی‌ها مانند ارز، طلا، مسکن و حتی خودرو جایگزین آن می‌شود. رشد حجم پول از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷ همواره مساوی یا کمتر از رشد شبه پول و به صورت میانگین برابر ۲۱ درصد بوده است. متأسفانه از سال ۱۳۹۷ میانگین رشد پول ۵۲٪ شده است که بیش از دو برابر رشد شبه پول است. مطابق آخرین داده‌های



منتشر شده بانک مرکزی، این رشد ۶۱٪ اعلام شده است. با این همه، هیچ اقتصاددانی در سال ۱۴۰۲ برای ایران ابرتورم پیش بینی نکرده است. اما برگشت این نرخ هم به کانال ۳۰٪ هرچند ناممکن نیست، اما دشوار است. در سال ۱۴۰۲ انتظار کاهش چشمگیر نرخ تورم متوسط از مسیر کاهش نقدینگی را نمی توانیم داشته باشیم. شاید بتوانیم نرخ تورم سال ۱۴۰۲ را کمتر از سال ۱۴۰۱ و حدود ۴۰ تا ۴۲ درصد برآورد کنیم. فراموش نکنیم که سهم خالص مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها در چند ماه اخیر بسیار افزایشی بوده است.

برخی کارشناسان سهم انتظارات را در افزایش نرخ ارز و تورم موثر می‌دانند. جناب عالی تا چه میزان به اثر منفی متغیر انتظارات در شکل‌گیری تورم اعتقاد دارید؟ در دنیا مقوله انتظارات چقدر در اقتصاد نقش دارد و چگونه مدیریت می‌شود؟ توصیه شما به سیاست‌گذاران در ایران چیست؟

به گمانم طی چهار سال گذشته، به دلیل انتظارات تورمی بالا، آثار رشد نقدینگی بر قیمت‌ها به سرعت تخلیه شده است، و چون در ۱۵ ماه گذشته از نرخ رشد نقدینگی کمی کاسته شده، انتظار جهش نرخ ارز در سال ۱۴۰۲ وجود ندارد. از این رو همان‌طور که قبلاً خدمت شما عرض کردم، فعلاً با توجه به وضعیت روابط خارجی جاری ایران، متغیر «سیاست» تأثیر اصلی را بر قیمت ارز دارد؛ یعنی تغییر قیمت ارز به شدت به وضعیت محدودیت‌های ارزی کشور و تحریم‌ها وابسته است. رویدادهای هفته‌های اخیر بیانگر آن است که روابط با همسایگان

و وضعیت محدودیت‌های ارزی دارد بهتر می‌شود، و بنابراین انتظار جهش شدید نرخ ارز در سال ۱۴۰۲ از این مجرانیزبعید به نظر می‌رسد. غیر از یک یا دو استثنا، همه جهش‌های تورمی با اهمیت اقتصاد ایران، یعنی تندتر رفتن نرخ تورم از روند آن، به محدودیت‌های ارزی کشور و پرش‌های ارز مربوط بوده است. برای سال ۱۴۰۲ همانند تمام دوره‌های قبلی با نرخ تورم بالا، انحراف تورم از روند عمومی آن به وضعیت نرخ ارز هم وابسته است؛ یعنی غیر از اثر نقدینگی بر تورم، توجه کنیم که تورم از مسیر ارز هم می‌گذرد. با دخالت دولت‌ها در کوتاه‌مدت تعادل نقدینگی - تورم به هم می‌خورد. این را در پرسش‌های قبلی شما با کمی جزئیات توضیح دادم.

طی ماه‌های اخیر، بانک مرکزی دیپلماسی توسعه مناسبات بانکی را در قالب انجام سفرهایی به برخی کشورهای منطقه از جمله امارات، قطر، عراق و... در پیش گرفته است. نظر جناب عالی در زمینه شکل‌گیری دیپلماسی بانکی جدید چیست و برای افزایش اثرگذاری مراودات بانکی، چه توصیه‌ای دارید؟

طبعاً پاسخ به این سؤال در محدوده تخصص من نیست. به‌طور کلی می‌فهمم که تصمیمات مربوط به روابط خارجی ایران در سطوح بالاتری اتخاذ می‌شود. بانک مرکزی هم در چارچوبی می‌تواند حرکت کند که نظام قبلاً تعیین کرده است. بدیهی است که تحرک و توسعه مناسبات بانکی و به‌ویژه گسترش دامنه فعالیت کارگزاران بانکی‌ای که با ایران کار می‌کنند، بسیار مثبت است.

رویدادهای هفته‌های اخیر بیانگر آن است که روابط با همسایگان و وضعیت محدودیت‌های ارزی دارد بهتر می‌شود، و بنابراین انتظار جهش شدید نرخ ارز در سال ۱۴۰۲ از این مجرانیزبعید به نظر می‌رسد

توصیه به رییس کل بانک مرکزی

می‌خواستم توصیه و آرزو کنم که رئیس کل امروز بانک مرکزی، اگر به حجمی از ارز دست یافت، از مسیر بالا حرکت و بکوشد حرف خود (را که فکری کنم همین حرف‌هایی باشد که خدمت شما عرض کردم)، به اعضای دولت بقبولاند؛ خاطر نشان کند که ۵۰-۴۰ سال تجربه کنترل قیمت ارز و قیمت کالاها و خدمات کافی است و تسلیم نظر آنها نشود؛ بقبولاند که نظام چندرخی ارز مفسده‌زاست و باید به او کمک کنند تا کشور از دست چنین نظام ارزی ناکارآمدی خلاص شود.



چرا افزایش تورم مرداد نگران کننده نیست؟

- افزایش نرخ تورم ماهانه پس از چند ماه روند نزولی امری غیرعادی نیست و مسبوق به سابقه است
- می توان شواهدی یافت که در گذشته نیز نرخ تورم نقطه به نقطه در مسیر نزولی خود دچار افزایش موقتی شده باشد

تیمور رحمانی /

هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

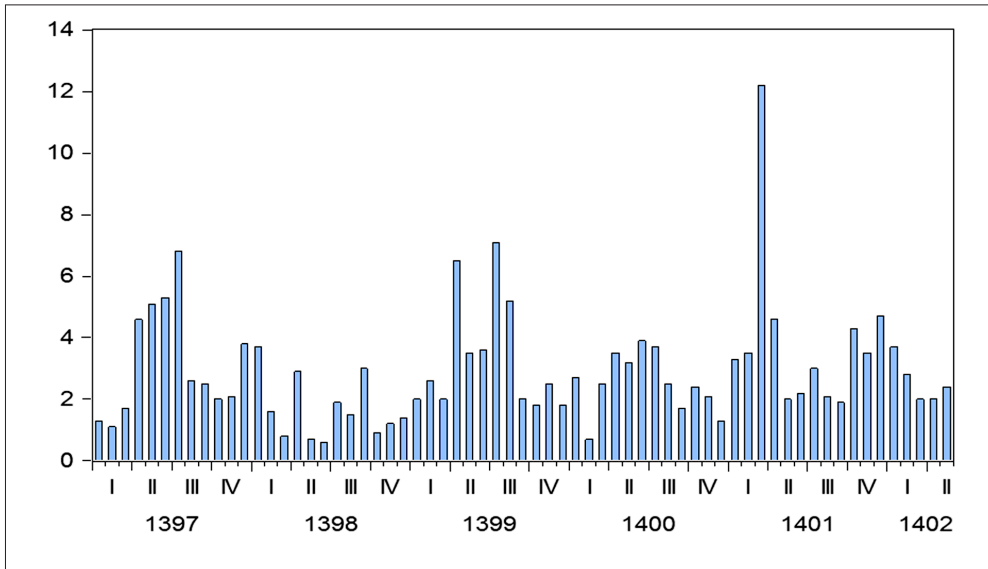


۱۰



اقتصاد

شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲



▲ نمودار ۱
نرخ تورم ماهانه، فروردین
۱۳۹۷ تا مرداد ۱۴۰۲

افزایش نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه رخ داده است، نمی‌توان خیلی غیرعادی و نگران کننده در نظر گرفت. طبیعی است که در طول سال متاثر از شوک‌های طرف عرضه و تقاضای کل اقتصاد و همچنین شوک‌های وارده به بازار برخی کالاها و خدمات (بویژه کالاها و خدماتی که وزن بالایی در شاخص قیمتی مصرف کننده دارند)، نرخ تورم می‌تواند دچار افزایش یا کاهش شود و فعلاً داده‌ها همین دلالت را در مورد مردادماه به همراه دارد. از طرف دیگر، اگر از منظر دولت و بانک مرکزی به موضوع نگاه کنیم، با توجه به شکننده بودن وضعیت انتظارات و مسائل بازار ارز که نقش اساسی در نوسانات نرخ تورم سال‌های اخیر داشته‌اند، حتماً باید هر تحولی در نرخ تورم را همراه با نگرانی جدی دنبال کنیم و به سادگی از کنار آن نگذریم.

برای آنکه بدانیم که جایگاه دولت و بانک مرکزی با جایگاه شهروندان و فعالان اقتصادی متفاوت است، کافی است به رفتار بانک مرکزی آمریکا در طول دوران پس از همه‌گیری کوید ۱۹ نگاه کنیم. در حالی که متعاقب رفع مشکل کرونا، هم متاثر از اختلال زنجیره تولید، هم متاثر از شوک به قیمت کامودیتی‌ها به دلیل مشکلات جنگ اوکراین، و هم به دلیل پیامد سیاست‌های انبساطی دوران کرونا، نرخ تورم دچار افزایش محسوسی شد و با وجود آنکه

بر اساس داده‌های منتشره مرکز آمار ایران، در مرداد ماه ۱۴۰۲ نرخ تورم ماهانه که از اسفند ۱۴۰۱ روند نزولی در پیش گرفته بود، صعودی شد و نرخ تورم نقطه به نقطه که از اردیبهشت ۱۴۰۲ روند نزولی در پیش گرفته بود، صعودی شد. به طور مشخص، نرخ تورم ماهانه که در تیرماه ۱۴۰۲ برابر با ۲ درصد بود در مرداد به ۲۰۴ درصد افزایش یافت و نرخ تورم نقطه به نقطه که در تیرماه ۱۴۰۲ برابر با ۳۹،۴ درصد بود در مرداد به ۳۹،۸ درصد افزایش یافت. البته طبیعی است که علیرغم افزایش نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه، نرخ تورم متوسط سالانه همچنان در حال کاهش است و حتی اگر در ماه‌های بعد هم نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه به همین شکل که در مرداد افزایش یافتند، افزایش یابند، باز هم نرخ تورم متوسط سالانه تا مدتی نزول خود را ادامه خواهد داد. اما پرسشی که مطرح است، آن است که آیا افزایش نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه نشانه تغییر روند نرخ تورم است یا می‌تواند نوعی نوسان موقتی نرخ تورم باشد و آیا لازم است نگران این رخداد باشیم یا خیر؟

اگر از منظر شهروندان و فعالان اقتصادی به موضوع نگاه کنیم، فعلاً آنچه را که به شکل



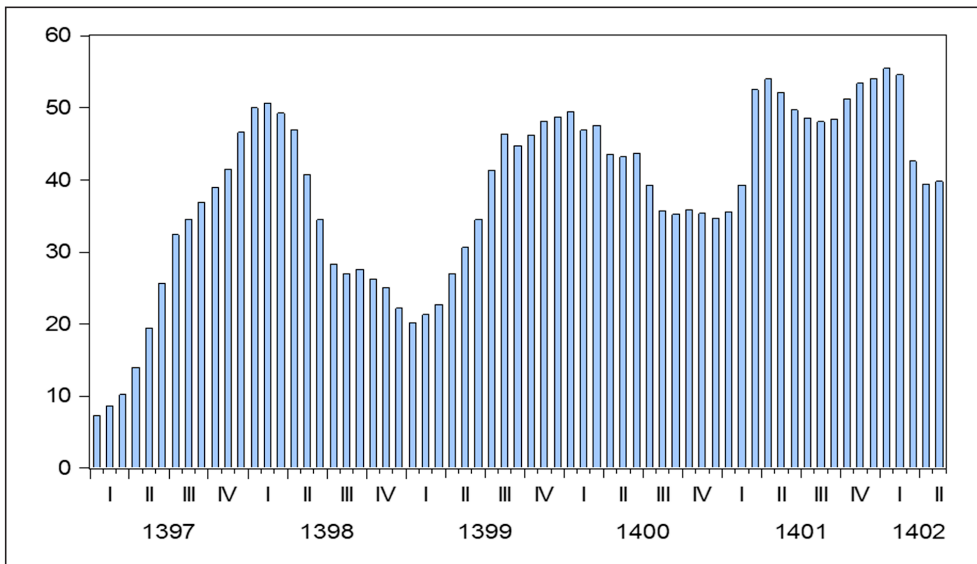
آیا افزایش نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه نشانه تغییر روند نرخ تورم است یا می تواند نوعی نوسان موقتی نرخ تورم باشد و آیا لازم است نگران این رخداد باشیم یا خیر؟

مرجح شهروندان و فعالان اقتصادی باشد. لذا، حتی اگر ما به عنوان سیاستگذار تصور کنیم که نرخ تورم مرداد ماه احتمالاً نوسانی طبیعی در نرخ تورم را منعکس می کند، نمی توانیم برخوردی مشابه شهروندان و فعالان اقتصادی با آن را از خود نشان دهیم، بلکه ارجح است که در جزئیات این تغییر نرخ تورم دقت کرده و دلالت آن برای مسیر تورم ماه های بعد را دنبال کنیم و آن گاه اگر لازم شد، اقدامات سیاستگذاری را در پیش بگیریم.

اما اکنون نگاهی به داده ها داشته باشیم و بر اساس آن دلالت افزایش نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه در مرداد را برای مسیر پیش روی تورم استنتاج کنیم. برای این منظور، در شکل ۱ نرخ تورم ماهانه را در طول دوره فروردین ۱۳۹۷ تا مرداد ۱۴۰۲ غالباً درگیر تورم های بالا بوده ایم، نمایش داده ایم. (نمودار ۱)

همانطور که ملاحظه می شود، افزایش نرخ تورم ماهانه پس از چند ماه روند نزولی امری غیرعادی نیست و مسبوق به سابقه است. مثلاً در انتهای سال ۱۳۹۷ و سه ماه اول سال ۱۳۹۸ نرخ تورم ماهانه روند نزولی داشته است اما در تیرماه ۱۴۰۲ دچار افزایش محسوسی شده است و مجدداً در دو ماه بعدی دچار تنزل محسوسی شده است. به همین ترتیب، از مهر ۱۳۹۹ تا دی ماه ۱۳۹۹ نرخ تورم ماهانه دچار نزول شده است اما در بهمن ۱۳۹۹ افزایش یافته و مجدداً

برخی از اقتصاددانان شناخته شده عدم افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی آمریکا را مورد انتقاد قرار می دهند، بانک مرکزی آمریکا به دلیل اینکه از دائمی بودن شوک تورمی اطمینان نداشت و به دلیل نگرانی راجع به احتمال تداوم رکود، ابتدا به آرامی سراغ سیاست پولی انقباضی و افزایش نرخ بهره رفت. هنگامی که اطمینان حاصل کرد که موضوع جهش نرخ تورم جدی است و نگرانی رکودی خیلی موضوعیت ندارد، شروع به افزایش های قابل توجه نرخ بهره کرد. بالاخره، هنگامی که نرخ تورم مسیر نزولی در پیش گرفت، افزایش های نرخ بهره خود را تا حدی ملایم تر نمود. در حال حاضر، با وجود آنکه بسیاری می پندارند که نگرانی تورمی جدی نیست و تورم تحت کنترل قرار گرفته است، اما بانک مرکزی آمریکا هنوز مجموعه شواهد را چنین تفسیر می کند که نرخ تورم همچنان می تواند بالای هدف حدود ۲ درصدی باقی بماند و به همین دلیل، همچنان تمایل به تداوم سیاست انقباضی را حفظ کرده است. شاید اگر بانک مرکزی آمریکا خود را در جایگاه شهروندان و فعالان اقتصادی قرار می داد، در ماه های اخیر و پیش رو نیازی به افزایش نرخ بهره نمی دید. اما قرار داشتن در جایگاه سیاستگذار سبب می شود رفتار بانک مرکزی و دولت راجع به پدیده تورم متفاوت از رفتار



▲ نمودار ۲
نرخ تورم نقطه به نقطه،
فروردین ۱۳۹۷ تا مرداد ۱۴۰۲

همین ترتیب، در حالی که نرخ تورم نقطه به نقطه از فروردین ۱۴۰۰ مسیر کلی نزولی را در پیش گرفته است، در خرداد ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۰ دچار افزایش شده است و سپس مسیر نزولی را برای مدتی ادامه داده است. بنابراین، صرف افزایش نرخ تورم نقطه به نقطه مرداد نمی تواند الزاماً دال بر صعودی شدن مسیر تورم باشد، بلکه می تواند افزایشی موقتی تلقی شود.

آنچه به عنوان مجموعه شواهد و از جمله در بازار دارایی ها مشاهده می شود و همچنین با توجه به تداوم روند نزولی رشد نقدینگی و توقف سیال شدن حجم نقدینگی در طول ماه های اخیر، همگی دلالت بر تثبیت نسبی انتظارات تورمی دارد و در نتیجه می توان افزایش نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه مرداد را عمدتاً افزایشی ناشی از وارد شدن شوک به برخی اجزای شاخص قیمت و همچنین وقفه ظاهر شدن تورم در بخشی از اجزای شاخص قیمت دانست تا افزایشی عمومی در تورم مجموع کالاها و خدمات. لذا، به نظر نمی رسد در غیاب یک شوک سیاسی و لذا شوک برونزا به بازار ارز و انتظارات تورمی، تغییر مسیر جدی در مسیر نرخ تورم در حال رخ دادن باشد. با این حال، سیاستگذاری همچنان باید احتیاط را حفظ کرده و از اقدامات انقباضی در مورد نرخ سود و رشد نقدینگی عدول نکند و از اقدامات زمینه ساز تحریک شوک در بازار ارز پرهیز نماید.

در اسفند ۱۳۹۹ دچار کاهش شده است. مشابه این از شهریور ۱۴۰۰ تا آذر ۱۴۰۰ نرخ تورم ماهانه مسیر نزولی داشته است، اما در دی ماه ۱۴۰۰ دچار افزایش شده است و مجدداً در دو ماه بعدی دچار کاهش شده است. با توجه به آنچه که در توضیح نمودار ۱ اشاره شد، فعلاً هیچ دلالتی دال بر اینکه مسیر نرخ تورم ماهانه صعودی شده باشد و این صعودی شدن تغییر مسیر دائمی تلقی شود، وجود ندارد، گرچه سیاستگذار نباید به این دلالت بسنده کند.

در نمودار ۲ نرخ تورم نقطه به نقطه برای دوره فروردین ۱۳۹۷ تا مرداد ۱۴۰۲ ترسیم شده است تا براساس آن در مورد دلالت افزایش نرخ تورم نقطه به نقطه استنتاج صورت گیرد. به طور مشخص، براساس رفتار نرخ تورم نقطه به نقطه به این استنتاج پرداخته شود که آیا رفتار نرخ تورم مرداد ۱۴۰۲ دلالتی برای تغییر مسیر تورم در بردارد؟ (نمودار ۲)

با نگاهی به روند نرخ تورم نقطه به نقطه نیز می توان شواهدی یافت که در گذشته نیز نرخ تورم نقطه به نقطه در مسیر نزولی خود دچار افزایش موقتی شده باشد. به عنوان نمونه، در حالی که نرخ تورم نقطه به نقطه از اردیبهشت ۱۳۹۸ مسیر نزولی قابل توجهی را دنبال کرده است و تا آبان ۱۳۹۸ این روند نزولی ادامه داشته است، در آذر ۱۳۹۸ دچار افزایش شده و مجدداً در ماه های بعد دچار کاهش شده است. به

رئیس موسسه ملی مطالعات و آمار لبنان در گفتگو با تازه‌های اقتصاد
از پیامدهای مثبت حضور ایران در بریکس می‌گوید:

پایان سلطه سوئیفت

- دنیا امروز به سمت مبادله براساس ارزهای محلی و حذف دلار حرکت می‌کند
- بریکس به دنبال حذف دلار از تجارت کشورهاست
- اگر لبنان عضو بریکس شود تحریم‌ها و فشارهای آمریکا برعلیه این کشور خنثی می‌شود
- سلطه سوئیفت با قدرتمند شدن بریکس به پایان خود نزدیک می‌شود



بریکس گروهی متشکل از قدرت‌های اقتصادی نوظهور است که بنیان آن در سال ۲۰۰۶ گذاشته شد و به تدریج با اضافه شدن اعضای جدید به آن مفهوم جدیدتری به خود گرفت. این گروه متشکل از کشورهای روسیه، چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی است که در نشست اخیر آن در ژوهانسبورگ، اعضای جدید از جمله ایران به آن پیوستند و قرار است تا سال ۲۰۲۴ رشد و تحول چشمگیرتری را تجربه کند.

با پیوستن ایران به گروه بریکس، علاوه بر ارسال پیام‌های سیاسی به قدرت‌های دنیا، سازوکارهای اقتصادی جدیدی به ویژه در پرتو خیز ایران برای تعامل و ایجاد روابط متفاوت با همسایگان و کشورهای منطقه و در صدر آنها کشورهای عربی تعریف می‌شود که می‌تواند در رفیع بسیاری از موانع موجود در مسیر تعاملات اقتصادی با جهان خارج راهگشا باشد، چرا که یکی از اهداف اصلی گروه بریکس اصلاح نظام مالی جهانی به ویژه از طریق حذف هیمنه دلار و تسهیل روابط اقتصادی با اتکا به سازوکارهای تعیین شده از سوی خود گروه است.

در همین راستا و به منظور تبیین ابعاد مثبت عضویت ایران در گروه بریکس و ظرفیت‌های قابل استفاده با اتکا به کارکرد این گروه در ساختار جدید نظام مالی و اقتصادی جهان، دکتر "زکریا الحمودان" به پرسش‌های مطرح شده هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد پاسخ گفت. حمودان، رئیس مؤسسه ملی مطالعات و آمار لبنان است و به عنوان تحلیلگر ارشد مسائل اقتصادی و سیاسی در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی مطرح است. متن زیر حاصل گفتگوی زکریا الحمودان با تازه‌های اقتصاد است.

روابط اقتصادی بین ایران و کشورهای عرب در مناطق مختلف همواره رو به توسعه بوده و مناسبات اقتصادی خوبی بین ایران و برخی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس برقرار است. تا چه میزان این ظرفیت‌ها قابل توسعه است و چه اقداماتی باید در این زمینه صورت گیرد؟

در ارتباط با روابط ایران با کشورهای عربی، قطعاً در سطح جغرافیایی امکان توسعه روابط به شکل گسترده وجود دارد، به ویژه اینکه ایران توانایی تولید دارد، از این رو هر کشوری که توان تولید داشته باشد، توان صادرات نیز دارد. به ویژه اگر تولیداتش مازاد بر نیازهای داخلی باشد. ایران از این ظرفیت برخوردار است، اما اقداماتی که در این راستا باید اتخاذ شود، پیش از هر چیز به ثبات سیاسی و همچنین توافقاتی دو جانبه‌ای که بین طرفین صورت می‌گیرد، وابسته بوده و نوع متفاوتی از توافق مورد نیاز است. برای مثال توافق‌هایی که بین ایران و سوریه صورت گرفته است، موجب توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور خواهد شد، اما مثلاً ورود ایران به توافقاتی با کشورهای حاشیه خلیج فارس، نیازمند یک سری اقدامات دیگری مانند حذف تعرفه‌های گمرکی است. بنابراین گام نخست در این اقدامات، تحقق ثبات سیاسی است و در مراحل بعد است که توافقاتی اقتصادی حاصل می‌شود.

ایجاد زمینه‌های همکاری‌های پولی بر اساس ارزش‌های محلی به جای دلار، یکی از راهبردهای دیپلماسی منطقه‌ای ایران است که مورد توجه گروه بریکس نیز واقع شده است. فکر می‌کنید تا چه میزان این آمادگی در

حضور ایران در سازمان همکاری‌های اقتصادی شانگهای در کنار چند کشور عربی و همچنین پیوستن همین کشورها به گروه بریکس، زمینه را برای مبادلات براساس ارزش‌های محلی بدون نیاز به دلار فراهم می‌کند



پایان سلطه سوئیفت

می‌توانیم بگوییم که سلطه سوئیفت رو به زوال است، زیرا ایران، روسیه و چین هر یک نظام مالی جدید را برای معاملات خود تعریف کرده‌اند و در برهه اخیر شاهد توافقاتی جدید بین این سه کشور علیه سیستم مالی سوئیفت بوده‌ایم. از اینرو پایان سوئیفت آغاز شده است و اگر یک نظام پرداخت مالی جدید در جهان ایجاد شود، مرجعیت جدیدی علیه سوئیفت شکل می‌گیرد.

زمانی که روابط سیاسی و اقتصادی برقرار شود، آن وقت طرفین می‌توانند درباره‌ی ارز مورد استفاده در مبادلات خود توافق کنند و ارزهای جایگزین دلار را انتخاب کنند

کشورهای عربی به ویژه امارات، مصر و عربستان به عنوان اعضای عربی بریکس نیز وجود دارد و مزایای تبادلات اقتصادی با ارزهای محلی چیست؟

در ارتباط با همکاری‌های پولی بر اساس ارزهای محلی باید بگوییم که دنیا امروز به طور کلی به سمت مبادله بر اساس ارزهای محلی و حذف دلار حرکت می‌کند. بدون شک حضور ایران در سازمان همکاری‌های اقتصادی شانگهای در کنار چند کشور عربی و همچنین پیوستن همین کشورها به گروه بریکس، زمینه را برای مبادلات بر اساس ارزهای محلی بدون نیاز به دلار فراهم می‌کند و یا حتی امکان، انجام مبادلات با ارزهای جدید نیز وجود دارد. برای مثال، گروه بریکس به دنبال ایجاد یک پول به نام R5+ است، هر چند این مسئله زمان بر است، اما به نظر من این ظرفیت وجود دارد. در اینجا باید تاکید کنم که این موضوع نیز به تحقق ثبات سیاسی بستگی دارد. اگر ثبات سیاسی وجود داشته باشد، به نفع کشورهای عربی است که در سطح اقتصادی نیز با ایران تعامل داشته باشند. زمانی که روابط سیاسی و اقتصادی برقرار شود، آن وقت طرفین می‌توانند درباره‌ی ارز مورد استفاده در مبادلات خود توافق کنند و ارزهای جایگزین دلار را انتخاب کنند. به نظر من جایگزینی دلار در حال حاضر می‌تواند از طریق استفاده از ارزهای دیجیتال نیز محقق شود و یا اینکه در این زمینه از ارز مشترک مورد توافق استفاده شود. باید منتظر باشیم تا ببینیم که این ارز جایگزین چیست؟ روبل، یورو یا ارز جدیدی انتخاب خواهد شد، اما به هر حال این ظرفیت وجود دارد و باید ببینیم که شرایط به چه سمتی پیش می‌رود.

پیوستن ایران به بریکس به عنوان یک گروه قدرتمند اقتصادی

که ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارند، را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ عضویت ایران در این گروه را تا چه میزان برای کشورهای منطقه و افزایش تبادلات این کشورها مؤثر و مفید می‌داند؟

قطعا پیوستن ایران به گروه بریکس در کنار انضمام به سازمان شانگهای یک عامل مثبت دیگر برای تقویت اقتصاد ایران خواهد بود. گروه بریکس به عنوان یک گروه اقتصادی بزرگ، اکنون برای شکل‌گیری نظام جدید اقتصاد جهانی تلاش می‌کند و به محض اینکه از ارز جدید نیز رونمایی شود، ضربه بزرگی به دلار در سطح جهانی وارد می‌شود. بنابراین الحاق ایران به این گروه و ائتلاف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای آن، قطعا به تقویت نقش این کشور منتهی خواهد شد و زمانی که ارز مذکور هم راه‌اندازی شود، دست ایران از لحاظ اقتصادی و مالی بازتر خواهد شد و این مسئله به قدرت تجاری و مالی ایران در سطح جهان خواهد افزود.

به نظر می‌رسد نظم جدیدی در مبادلات اقتصادی جهان در حال شکل‌گیری است که ایران هم بخشی از این بازی قدرت اقتصادی خواهد بود. کاهش سلطه اقتصادی غرب و آمریکا، چقدر منجر به شکوفایی اقتصادهای نوظهور و در نتیجه متنوع شدن بازار جهانی اقتصاد خواهد شد؟

درباره شکل‌گیری نظام جهانی جدید باید بگوییم که توسعه بریکس مسئله منجر به ظهور اقتصادهای جدید و نوپیدای می‌شود که

بـرـش



ارز جدید بریکس باید به سرانجام برسد

به صراحت باید بگوییم که تاسیس بانک مشترک می‌تواند یک پشتوانه مالی خوبی باشد، اما اگر ارز جدیدی برای معاملات ایجاد نشود و تبادلات تجاری از سیطره دلار خارج نشود، امکان ندارد شاهد تحول خاصی در زمینه تبادلات جهانی باشیم. بنابراین به نظر من تاسیس بانک مشترک در کنار تبادلات تجاری بر اساس ارزی غیر از دلار، توانمندی‌های اقتصادی کشورها را تقویت می‌کند و اجازه می‌دهد که نظام جهانی جدید عملاً تشکیل شود.



به محض اینکه
از ارز جدید
بریکس رونمایی
شود، ضربه
بزرگی به دلار در
سطح جهانی
وارد می شود

به همین دلیل من معتقد هستم که به محض شکل گیری هر نظام مالی جدید که فرایند آن نیز هم اکنون آغاز شده است، سال ۲۰۲۴ سرآغاز رسمی این اقدام خواهد بود. با همین استدلال می توان گفت که شکل گیری یک نظام مالی بزرگ در جهان در چارچوب گروه هایی مانند بریکس می تواند کشورهای فراوانی از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس را در بر گیرد. (البته من نمی گویم که صرفاً بریکس مبنای رسمی این نظام مالی جدید است، اما معتقد هستم که این نظام یک سیستم باز است که کشورهای فراوانی می توانند به آن بپیوندند). حتی کشورهایی که از نظام مالی سوئیفت استفاده می کنند، مانند کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز می توانند به این نظام جدید ملحق شوند. این کشورها ممکن است در همان چارچوب سوئیفت باقی بمانند، اما روابطشان با ایران، روسیه و چین آنها را ناگزیر به پیوستن به نظام جدید در کنار سوئیفت خواهد کرد.

روابط اقتصادی ایران و لبنان را چگونه ارزیابی می کنید و از دیدگاه شما زمینه های سرمایه گذاری ایران در لبنان به ویژه در سایه شرایط کنونی این کشور در همه عرصه های اقتصادی کدامند؟

روابط اقتصادی ایران و لبنان در سطح قابل قبول نیست، اما پتانسیل سرمایه گذاری ایران در لبنان بسیار بالاست. دلیل چیست؟ ایران توجه زیادی به جنبه اقتصادی روابط با لبنان نداشته است. نمی بینیم که کالاهای ایرانی وارد لبنان شود و یا کالاهای ایرانی در فهرست کالاهای وارداتی به لبنان وجود داشته باشد، بنابراین به نظر من این حوزه باید تقویت شود و به ویژه در سایه تحولات جدید اقتصادی توسعه یابد. از نظر من، جدیت کافی از طرف ایران برای این موضوع وجود ندارد. وزارت خارجه ایران باید به این موضوع با جدیت بیشتری بپردازد و نشست های تخصصی بسیاری در این خصوص برگزار شود. در اینجا باید به یک نکته مهم اشاره کنم و آن اینکه ایران می تواند شهرک ها و مناطق صنعتی در لبنان تأسیس کند و از این کشور به عنوان یک منطقه لجستیک برای صادرات به دنیا، از جمله غرب استفاده کند. اما همانطور که گفتم، اهتمام جدی نسبت به این مسئله وجود ندارد. تا آنجا که من اطلاع دارم لبنان نیاز دارد و ظرفیت ایران نیز بالاست و تنها باید در این زمینه اقدام شود.

می توانند نقش اصلی را در این نظام جهانی ایفا کنند. به عنوان مثال، اگر لبنان به این نظام جهانی بپیوندد، از تحریم ها و فشارهای اقتصادی آمریکا رها می شود، کما اینکه یک تکامل جهانی گسترده در چارچوب این ائتلاف ها هم در قالب بریکس و هم سازمان شانگهای رخ خواهد داد، بنابراین باید بگویم که اقتصادهای نوپا اگر به اینگونه سازمان ها و گروه هایی که رویکردهای اقتصادی دارند، بپیوندند، منفعت بزرگی کسب خواهند کرد.

کشورهای عضو این گروه یک بانک مشترک در اختیار دارند که می تواند پشتوانه مالی خوبی برای اعضا محسوب شود؟ چقدر این ظرفیت بانکی، امکان توسعه تبادلات مالی بین اعضا را فراهم خواهد کرد؟

به صراحت باید بگویم که تأسیس بانک مشترک می تواند یک پشتوانه مالی خوبی باشد، اما اگر از جدیدی برای معاملات ایجاد نشود و تبادلات تجاری از سیطره دلار خارج نشود، امکان ندارد شاهد تحول خاصی در زمینه تبادلات جهانی باشیم. بنابراین به نظر من تأسیس بانک مشترک در کنار تبادلات تجاری بر اساس ارزی غیر از دلار، توانمندی های اقتصادی کشورها را تقویت می کند و اجازه می دهد که نظام جهانی جدید عملاً تشکیل شود. از اینرو اگر نتوانستند ارز واحدی تعیین کنند، به نظر من ارز دیجیتال می تواند جایگزین خوبی باشد. به همین دلیل است که ما امروز به گام های عملی و موثر در سریعترین زمان ممکن نیاز داریم.

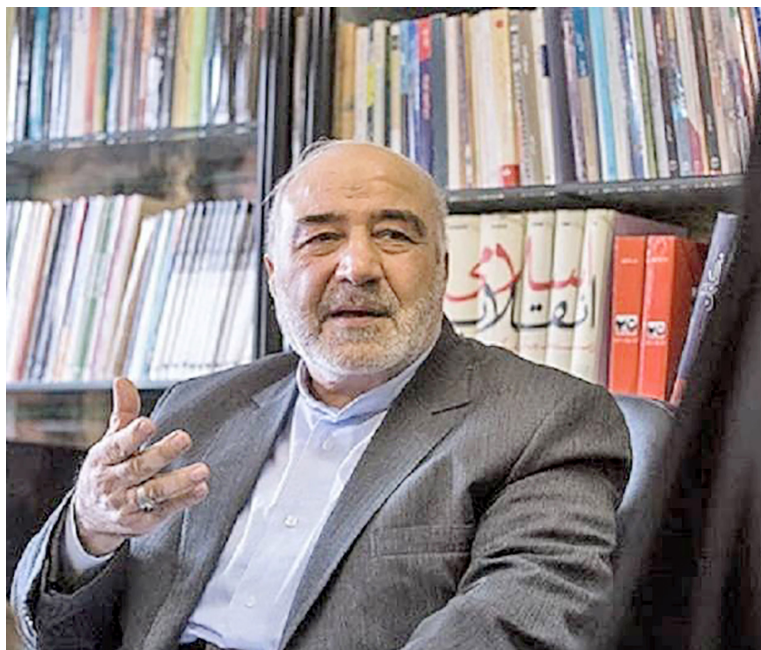
ایجاد یک پیام رسان جدید مالی به جای سوئیفت در قالب بریکس مطرح است. در صورت ایجاد یک مسیر مبادله جدید مالی به جای سوئیفت برای حدود ۵۰ درصد جمعیت جهان، آیا باید سلطه سوئیفت را رو به اتمام بدانیم؟

می توانیم بگویم که سلطه سوئیفت رو به زوال است، زیرا ایران، روسیه و چین هر یک نظام مالی جدید را برای معاملات خود تعریف کرده اند و در برهه اخیر شاهد توافق های جدید بین این سه کشور علیه سیستم مالی سوئیفت بوده ایم. از اینرو پایان سوئیفت آغاز شده است و اگر یک نظام پرداخت مالی جدید در جهان ایجاد شود، مرجعیت جدیدی علیه سوئیفت شکل می گیرد.

دکتر جواد منصوری، سفیر سابق ایران در چین در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

آمریکایی‌ها از عضویت ایران در بریکس نگران شدند

- عضویت ایران در هر نوعی از توافقات و گروه‌های بین‌المللی اعم از شانگهای، بریکس یا هر سازمان دیگری موفقیت بزرگی محسوب می‌شود
- پذیرش عربستان، امارات، مصر و... در کنار ایران در بریکس، نشان دهنده نظم جدیدی در جهان است که باید مورد توجه قرار گیرد
- حذف دلار از مبادلات کشورهای عضو بریکس، اهمیت بالایی برای ایران در خنثی‌سازی تحریم‌ها دارد



عضویت ایران
در بریکس
علاوه بر
اینکه برای
دیگر کشورها
سودآوری به
همراه دارد
برای ایران نیز از
اهمیت فراوانی
برخوردار است

بودن همیشگی معاملات مربوط به کشور در سطح بین‌المللی مسئله بسیار مهمی محسوب می‌شود. نکته دوم این است که سایر کشورها به دلیل موقعیت خاص ایران به مشتقات، محصولات و تولیدات ناشی از نفت و گاز ایران به شدت نیاز دارند، بنابراین از این حیث توجه فراوانی را جلب می‌کند.

بازار ایران هم موضوع بعدی است که به خاطر موقعیت جغرافیایی، کشورهای بزرگ جهان و حتی کشورهای متوسط دنیا هم نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند، عضویت ایران در هر نوعی از توافقات و گروه‌های بین‌المللی اعم از شانگهای، بریکس یا هر سازمان دیگری طبیعاً می‌تواند ظرفیت قابل ملاحظه‌ای به حساب آید. نکته حائز اهمیت دیگر این است که به هر حال غرب آسیا در حال عبور از یک دوران گذار و تحول است که باید با توجه به حضور و نقش ایران آن را طی کند، به همین دلیل هم‌زمان با ورود ایران به بریکس امارات، عربستان و مصر هم پذیرفته می‌شوند. مسئله پذیرش این کشورها نکته مهمی است که در محاسبات و محاسبات نظام جدید بین‌المللی قطعاً باید مورد توجه قرار گیرد. مسئله حائز اهمیت دیگر این است که ایران در هر صورت به عنوان یک مسیر ترانزیتی یا کریدور بین‌المللی به حساب می‌آید. البته متاسفانه در سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری لازم در این زمینه انجام نگرفت، اما به تازگی اقداماتی آغاز شده و در آینده خطوط ترانزیتی ایران، قطعاً برای اقتصاد و تجارت جهانی نقش بالایی خواهد داشت. دولت باید برای این قضیه سرمایه‌گذاری و تلاش بیشتری انجام دهد تا طرح‌های ترانزیت زودتر به نتیجه برسد، زیرا در هر صورت کشور ما برای سرمایه‌گذاری‌های مختلف ظرفیت فوق‌العاده‌ای دارد و به طور حتم سرمایه‌گذاران به این فاکتور ارزشمند و نقش مهم ایران در جهان توجه فراوانی دارند.

افزایش امکان صادرات انرژی از ایران، به عنوان یکی از دستاوردهای آتی عضویت در بریکس مطرح شده است. یافتن مشتریان جدید نفت و گاز ایران چه اندازه در افزایش درآمد کشور و خنثی شدن تحریم‌ها اثرگذار خواهد بود؟

طبیعتاً افزایش توسعه تجارت خارجی موفقیت به حساب می‌آید، اضافه بر اینکه بحث بریکس نقطه قوت بسیار مهمی دارد که آن هم مسئله حذف دلار از مبادلات بین اعضاء است که کمک بسیار مهمی در خنثی شدن تحریم‌ها خواهد بود. به این ترتیب،

دوم شهریورماه امسال عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در گروه اقتصادهای نوظهور جهان موسوم به "بریکس" قطعی شد. گروه بریکس در آخرین نشست خود در پایتخت آفریقای جنوبی، با عضویت دائم ایران در این گروه موافقت کرد و بدینوسیله، ایران و ۵ کشور عربستان، مصر، آرژانتین، ایتوپیا و امارات به عنوان اعضای جدید بریکس انتخاب شدند، در حالی که ۲۳ کشور دیگر نیز خواهان عضویت رسمی در این گروه هستند. بسیاری از رسانه‌های جهان، عضویت ایران در بریکس را موفقیت بزرگی در عرصه سیاسی و اقتصادی برای کشورمان قلمداد کردند. ایران از این پس می‌تواند به عنوان عضو بریکس، با سایر اعضای این گروه یعنی روسیه، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی تعاملات اقتصادی گسترده‌تری را داشته باشد.

پیوستن به گروه بریکس در حال حاضر از سوی ۴۰ کشور دنبال می‌شود و همانطور که عنوان شد، ۲۳ کشور در این زمینه درخواست رسمی داده‌اند. اهمیت بریکس علاوه بر اهداف اصلی این گروه که شامل پیگیری ایجاد ارز بریکس و دلارزدایی، تقویت بانک توسعه بریکس و همچنین ایجاد یک پیام رسان مالی جدید به جای سوئیفت می‌شود، این است که بریکس ۴۱ درصد جمعیت جهان، ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۶ درصد حجم مبادلات تجاری دنیا را در اختیار دارد و این ظرفیت بزرگ، فرصت مناسبی را برای ایران جهت افزایش فروش انرژی به کشورهای عضو و تقویت مبادلات به منظور خنثی‌سازی تحریم‌ها ایجاد می‌کند. هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد برای بررسی مزایای پیوستن ایران به بریکس با دکتر جواد منصوری، سفیر اسبق ایران در چین گفت‌وگو کرده که در ذیل می‌آید:

ایران به عنوان عضو جدید گروه بریکس انتخاب شد، تحلیل شما از این موفقیت چیست و فکر می‌کنید چه دستاوردهایی برای کشور به همراه داشته باشد؟

موقعیت جغرافیایی ایران و به اصطلاح ژئوپلیتیک کشورمان، یکی از دلایل مهم توجه قدرت‌های کوچک و بزرگ دنیا در طول تاریخ به کشور ما بوده است، به همین دلیل معمولاً دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا به نوعی تعامل خود را با ایران حفظ و با صورت موفقیت بر آن تسلط پیدا کنند. مطرح



حجم مبادلات
تجاری بین
اعضاء بریکس
به اندازه‌ای
بالاست که
بخش عمده‌ای
از مبادلات ارزی
خارجی کشور
را تامین خواهد
کرد و بر همین
اساس نیاز به
سوئیفت به
حداقل خود
می‌رسد

عضویت ایران در بریکس علاوه بر اینکه برای دیگر کشورهای سودآوری به همراه دارد، برای ایران نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. اضافه بر این، مجموعه بریکس به لحاظ صنعتی، کشاورزی و حتی در بخش‌های مختلف دیگر، ظرفیت‌های بسیار بالایی دارد که کشور به خوبی می‌تواند از آنها استفاده کند.

با ورود ایران و ۵ عضو دیگر به بریکس، ایجاد ارز بریکس احتمالاً جدی‌تر خواهد شد. ارائه یک ارز مشترک با هدف کاهش اثر دلار در اقتصاد ایران و سایر کشورها، چقدر حائز اهمیت خواهد بود؟

قطعاً حذف دلار و تجارت با ارز بریکس که بازار بسیار گسترده‌ای نیز خواهد داشت و شاید ۸۰ درصد بازار خارجی ایران را به خود اختصاص دهد، برای کشور ما بسیار اهمیت دارد و البته برای تبادلات اقتصادی سایر اعضا هم تأثیرگذار است. اتفاقاً نکته حائز اهمیت این است که امروز شاهدیم مقامات آمریکایی از روند دلارزدایی، به خصوص عضویت ایران در بریکس به صراحت احساس ناراحتی و نگرانی می‌کنند که این نشان می‌دهد، از نظر آنان این عضویت برای ایران امتیازات فوق العاده‌ای به همراه می‌آورد، امتیازاتی که با آنها هم بخشی از تحریم‌ها خنثی خواهد شد و هم به قسمتی از برنامه‌های توسعه‌ای سرعت بخشیده می‌شود.

یک مزیت بریکس، وجود بانک توسعه بریکس است که ایران عضو رسمی این بانک خواهد شد. تا چه میزان می‌توان بر ظرفیت استفاده از منابع این بانک حساب کرد؟ اساس پیوستن به بانکی که کشورهای عضو آن بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان را دارند، تا چه میزان امکان ایجاد ظرفیت جدید برای اقتصاد ایران را به دنبال دارد؟

استفاده از صندوق یا بانک توسعه بریکس در

تسهیل اجرای پروژه‌ها و سرعت بخشیدن به اجرای طرح‌های اساسی کشور از لحاظ پشتوانه مالی و اعتباراتی که می‌تواند دریافت می‌شود، تأثیرگذار خواهد بود، ولی باید درباره این نکته به مسئولان کشور تأکید کرد که پیوستن به بریکس مزایا، امتیازات و فرصت‌های بسیاری به دنبال دارد، اما دو نکته مهم را در این رابطه باید مورد توجه داشت. یکی آن است که کسب موفقیت در این مسیر تازه، به پیگیری جدی نیاز دارد و چنانچه استمرار دائم کارها صورت نگیرد، پیشرفت فوق العاده‌ای هم حاصل نخواهد شد. نکته دوم هم این است که باید توجه داشت، اصل حل مشکلات، رسیدن به اهداف و پیشرفت بستگی به عملکرد داخلی دارد. این موضوع بسیار حائز اهمیت است و باید دانست که عضویت در بریکس تمام مسائل کشور، یا حتی بخشی از آن را حل نخواهد کرد، مگر اینکه در داخل قسمت مهمی از گره‌ها باز شود.

ایجاد پیام‌رسان جدید پرداخت به جای سوئیفت در قالب گروه بریکس مطرح است. اگر بتوان یک ساختار جدیدی به عنوان پیام‌رسان مالی در قالب بریکس ایجاد کرد، چقدر می‌تواند مشکلات تبادلات مالی ایران را در عرصه بین‌المللی حل و فصل کند؟

حجم مبادلات تجاری بین اعضای بریکس به اندازه‌ای بالاست که بخش عمده‌ای از مبادلات ارزی خارجی کشور را تامین خواهد کرد و بر همین اساس نیاز به سوئیفت به حداقل خود می‌رسد. ضمن اینکه آمریکایی‌ها هم اخیراً متوجه اشتباه بزرگ خود در قضیه تحریم‌های مالی و بانکی شده‌اند. زیرا این اقدامات سبب شده که جریان دلارزدایی در دنیا شکل بگیرد و ممکن است خود آمریکایی‌ها نیز به تدریج، امکان استفاده از سوئیفت را به شکل عادی برگردانند.





مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین
در گفتگو با هفته نامه تازه های اقتصاد:

بریکس تیغ تحریم های آمریکا را کُند کرد

- جغرافیای سیاسی و اقتصادی دنیا با شکل گیری بلوک های جدید اقتصادی، در حال تغییر است
- میزان تجارت غیردلاری در جهان طی ۵ سال اخیر، ۱۰ برابر شد
- اثر ارز و به خصوص پترودلار در اقتصاد ایران باید برنامه ریزی شده و قابل کنترل باشد

۲۱



اقتصاد

● شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ ●

در اجلاس ژوهانسبورگ بریکس، شش کشور از جمله ایران، پذیرفته شدند و نشان می‌دهد که اهمیت اقتصاد کشور ما برای آینده اقتصاد دنیا به گونه‌ای است که از بین ۳۰ کشور متقاضی ایران پذیرفته شد

عضویت ایران در گروه بریکس، به عنوان یکی از بلوک‌های بزرگ اقتصادی تشکیل شده در جهان، بازخوردهای داخلی و خارجی بسیار خوبی داشته است. فرصت‌های تجاری و ظرفیت‌های ایجاد شده برای کشور، بسیار حائز اهمیت است و از سوی، ایران نیز به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای دارنده ذخایر نفت و گاز جهان، مورد توجهات ویژه سایر اعضا قرار گرفته است. اینکه چه فرصت‌ها و زمینه‌هایی پیش روی اقتصاد ایران قرار دارد و تجار و بازرگانان ایرانی چگونه باید از این ظرفیت استفاده کنند؟ سوالاتی است که هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد در گفتگویی تفصیلی با مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین مطرح کرده است که شرح آن از نظر می‌گذرد:

ایران به عنوان عضو جدید بریکس انتخاب شد. تحلیل شما از این موفقیت چیست و فکر می‌کنید چه دستاوردهایی را برای کشورمان به همراه داشته باشد؟

در ابتدا باید بدانیم که اصل موضوع این است که یک عده‌ای در دنیا با ما دعوای سیاسی دارند و جنگ را در زمین اقتصاد آورده‌اند و عملاً ما بیشتر از اینکه درگیری سیاسی و نظامی با طرف‌های مقابل داشته باشیم، درگیری اقتصادی داریم. اتفاقی که به ویژه از سال ۱۳۹۷ به بعد بر اقتصاد ایران اثر داشت و یک جهش ارزی داشتیم، زیرا امکان فروش نفت را از ما گرفته بودند و با کمبود منابع ارزی مواجه شده بودیم. در تجارت خارجی سه اصل اولیه بانک، بیمه و حمل و نقل را داریم که این سه مورد تحت فشار تحریم‌ها قرار داشت. به بیان دیگر تحریم‌کننده آگاهانه

می‌دانسته که با ما چه کاری انجام می‌دهد. دو مدل برخورد وجود داشت، یک مدل این بود که ما پلن B برای چنین وضعیتی نداشتیم و معطل مذاکره و اروپایی‌ها بودیم و اینستکس را مطرح می‌کردیم. در حقیقت یک دوران بی‌عملی را گذراندیم. به هر حال از یک جایی، به این نتیجه رسیدند که این معطلی نه تنها دردی را از ما دوا نمی‌کند، بلکه بیشتر هم به مقصودی که طرف مقابل برای ما طراحی کرده نزدیک می‌شویم. بنابراین دو مساله مطرح شد، یکی اینکه به دنبال رفع تحریم‌ها باشیم. راه دیگر هم این است که بتوانیم اثر تحریم‌ها در اقتصادمان را کم و کمتر کرده و به نوعی مدیریت کنیم. برای این کار نیاز است که به روش‌ها و راه‌های جدیدی فکر شود. یکی از بحث‌هایی که مطرح شد، هدف‌گذاری گسترش تجارت با ۱۵ کشور همسایه و دو کشور چین و هند که در نتیجه یک محور ۱۷ کشوری را هدف‌گذاری کردیم، که اتفاقات خوبی هم افتاد. یعنی بخشی که در وزارت امور خارجه تحت عنوان معاونت دیپلماسی اقتصادی فعالیت می‌کند، در این حوزه متمرکز شد. پس از این هدف‌گذاری، به سمت کشورهای آسیایه میانه، آمریکای لاتین و آفریقا رفتیم. هم‌زمان، از اواخر سال ۹۸، بحث ما در خصوص تجارت تعرفه آزاد با اوراسیا شروع شد که اثرات خوبی به همراه داشت، هرچند ظرفیت‌های بسیاری در این منطقه مغفول مانده که هنوز می‌توان بر روی آن کار کرد. موضوع پیگیری عضویت در سازمان همکاری شانگهای را مطرح کردیم و به شکل جدی دنبال شد و خوشبختانه با سفرها و دیدارهایی که بین رئیس‌جمهور ایران و چین و رئیس‌جمهور ایران و روسیه برگزار شد، مقدمات این موضوع فراهم شد و حدود یکسال و چند ماه پیش، عضویت ما پذیرفته شد و مقدمات آن انجام گرفت و در نهایت چند ماه پیش هم، این عضویت قطعی شد و تمام مراحل آن به پایان رسید. در کنار این بحثی در داخل گروه بریکس



ب‌رش



تیغ تحریمی آمریکا دیگر قدرت بریدن ندارد

معتقدم آمریکا یک تیغی در اختیار داشت به نام تیغ تحریم، این تیغ تحریم را شاید با عراق و ایران شروع کرد و بسیار هم بُرنده و اثرگذار بود، ولی آنقدر از این تیغ استفاده کرده و به سراغ چین، روسیه و... رفته است که در نتیجه در حال گند شدن است. یعنی درست است که هنوز این تیغ دست آمریکا است و آسیب‌زننده است، اما آن بُرنندگی یک دهه پیش را ندارد.

به عنوان بریکس پلاس مطرح شد و از سال ۲۰۱۵ این ایده در بریکس مطرح شده بود که بتوانند تعداد اعضا را بیشتر کنند، اما خیلی جدی گرفته نمی شد تا اینکه حدود یکسال و نیم پیش در اجلاس که در بریکس انجام شد، رئیس جمهور چین به شدت روی این مسئله پافشاری کرد که ما می توانیم تعداد اعضا را افزایش بدهیم و حدود ۳۰ کشور تقاضا داشتند در این گروه عضو شوند. در نهایت از بین این کشورها، هفته گذشته در اجلاس ژوهانسبورگ، شش کشور از جمله ایران، پذیرفته شدند و نشان می دهد که اهمیت اقتصاد کشور ما برای آینده اقتصاد دنیا به گونه ای است که از بین ۳۰ کشور متقاضی، ایران پذیرفته شد. به اعتقاد بنده، جغرافیای سیاسی و اقتصادی دنیا، در حال تغییر است. به بیان دیگر، بلوک های قدرت متنوعی در دنیا در حال تشکیل است. این بلوک های قدرت در مقابل آن بلوک قدرت تک صدایی است که بعد از فروپاشی شوروی به عنوان اردوگاه غرب شناخته شد و به سرکردگی آمریکا کارش را در حوزه های، سیاسی، نظامی و اقتصادی، پیش می برد. به هر حال این فضا بعد از جنگ اوکراین و بعد از اتفاقاتی که در دنیا افتاد، یک مقداری تغییر کرده است.

معتقدم آمریکا یک تیغی در اختیار داشت به نام تیغ تحریم، این تیغ تحریم را شاید با عراق و ایران شروع کرد و بسیار هم بُرنده و اثرگذار بود، ولی آنقدر از این تیغ استفاده کرده و به سراغ چین، روسیه و... رفته است که در نتیجه در حال گند شدن است. یعنی درست است که هنوز این تیغ دست آمریکا است و آسیب زنده است، اما آن بُرنندگی یک دهه پیش را ندارد. در نتیجه به طور واقع بینانه اگر بخواهیم نگاه کنیم، هم در طرف تحریم کننده، ابزارش (تحریم) قدرت سابق را ندارد و هم معادلات جهانی تغییر کرده و اتفاقاتی که در حوزه اروپای شرقی و در اوکراین رقم خورده و همچنین اتفاقاتی که در آمریکا لاتین و خاورمیانه رخ داده است و نقشی که چین در معادلات منطقه ای، پُرزنک تر در حال بازی آن است و بین ایران، امارات و عربستان، به نوعی میانجی گری و سازش برقرار می کند، اینها نشان می دهد که هرچقدر به دهه سی میلادی (۲۰۳۰) نزدیک تری شویم پلکان اقتصادی، با جابجایی هایی روبرو خواهد شد و از آن زمان به بعد، آمریکا دیگر قدرت اقتصادی اول جهان نخواهد بود و چین قدرت اول اقتصاد جهان خواهد بود و همچنین در بین سه قدرت اقتصادی برتر جهان، چین و هند حضور دارند.

شما دقت کنید می بینید که کشورهای آسیایی همچون چین، هند، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی و عربستان را همه پیش بینی می کنند که جزو ده اقتصاد برتر دهه های آینده میلادی هستند. ببینید درست است که هنوز هم بخش عمده مبادلات جهانی با دلار انجام می شود، اما نکته اصلی این است که در عرض پنج سال اخیر، تعداد تراکنش هایی که با غیر از دلار (ارزهای محلی یا به صورت ارز واحد دیگری) انجام شده است، از حدود ۳ دهم درصد سال های قبل تا ۵ درصد رشد داشته است. یعنی بیش از ده برابر رشد کرده اند در حالی که قدرت مبادله دلار کم شده است، بنابراین تاکید می کنم که این موارد نشانه هایی از یک تغییر جغرافیای سیاسی و اقتصادی در آینده است.

اشاره داشتید به بحث کند شدن تیغ تحریم های آمریکا که به نظر می رسد نکته مهمی است. اساسا با توجه به موضوع دلارزدایی که در این سال ها در ادبیات اقتصادی ما مطرح شده است، این سوال مطرح می شود که اتفاق اخیر یعنی عضویت ایران در گروه بریکس، تا چه اندازه می تواند به تحقق هدف گذاری در زمینه حذف دلار از مبادلات تجاری اقتصاد ایران کمک کند؟ و اینکه اساسا در این بستر چه میزان ظرفیت برای حذف دلار وجود دارد؟ و آیا می توان به کم اثر شدن تحریم های دلاری وزن بیشتری داد؟

گند شدن تیغ تحریم ها، یک اتفاق دیگری را هم شکل داده است. یعنی باشگاه کشورهای تحریم شده روز به روز قوی تر می شود. یعنی یک کلویی از کشورهای تحریم شده داریم که خودشان به یک بلوک قدرت تبدیل شده و می شوند. وقتی کشورهای چین، روسیه و ایران توسط آمریکا تحریم می شوند، این مسیر منجر به این می شود یک بلوک قدرت شکل بگیرد که به نظر من این یک اشتباه سیاست گذاری آمریکایی ها بوده که به نفع ما هم تمام شده است. چرا که اگر ما به تنهایی در دنیا تحریم بودیم، حتما اثرات بیشتری متوجه اقتصاد ما بود. در حال حاضر، کسانی که تحریم شده اند، گرد هم آمده اند و این گردهمایی باعث می شود تا از امکانات مبادله

وقتی کشورهای چین، روسیه و ایران توسط آمریکا تحریم می شوند، این مسیر منجر به این می شود یک بلوک قدرت شکل بگیرد که به نظر من این یک اشتباه سیاست گذاری آمریکایی ها بوده که به نفع ما هم تمام شده است





که طرف متخاصم ایران در اختیار دارد یعنی دلار و یورو را در اقتصاد داخلی کشورمان کم کنیم، خب این حرف دیگری است، بنابراین وقتی به یک حرف مشترک برسیم متوجه می‌شویم که وقتی در داخل صحبت از دلارزدایی می‌کنیم، یعنی اثرات دلار را بر روی پول ملی و بر روی تمام معاملات ملی کم کنیم، که این حرف بی‌ربطی نیست. یعنی شخصا معتقدم که بخش عمده‌ای از تورمی که در اقتصادمان در حال حاضر بار شده است، ناشی از این است که تأثیر ارز خارجی در تورم ما خیلی زیاد است. این هم فقط یک روش پولی و مالی نیست که بانک مرکزی بتواند پیش ببرد.

ما تولیدمان متکی بر ارز خارجی است یعنی باید یک رنسانس فکری وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تر داشته باشیم تا اثر یکی دو ارز خارجی را بر اقتصاد کشورمان مدیریت و کنترل کنیم. به هر حال به طور تاریخی با تورم دو رقمی، حداقل چهار پنج دهه است که درگیر هستیم، ولی اندازه این تورم همیشه بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بوده، اما از کجا با تورم ۴۰ درصد مواجه شدیم؟ از سال‌های ۸۹، ۹۰ و ۹۱ که موضوعات تحریمی در اقتصادمان همچون تحریم نفت، عدم دسترسی به منابع ارزی، تحریم بانک مرکزی و... پیش آمد و نشان می‌دهد که نیمی از تورمی که الان

دوجانبه با پول‌های محلی و با پول‌های غیر از دلار، بیشتر استفاده کنند، زیرا درد مشترک دارند.

در خصوص دلارزدایی معتقدم که این مفاهیم در فرهنگ ما مطرح می‌شود و یک مبحث جدیدی است که چندسالی است که درباره آن صحبت می‌شود. ولی مثل خیلی از مفاهیم دیگر، اشتراک فهم بر روی آن نداریم. وقتی اشتراک فهم نداریم، خب یک واژه‌ای به نام دلارزدایی را می‌گوییم و برخی فکر می‌کنند که قرار است دلار را در دنیا از بین ببریم، ولی ما چنین قدرتی را به تنهایی نداریم و حتی در کوتاه مدت و میان مدت هم به نظر بنده، هیچ کشوری چنین قدرتی را ندارد. زیرا مناسبات مالی بر مبنای دلار در یک پروسه بین جنگ اول و دوم جهانی، به میزان یک دهه طول کشیده و اتفاقات بزرگی در دنیا رقم خورده است و یک ابرقدرتی مثل انگلیس که ابرقدرت مطلق مالی و پولی و تجاری و سیاسی و اقتصادی دنیا در آن زمان بوده کنار رفت و یک کشور دیگری به نام آمریکا جای آن نشست. این در حالی است که می‌دانید بعد از جنگ جهانی، حدود یکی دو دهه طول می‌کشد تا لیر استرلینگ تضعیف شود. از سوی دیگر یک نگاه به دلارزدایی، می‌تواند این باشد که تأثیر نقش دلار یا ارزهایی

یک نگاه به
دلارزدایی
می‌تواند این
باشد که تاثیر
نقش دلار یا
ارزهایی که
طرف متخاصم
ایران در اختیار
دارد، یعنی
دلار و یورو را در
اقتصاد داخلی
کشورمان کم
کنیم

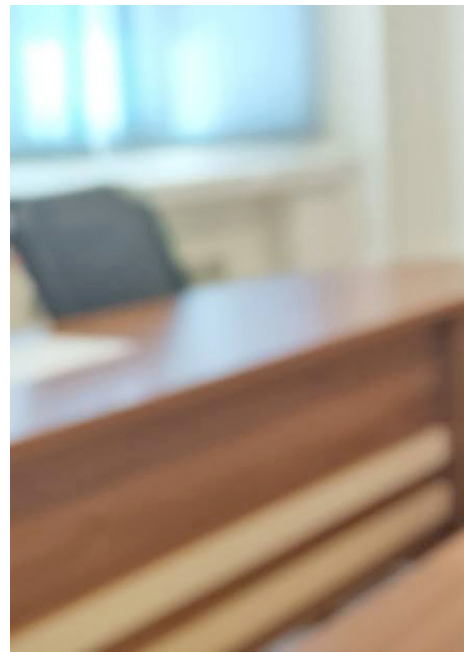
که چقدر از GDP باید تولید و چقدر نیز خدمات باشد. همچنین ببینیم که در بخش خدمات، چه میزان از گردشگری و چه اندازه از ترانزیت باشد، و یا در تولید برنامه‌ریزی کنیم که چند درصد از تولید صنعتی و چه میزان از تولید کشاورزی و معدنی باشد، بنابراین نیاز به فضای همفکری و تصمیم‌گیری داریم. زیرا در گذشته برنامه‌ریزی‌های مناسب اقتصادی نداشتیم و باید از این مسیر گذشته درس بگیریم تا تغییر رویکرد داشته باشیم و به دنبال راه حل‌های متنوع‌تری باشیم تا نتایج مثبتی برای اقتصاد به همراه داشته باشد.

یکی از مزایای بریکس، بانک توسعه بریکس و همچنین برنامه‌ریزی اعضای برای ایجاد پیام‌رسان مالی جدید به جای سوئیفت است. این دست اقدامات تا چه میزان به تقویت قدرت این گروه اقتصادی خواهد انجامید و تا چقدر به رفع تحریم‌های ایران کمک خواهد کرد؟

باید توجه داشت که بریکس اساسا با فلسفه اقتصادی شکل گرفته و بحث دیگری مطرح نبوده و اقتصادهای نوظهور در راستای همکاری‌های اقتصادی در کنار یکدیگر جمع شده‌اند. اینکه چقدر ظرفیت دارد باید پاسخ داد که واقعا ظرفیت اقتصادی بالایی در این گروه وجود دارد. به عنوان مثال ۴۵ درصد جمعیت دنیا، ۳۲ درصد وسعت جهان و همچنین بیش از ۱۶ درصد ذخایر طلای جهان در این گروه است. این در حالی است که می‌دانید که آمریکا به عنوان بزرگترین دارنده ذخایر طلای جهان، ۲۵ درصد از ذخایر طلای دنیا را در اختیار دارد.

ولی این کشورها، مجموعا بالای ۱۶ درصد ذخایر طلای دنیا را به عنوان یک قدرتی در اختیار دارند. این به معنای آن است که یک پتانسیل اقتصادی در بریکس وجود دارد. اینکه دو کشوری که بزرگترین دارندگان ذخایر هیدروکربنی در دنیا یعنی ایران و روسیه در این گروه هستند و با پیوستن عربستان، بیشترین ظرفیت تولید را هم در اختیار خواهند داشت، یعنی اختیار بازار جهانی انرژی از نظر عرضه و تولید، در اختیار گروه بریکس است.

از سمت تقاضا نیز، بزرگترین تقاضای محصولات هیدروکربنی (نفت و گاز) هند و چین هستند



در اقتصادمان وجود دارد، عمده اثرش را از کجا دریافت می‌کند، بنابراین باید برای آن فکری کرد. معتقدم اثر ارز و به خصوص پترودلار در اقتصادمان باید برنامه‌ریزی شده و قابل کنترل باشد.

با عضویت در بریکس، می‌خواهیم با کشورهای عضو آن تبادلات تجاری و مالی داشته باشیم، خوب اگر بخواهیم مسیر گذشته را برویم که همچنان مواد خام صادر کنیم، چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ و اینکه باید به کدام سمت و سو حرکت کنیم که نگاه کلان دولت به لزوم توسعه صادرات غیرنفتی بیشتر شود؟

بریکس، سازمان همکاری‌های شانگهای، اوراسیا و یا هر پیمان دوجانبه و چند جانبه‌ای که در آینده داشته باشیم، باید بدانیم که اینها اهداف ما نیستند و در حقیقت ابزارهای ما هستند. یعنی ما باید یاد بگیریم که در داخل چه منابعی داریم. هیچ وقت یک استراتژی برای توسعه اقتصاد کلان در کشور نداشتیم. با مختصاتی که اقتصادمان دارد، باید ببینیم



در دوران
جدیدی از
زایش و فرآیند
تاریخی در
دنیا قرار داریم
و تغییراتی در
حال وقوع
است و
نشانه های آن
وجود دارد

که در این گروه جای دارند. همچنین کشورمان از لحاظ جغرافیایی دروازه دو موضوع بریکس و سازمان همکاری های شانگهای نیز محسوب می شود. همچنین از منطقه خلیج فارس (منطقه توزیع عمده محصولات هیدروکربنی در دنیا) به لحاظ راه خشکی، به همه کشورهای مصرف کننده عمده وصل هستیم. اگر فرض کنید که امروز بین آمریکا و چین یک درگیری پیش بیاید و مثلا راه های دریایی ناامن شود، عربستان، امارات، قطر و کویت از طریق زمین، راه به جایی ندارند. اما از ایران هم به هند به واسطه پاکستان می توان رسید و هم به چین به واسطه راه های متعددی (که یک کشور میان مان قرار دارد) می توان رسید. اینها نشان می دهد که ظرفیت های بسیاری برای ایران وجود دارد، ظرفیت ترانزیت بین هند و روسیه یعنی ترانزیت شمال به جنوب می تواند فعال شود. همچنین ترانزیت شرقی و غربی از چین به سراسر دنیا در این پیمان می تواند به عنوان یک کار منطقه ای مطرح شود و خیلی ها را پوشش دهد. بانک توسعه که تاسیس شده باید اول بدانیم که بانک های توسعه ای کارشان تجارت نیست و کار آنها ارائه وام های زیرساختی است و برای ایران، فرصت خوبی است. ولی توقع کار تجاری از این بانک الان نباید داشته باشیم. شاید سال دیگر همین بانک تغییر ماهیت دهد و با بانک دیگری بازگشایی شود. اما امکان روابط مالی مستقل از روابط موجود دنیا بین اینها وجود دارد، برای اینکه یک تعادلی بین مصرف و عرضه بین این کشورها ایجاد می شود. یعنی قبلا اقتصادهای نوظهور عموماً مطالب انرژی و مواد اولیه بودند، اما الان با توجه به حضور سایر کشورها همچون ایران، به نظرمی رسد که عرضه و تقاضا به تعادل برسد. در خصوص سوئیفت هم باید توجه داشت که سوئیفت به خودی خود چیز مهمی نیست. سوئیفت یک پیام رسان است. یعنی اگر کشورها با هم توافق کنند که بایکدیگر مبادله مالی داشته

باشند، یک پیام رسان دیگری تعریف می کنند. یعنی ما با روسیه، از طریق بانک های مرکزی دو کشور یک پیام رسان دیگری را انتخاب کرده ایم.

به نظر شما آیا در آینده، گروه بریکس به سازمان تبدیل خواهد شد؟ برخی معتقدند که در آینده و با توسعه بریکس، به سمتی خواهیم رفت که جایگزین سازمان تجارت جهانی خواهد شد.

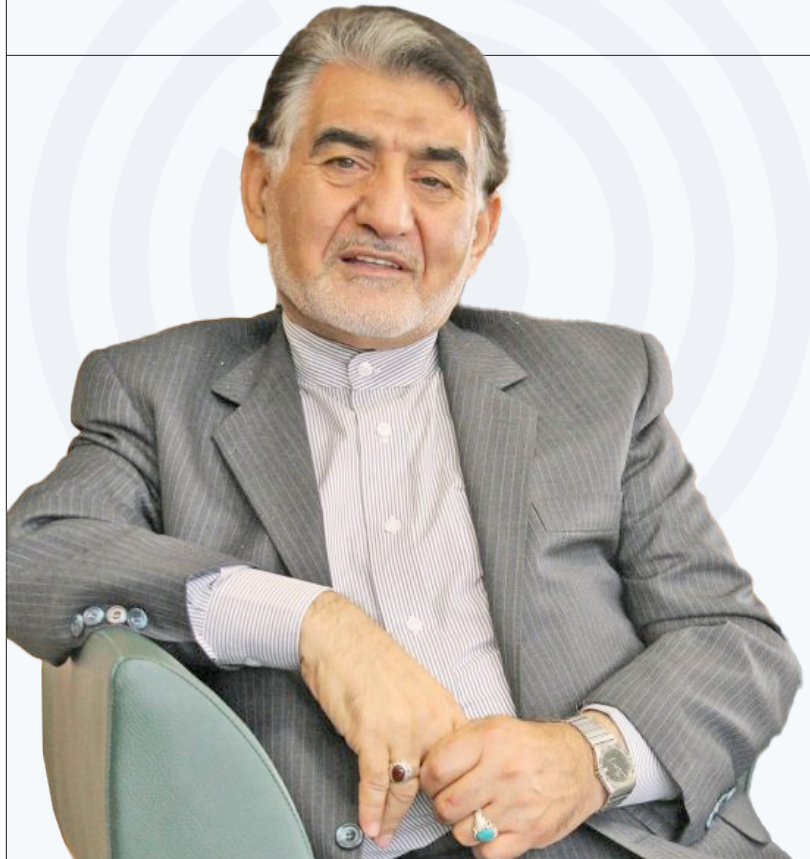
نکته خوبی گفتید، سازمان تجارت جهانی (WTO) در پنج سال اخیر، با کاهش اثرگذاری مواجه شده است. یعنی اثرش روز به روز کمتر می شود. یعنی پیمان های منطقه ای دو جانبه و چند جانبه ای در حال شکل گیری بوده است که WTO در مقابل آن، تضعیف شده است. به طور کلی در تاریخ، مثلا یک موقعی را داشتیم که هلندی ها آقای دنیا بودند، ولی مدتی بعد با توجه به اتفاقاتی که در دنیا می افتد، جایگزینی برای قبلی به وجود می آید. الان هم همان روال تاریخی گذشته در حال وقوع است. یعنی دوران نظم موجودی که آمریکا ابرقدرت مطلقش شده بود، در حال تمام شدن است و یک نظم جدیدی جایگزین آن می شود. آنچه که طرف چینی از این نظم جدید اعلام می کند، تمرکز نیست، بلکه تنوع منطقه ای قدرت و مشارکت همه دنیا به قدر توانایی ها و داشته هایشان است. به نظر بنده در این چشم انداز، جایگاه ایران به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی خوب است و می توانیم اثرگذار باشیم. در کل معتقدم در دوران جدیدی از زایش و فرآیند تاریخی در دنیا قرار داریم که اتفاقا تغییراتی در حال وقوع است و نشانه های آن وجود دارد. ضرورت دارد که تصمیم گیران و سیاست گذاران کشورمان این تحولات را به دقت رصد کنند تا کشورمان جایگاه مناسب و درستی قرار بگیرد.



یحیی آل اسحاق، رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق
در گفتگو با هفته نامه تازه های اقتصاد پیش بینی کرد:

تجارت ۳۰۰ میلیارد دلاری ایران با عضویت در بریکس

- پیمان بریکس را می توان به عنوان یک پویش و جنبش جهانی تعریف کرد
- برآوردها نشان می دهد که با اعضای جدید بریکس، حدود نیمی از اقتصاد جهان را به خود اختصاص می دهد
- حضور در بریکس می تواند سهم ایران از اقتصاد جهانی را افزایش دهد و به هدف گذاری ۳ درصدی برساند
- ایران در نظر دارد جزو سهامداران اصلی بانک توسعه بریکس شود



۲۷



اقتصاد تازه ها

● شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ ●

عضویت در این
پیمان
امکان
دسترسی به
یک بازار بزرگ
جهانی را
برای ایران
ایجاد می کند
که اگر بتوانیم
از این
فرصت استفاده
کنیم، در رشد و
توسعه همه
ابعاد اقتصادی
کشور، موثر و
مفید خواهد
بود

پیوستن ایران به گروه بریکس، پس از موفقیت اخیر ایران در ورود به سازمان همکاری‌های شانگهای را باید دومین گام مهم بین‌المللی دولت سیزدهم در برقراری تعاملات اقتصادی با جهان و کشورهای تاثیرگذار دانست، اقدامی که در دوره‌های گذشته مسکوت مانده بود و کشور در دستیابی به ظرفیت‌های جدید تجاری دچار مشکل بوده است. هرچند ایران به عنوان یک کشور دارنده ذخایر غنی نفت و گاز و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی، جایگاه ویژه‌ای در بین کشورهای جهان دارد، اما پذیرش ایران در بریکس در حالی رقم خورد که دستکم ۳۰ کشور جهان نیز برای پیوستن به این گروه اعلام آمادگی کرده‌اند. در حال حاضر، برخی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی جهان مانند ایران و عربستان و برخی از بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی مانند چین نیز در این گروه حضور دارند و این امتیازات، موقعیت فوق‌العاده و ویژه‌ای را پیش روی کشورمان برای توسعه مناسبات تجاری با جهان فراهم می‌کند. در زمینه بررسی فرصت‌ها و ظرفیت‌های بریکس برای ایران، هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با یحیی آل اسحاق، وزیر اسبق بازرگانی و رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق، گفتگویی انجام داده که به این شرح است:

**با توجه به سیاست‌های در
پیش گرفته شده برای تقویت
روابط تجاری از طرف دولت
سیزدهم، بحث دیپلماسی
تجاری در ایران چه جایگاهی
دارد و توجه به مقوله تقویت
روابط تجاری از طریق پیوستن
به پیمان‌های مهم تجاری و
سیاسی مانند بریکس، تا چه
میزان می‌تواند در کاهش
نااطمینانی و ثبات بخشی در
اقتصاد ایران موثر باشد؟**

برای پاسخ به این بحث در ابتدا باید گریزی به رابطه تجارت با دیگر بخش‌های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بزنیم و بدانیم که جایگاه تجارت در ادبیات توسعه کجاست و حدود آن چگونه تعریف شده است. همانطور که مطالعات و پژوهش‌های معتبر جهانی نشان

می‌دهد، تجارت با توسعه و امنیت کشورها رابطه مستقیم و قوی دارد. این بدان معنا است که تجارت در امنیت و توسعه کشورها نقش اساسی ایفا می‌کند و میزان توجه به بحث تجارت می‌تواند در مسیر توسعه اقتصادی و سیاسی کشورها اثرگذار شود. بنابراین، اگر امنیت و توسعه به عنوان دومقوله حیاتی از طرف سیاست‌گذاران دنبال شود، نیاز است در مورد موضوع تجارت و چگونگی تجارت (در سطح بین‌الملل و داخلی) نیز تصمیمات مشخص و کارآمدی اتخاذ شود و تمام الزاماتی که در راستای توسعه تجارت تعریف می‌شود، جزو دستورالعمل‌های اصلی و مهم حاکمیت توسعه‌گرا قرار بگیرد.

به همین طریق، اگر در یک کشور بحث توسعه تجارت در حاشیه قرار بگیرد، آن کشور حتماً از نظر توسعه اقتصادی و امنیت با مشکل رو به رو می‌شود. اهمیت تجارت در بحث‌های توسعه و به خصوص توسعه اقتصادی نیز برای بیشتر پژوهشگران اقتصادی مشخص شده است، به طوری که امروزه، یکی از شاخص‌های سنجش توسعه یافتگی کشورها، شاخص آزادسازی تجاری است که از نسبت مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص ملی هر کشور به دست می‌آید. این شاخص برای کشورهای توسعه یافته معمولاً در عدد بالاتر از ۷۰ قرار می‌گیرد و کشورهای در حال توسعه نیز معمولاً در این شاخص عدد ۵۰ تا ۶۰ را به خود اختصاص می‌دهند.

بنابراین مشخص است که موضوع تجارت در رشد، توسعه و تاثیرگذاری جهانی در عرصه اقتصادی، سیاسی و امنیت ملی بسیار مهم است. با وجود این، در ایران جریان‌ها و انحرافات در بدو انقلاب اسلامی باعث شد جایگاه تجارت در نظام تصمیم‌گیری ایران، به حاشیه برود، بدان معنا که نظام و ساختار حاکمیت ایران در روزهای ابتدایی انقلاب ۵۷ که روزهای سرنوشت‌ساز آن بود، به سمت برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی رفت و از همان زمان، موضوع تجارت به عنوان یک امر مولد در اقتصاد، پذیرفته نشد و عده‌ای تجارت را چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی، امری غیرمولد می‌دانستند. در آن زمان برخی دیدگاه‌های افراطی بر این باور بودند که هر تخصیص منابعی به سمت تجارت برود، ضد تولید است و این طیف یک تناقض و تعارض را بین امر تجارت و توسعه قائل می‌شدند. به این ترتیب، از روزهای آغازین انقلاب ۵۷ برخوردار



پیش بینی
می‌شود بریکس
در حوزه امنیت
ساختارهای
نویین جهانی
حوزه‌های
منطقه‌ای و
شکل‌گیری
نظام چند قطبی
در دنیا، نقش
موثری ایفا کند

می‌گیرند و در مقابل نیز حضور کشورهای چین و هند، به عنوان بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی، این پیمان را به عنوان یک محفل مهم برای اقتصاد انرژی دنیا معرفی می‌کند. کشورهای عضو بریکس در چارچوب این پیمان، هدفگذاری‌های مختلفی را نیز انجام داده‌اند و برای افق‌های مختلف زمانی برنامه‌هایی را برای ایفای نقش خود در عرصه‌های حاکمیت جهانی پی‌ریزی می‌کنند. بنابراین، این هدف‌گذاری محدود به حوزه‌های اقتصادی نبوده و تغییرات در تمامی ساختارها و مهندسی نظام حکمرانی جهان را نیز پیگیری می‌کند. به طوری که پیش‌بینی می‌شود بریکس در حوزه امنیت، ساختارهای نویین جهانی، حوزه‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری نظام چند قطبی در دنیا، نقش موثری ایفا کند.

به طور خاص در حوزه اقتصادی، پیمان بریکس چه دستاوردی برای ایران دارد؟

می‌توان گفت، عضویت در پیمان بریکس برای سیاست‌ها و اهداف پیگیری شده در ایران، نقش کلیدی دارد. عضویت در این پیمان امکان دسترسی به یک بازار بزرگ جهانی را برای ایران ایجاد می‌کند که اگر بتوانیم از این فرصت استفاده کنیم، در رشد و توسعه همه ابعاد اقتصادی کشور، موثر و مفید خواهد بود. در حوزه تجارت، یکی از فواید فرصت‌سازی‌های مهم بریکس برای ایران، رشد و توسعه تجاری است و بازار پیش‌رو می‌تواند کاستی‌های ایران را در این بخش جبران کند.

لازم به ذکر است که براساس اهداف بلندمدت مشخص شده در برنامه‌های توسعه، کشور ایران می‌بایست سه درصد از تجارت جهانی را در اختیار داشته باشد، اما مشاهده می‌شود تنها ۰.۱ درصد از تجارت جهانی در سید ایران قرار می‌گیرد. لذا راهی که در مورد بریکس و سایر پیمان‌های جهانی در پیش گرفته‌ایم، این مهم را برای ما محقق می‌کند.

مورد دیگر مربوط به مواجهه ایران با تحریم‌های غرب است. در رابطه با شرایط امروز ایران باید گفت، یکی از مشکلاتی که نظام استکبار جهانی برای کشور ایجاد کرده، مسئله تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی است. تحریم‌ها به عنوان یک جنگ اقتصادی، چندین سال گریبانگیر ما شده و هزینه‌های ما را بالا برده و در پیشرفت ما وقفه ایجاد کرده است. نظام استکبار در نظر داشت با همین محدودیت‌ها

که با موضوع تجارت شد، منفی بود. این تفکر همچنان نیز در کشور دیده می‌شود تا جایی که نهادی به نام وزارت بازرگانی را مترادف با وزارت واردات دانسته، آن را ضد تولید خواندند و با تشکیل وزارت صمت، نهاد متولی تجارت را به یک سوم قدرت و جایگاهی که داشت، تقلیل دادند. لذا این دیدگاه منفی که حول محور تجارت وجود داشت، منجر به فرصت‌سوزی طولانی مدت و پُر هزینه در ایران شد و باعث شد تا ایران با وجود مزیت‌های تجاری فراوان در تجارت، از جریان توسعه جهانی عقب‌بماند.

با تمام این تفاسیر، نگاهی به اقدامات انجام شده در سال‌های قبل و روزهای جاری نشان می‌دهد، جریان‌های فکری کشور به این اجماع رسیده‌اند که باید مقوله تجارت در روابط داخلی و بین‌المللی مورد تجدید نظر قرار بگیرد.

از اینرو اقدامات ارزشمندی مانند حضور ایران در پیمان‌های شانگهای، بریکس، اوراسیا، اگو و غیره در راستای توسعه روابط تجاری ایران پیگیری و به انجام رسیده که این اقدامات اگر با توجه به الزامات و بسترهای مورد نیاز آن پیگیری شود، ضمن جبران عقب‌ماندگی‌ها، می‌تواند اهداف مترقی‌تر کشور را نیز پشتیبانی و محقق سازد.

در مورد اقدام اخیر ایران برای پیوستن به پیمان بریکس، بفرمایید که این پیمان چه جایگاهی در نظام حاکمیت جهانی خواهد داشت و منافع پیوستن ایران به این پیمان، چیست؟

پیمان بریکس را می‌توان به عنوان یک پویش و جنبش جهانی تعریف کرد که در پی همکاری برخی کشورهای مهم و تاثیرگذار در جامعه جهانی، پایه‌ریزی شده است. این پیمان تا قبل از این، حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی و حدود ۴۰ درصد جمعیت دنیا را نمایندگی می‌کرد. در حال حاضر، قرار است تعداد این اعضا با عضویت کشورهای بسیار مهمی افزایش یابد و برآوردها نشان می‌دهد با اعضای جدید، حدود نیمی از اقتصاد جهان در این پیمان قرار می‌گیرد.

از طرفی، با حضور کشورهای ایران، عربستان، روسیه و امارات، بخش بسیار زیادی از تولیدکنندگان انرژی در این پیمان قرار



در حوزه
تجارت، یکی
از فواید
فرصت سازی های
مهم بریکس
برای ایران رشد
و توسعه تجاری
است و بازار
پیشرومی تواند
کاستی های
ایران
را در این بخش
جبران کند

و تحریم های اقتصادی، ریشه و بنیان جمهوری اسلامی را از بین ببرد که پیگیری سیاست های تقویت کننده روابط بین الملل مانند بریکس، به عنوان یک پادزهر در مقابل حرکت های نظام سلطه بر علیه ایران عمل می کند.

مسئله دیگر توسعه و دسترسی اقتصاد ایران به راه ها و زیرساخت های مبادلاتی و مالی جهانی است. پیمان بریکس می تواند از طریق توسعه بازارها و افزایش سطح دسترسی، مشکلات و کاستی های ما را جبران کند. این موضوع می تواند از طریق بانک توسعه بریکس تا حدودی رفع شود و ایران برای استفاده از این ظرفیت گام های مهمی برداشته است. در این راستا مقرر شد، رئیس بانک توسعه بریکس به ایران سفر کند و ایران در نظر دارد جزو سهامداران اصلی این بانک باشد.

این منبع مهم می تواند قسمتی از تامین منابع مورد نیاز ایران را حل کند و در راستای تقویت سرمایه گذاری خارجی، اثرات مثبتی به بار آورد. همبطور مشکلاتی که در نقل و انتقالات مالی، به دلیل عدم دسترسی ایران به شبکه سوئیفت ایجاد شد، می تواند در پی ایجاد سیستم های جایگزین از طرف کشورهای عضو بریکس، برطرف شود. نظامی که در بریکس در حال شکل گیری است، در مقابله با نظام سلطه و حاکمیتی که آمریکا با استفاده از دلار ایجاد کرده، عمل می کند.

امروزه تمام دنیا به این نتیجه رسیده اند که هژمونی دلار و تحت سلطه دلار بودن، دارد دنیا را به بن بست می کشاند. یکی از اهداف اساسی بریکس حذف این رابطه است و این موضوع برای ما نیز بسیار حیاتی و مهم است و در صورت تحقق آن می تواند بخشی از هزینه های ایران را از بین ببرد.

نکته دیگر، مسئله استفاده از امکانات است که انرژی تنها یک بحث است. یکی از مشکلات ما این است که از منابع، برق، گاز، آب و موقعیت ژئوپلیتیکی نمی توانیم به درستی بهره ببریم. حضور در پیمان های جهانی، مانند بریکس می تواند برای استفاده بهتر و بهینه تر از مزیت های موجود در ایران راهگشا باشد. ما در منطقه ای قرار گرفته ایم که سالانه یک هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار فرصت مبادلاتی در آن وجود دارد، اما به دلیل تحریم ها نمی توانستیم از آنها استفاده کنیم. یعنی ما یک دروازه طلایی برای شمال و جنوب و شرق و غرب هستیم و کشورهایی که مسیر

تجاری آنها از ایران می گذرد، یک بازار و فرصت تجاری بسیار بزرگ را پیش روی ما قرار می دهند. خوشبختانه با حضور کشورهای چین و روسیه، امارات و هند و دیگر کشورها در بریکس، ایران می تواند از مزیت های خود در این راستا استفاده کند. در حال حاضر، روابط تجاری ایران با کشورهای منطقه به بیش از ۴۰ میلیارد دلار می رسد که اگر بتوانیم از فرصت بریکس استفاده کنیم، این عدد را می توان به ۳۰۰ میلیارد دلار افزایش داد.

ایران می تواند با ایجاد زیرساخت های لازم به عنوان حلقه اتصال بازارهای منطقه عمل کند. در واقع با توسعه بخش های ترانزیتی، ریلی، دریایی و بنادر می توانیم تجارت را از مسیر ایران رونق دهیم.

به عنوان مثال، اگر بتوانیم نیاز کشور روسیه را از طریق ایجاد راه های ارتباطی مناسب در حوزه های دریایی، زمینی و جاده ای تامین کنیم و بتوانیم به عنوان یک واسطه، برای وصل بازارهای بزرگ دنیا عمل کنیم، این ظرفیتی که ایجاد می شود، یک وضعیت جهشی در توسعه اقتصادی کشور ایجاد خواهد کرد.



شما حضور ایران در پیمان بریکس که به عنوان یک نهاد نوپا شناخته می‌شود، را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در کنار این فوایدی که در بالا به آنها اشاره شد، موضوع حائز اهمیت و قابل توجه آن است که ما در شکل‌گیری بریکس به عنوان یک عضو رسمی نقش خواهیم داشت و در ایجاد شمالی و چارچوب‌های آن موثر خواهیم بود. در حال حاضر، ساختارهای بریکس مانند خمیری است که هنوز شکل نگرفته و این بسیار مهم است. در واقع این نهاد بین‌المللی ساختارمند نشده و از آنجایی که در شکل‌گیری آن حضور داریم، می‌تواند انطباق بیشتری با اهداف و ظرفیت‌های ما داشته باشد.

این نهاد می‌خواهد نظام مهندسی حاکمیت دنیا را تغییر دهد و با توجه به نوع عضویت ایران، نقش جدی در این موضوع خواهیم داشت. لذا حضور به موقع ما در بریکس از نظر نوع شکل‌گیری و رشد و توسعه خود بریکس، چون در مراحل اولیه کار هستیم، بسیار اهمیت دارد. اگر این موضوع که دنیا چطور اداره می‌شود و چگونگی حضور ما در نظام مهندسی و

حاکمیت دنیا را به عنوان شاخصی برای توسعه و تاب‌آوری حال و آتی ایران در نظر بگیریم، پیمان بریکس می‌تواند ظرفیت‌های پنهان ما در سطح جهانی را به ظهور و بروز برساند و این نمودی از قدرت منطقه‌ای و جهانی خواهد بود. اما این، اتفاق آثار و فواید جانبی نیز برای ما دارد. از آثار جنبی این اقدام، می‌توان اشتغال‌زایی را نام برد. اگر بتوانیم روابط تجاری را از طریق فرصت‌های موجود در پیمان بریکس گسترش دهیم، به طور قطع بهبود بسیار محسوسی در شاخص‌های اقتصادی ما نیز اتفاق خواهد افتاد. این موضوع می‌تواند بر شاخص‌های اشتغال، سرمایه‌گذاری، تولید، بهره‌وری و تاب‌آوری ما تاثیرگذار شود. گسترش روابط تجاری بین الملل حتی در بروکرسی‌های حاکم بر نظام مدیریت دولتی و خصوصی و روابط بین نهادی ما نیز تاثیرگذار می‌شود. بنابراین اگر بتوانیم با این مجموعه، ارتباطات قاعده‌مندی داشته باشیم، مطمئن می‌توانیم در بخش‌های فناوری و تکنولوژی نیز به طور قابل توجهی پیشرفت کنیم. خوشبختانه این مجموعه و نهادهای مشتق شده از آن، امکان روابط تجاری و اقتصادی دوطرفه یا چندجانبه





پیوستن ایران به پیمان‌های بین‌المللی مانند بریکس بیان شد، ظرفیت‌هایی است که برای ما ایجاد می‌شود و مشخص است که برای بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها نیازمند الزاماتی هستیم. در واقع بحث مهم‌ترین است که ما باید الزامات را به درستی بشناسیم و در راستای ایجاد آنها قدم برداریم. اگر الزامات و ضرورت‌ها را فراهم نکنیم، اقدام اخیر آنگونه که باید، موثر نخواهد بود. از طرفی باید توجه داشت که پیمان بریکس در نگاه کلان اقتصادی و سیاسی، تنها یکی از حلقه‌های لازم و مهم شناخته می‌شود و نیاز است در کنار آن به بازیابی یا ایجاد سایر حلقه‌های مورد نیاز نیز توجه شود. پس آنچه که تا به اینجای کار به دست آمده، تنها لایه اول و نقطه آغاز است. در این نقطه آغاز، ما توافق کرده‌ایم که با یکدیگر کار کنیم، اما اینکه بتوانیم همکاری‌ها را پیش ببریم، نیاز به شرایط و الزاماتی دارد که مهم‌تر است.

اگر ما نتوانیم آنها را تمهید کنیم، نمی‌توانیم آثار مثبت ذکر شده را به طور واقعی لمس کنیم. اگر بخواهیم تنها درحوزه تجارت از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم، نیاز است تا با تک تک کشورهای عضو پیمان، الزامات تجاری را به یک تعریف

را برای اعضا ایجاد می‌کند و مانند مجموعه‌ها و نهادهای غربی نیست که کشورهای در حال توسعه تنها مصرف‌کننده باشند و کشورهای غربی تصمیم بگیرند که در هر سطح و شرایطی با ما چگونه برخورد کنند.

در حال حاضر این تنوع بازار، منابع و ارتباطات و نوع ارتباطاتی که برای کشور ما ایجاد شده است، می‌تواند برای ما فرصت‌های جهش بسیار زیادی ایجاد کند و اینها شعار نیست، بلکه یک واقعیت ملموس است که می‌توان مشاهده کرد. بنابراین در پیمان بریکس می‌توانیم شرکای بزرگی مانند چین، هند و روسیه را در همه حوزه‌ها برای خود نگاه داریم. در حوزه نفت، اگر سه کشور ایران، امارات و عربستان در این نهاد با یکدیگر هماهنگ شوند، می‌تواند توانمندی در حوزه انرژی را برای آنها به وجود آورد.

**این فواید در چه شرایطی
برای ایران به ارمغان می‌آید
و الزامات بهره‌مند شدن از
فرصت‌هایی که پیمان‌های
منطقه‌ای برای ما به وجود
می‌آورند را چه می‌دانید؟**

باید توجه داشت که هرآنچه در مورد مزیت‌های



در
حال حاضر
روابط تجاری
ایران با
کشورهای
منطقه به بیش
از ۴۰ میلیارد دلار
می رسد که اگر
بتوانیم از فرصت
بریکس استفاده
کنیم، این
عدد را می توان
به ۳۰۰ میلیارد
دلار افزایش داد

یک مرکز فرماندهی نیاز است و بدون داشتن آن نمی توان به نتیجه رسید.

در گذشته، این موضوعات می توانست از طریق وزارت بازرگانی پیگیری شود، اما در حال حاضر این نهاد کلیدی در دسترس نیست. در حال حاضر، اداره کننده این موضوع، معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه است که در سطح معاونت است و اقتدار لازم را در مقابل دیگر نهادهای داخلی ندارد. این معاونت هرچقدر هم که پرتلاش باشد، اما حاکمیت و درستی لازم را به دیگر نهادهای تصمیم ساز ندارد که این موضوع باعث گندی عملکرد آن می شود. این معاونت در حد ارتباط دادن عمل می کند و مشخصا نمی توان عملیات اجرایی در این سطح را به عهده یک حوزه معاونت گذاشت و از او نیز انتظار داشت. برای بهره مند شدن از مزیتها و فرصتهای پیش آمده از طریق پیوستن به پیمانهای بین المللی مانند بریکس و شانگهای و غیره، نیاز به شورای روابط خارجی اقتصادی داریم. شورا یا نهادی که در دنیا نیز نظیر آن وجود دارد و به عنوان مثال در آمریکا شورای روابط خارجی، فارغ از بحثهای حزبی و داخلی، در راستای منافع ملی برنامه ریزی و اجرا می کند.

در شورای روابط خارجی آمریکا بیشتر افراد موثر اقتصادی و غیراقتصادی، حضور می یابند و فارغ از بحثهای حزبی، همه سیاستهای کلان و خرد روابط خارجی (از جمله روابط اقتصادی) را رهبری می کنند. در آنجا تصمیم گرفته می شود که رابطه اقتصادی، سیاسی و غیره آمریکا با دنیا به چه شکل باشد و سایرین از آن اطاعت می کنند. پیشنهاد شده که در این شورا مسئولین و افراد تاثیرگذار در بخشهای مختلف اقتصادی، تجاری، سیاسی و غیره باید حضور داشته باشند. این شورا باید زیر نظر معاون اول تشکیل شود تا بتواند اختیارات کامل داشته باشد. این شورا اگر تشکیل شود و وحدت فرماندهی برای پیگیری

توافق مشخص برسانیم. مثلا نوع تعرفه، که ما با چه تعرفههایی کالا صادر کنیم و آنها با چه تعرفههایی اقدام به صادرات محصولات خود به کشور ما کنند. بنابراین اینها یک مذاکرات تخصصی و سخت را می طلبد.

این نوع مذاکرات و توافقات نیز نیازمند متخصصینی خواهد بود که بتوانند چارچوبها را با چابکی و بهره ورترین شکل ممکن، ایجاد کنند و توافقات لازم را انجام دهند، الزامات و زیربناها را معین کنند و روابط پولی و بانکی را شکل دهند. بنابراین تا تمام این موارد و فرآیندهای تجارت بین کشورها به طور مشخص شکل نگیرد، عملا به اجرا نمی رسیم. الزام این حرف این است که نخست در داخل کشور یک نهاد یا مجموعه ای داشته باشیم که بتواند در این موارد تصمیم گیری کند و سیاستها را کنترل و رهبری کند. این مجموعه یا نهاد باید نحوه مذاکره کردن و نحوه توافقات عملی و تغییرات لازم در مقررات داخلی و خارجی کشور را مشخص کند.

آنها باید بتوانند ارتباطات خود را با نهادهای داخلی از قوه های مقننه، قضائیه و مجریه تا بخش خصوصی و نهادهای پایین دستی را به سرعت شکل دهند.

این نهاد یا مجموعه باید از دانش مذاکره به شکل عالی برخوردار باشد و اختیارات لازم نیز به آن داده شود تا در بحث تصمیم گیری و اجرا از سرعت عمل مناسب و دقت کافی برخوردار باشد. این توصیفات و خصوصیات نیز به یک ساختار نظام مند نیاز دارد و لازم است تا افرادی در این راستا تربیت شوند و تخصص یابند. مجموعه ای که در مورد شکل گیری تجارت خارجی مسئول باشد و بتواند برای پیشبرد موفقیت های تجاری و اقتصادی بخش های خصوصی و دولتی، شرایط را به صورت هدفمند و بهره ور، راهبری کند و حتی برای بخش خصوصی تسهیل کننده راه شود. برای این کار،



حضور ایران در سازمان های ارزشمند اقتصادی جهان

اقدامات ارزشمندی مانند حضور ایران در پیمانهای شانگهای، بریکس، اوراسیا، اکو و غیره در راستای توسعه روابط تجاری ایران پیگیری و به انجام رسیده که این اقدامات اگر با توجه به الزامات و بسترهای مورد نیاز آن پیگیری شود، ضمن جبران عقب ماندگی ها، می تواند اهداف مترقی تر کشور را نیز پشتیبانی و محقق سازد.

حتما یک فرصت های طلایی به وجود آمده و صبوری ملت در حال جواب دادن است. ما یک اقتدار و قدرتی به دست آورده ایم که اگر الزامات نیز مهیا شود می توانیم از آن بهره ببریم

و اقتدار لازم، به وجود بیاید، می توان در راستای بهره مندی از فرصت پیمان های بین المللی گام برداشت. این موضوع نیاز به اقتدار ملی دارد و اگر تصمیمی گرفته شد، اینطور نباشد هر کسی یک چیزی بگوید.

آیا تمام این فرصت ها و ایجاد الزامات و شکل گیری روابط تجاری را باید در چارچوب های دولتی پیگیری کنیم؟ نقش بخش خصوصی در این زمینه چیست؟

مشخصا در این موارد تجربه های جهانی نشان داده است که دولت از کارایی کامل برخوردار نیست و نیاز است بخش خصوصی در این مقوله نقش پررنگ داشته باشد.

نیاز است سیاست گذاری و حاکمیت در دست نهادهای دولتی باشد و اجرا باید در بخش اقتصادی در دست بخش خصوصی قرار گیرد. اما سوال این است که آیا بخش خصوصی ما در حال حاضر توان رفتن زیر بار این حجم عظیم از فرایندها و اقدامات را دارد؟ آیا دانش فنی، توان ملی و چابکی لازم را دارد و آیا به اندازه کافی در نهادهای تصمیم ساز نفوذ دارد؟

برای ما و کشورهای عضو پیمان بریکس، اینکه بتوانیم روابط را به سرعت شکل دهیم و تجارت را تسهیل کنیم، بسیار اهمیت دارد. لذا باید در اولین فرصت ممکن انجام شود که با نظام و ساختار دولتی امکان پذیر نیست و نیاز است یک بخش خصوصی فعال و قدرتمند در ایران شکل بگیرد. این هم نیاز به عمل واقعی دارد و باید بخش خصوصی را از حاشیه به متن آورد. بخش خصوصی زمانی می تواند وارد شود که اعتماد لازم را در خصوص این حرکت به دست آورد. بخش خصوصی اگر به حرکت شروع شده و سیاست های پیش گرفته شده اعتماد نکند، گارد خود را باز نمی کند و برای همکاری، اقدامی انجام نمی دهد. بنابراین می توان دومین الزام مهم را چگونگی حضور یک بخش خصوصی قدرتمند و کارآمد دانست. در ثانی الان ما برای اینکه بخش خصوصی را برای حضور در این صحنه ها آماده کنیم آیا برنامه ها یا سیاست هایی داریم؟ آیا در اجرا به دنبال این هستیم که بخش خصوصی به این قدرت و کارآمدی برسد یا هنوز در خود دولت، درگیر ابعاد و تفسیرهای مختلف از سیاست های خصوصی سازی هستیم؟

الزام بعدی این است که ما در مورد چگونگی

روابط مان با دنیا به یک تعریف مشخص با اتفاق آرا برسیم. دیپلماسی اقتصادی ما در بحث های کلان و راهبردها باید یک سیستم مشخص داشته باشد که بتواند کارآمد عمل کند. حال سوال این است که آیا می توان راهبردها و منافع جمهوری اسلامی ایران را با نظامات جهانی امروز هماهنگ کرد؟ از نظر بنده با این مقدماتی که انجام شده، حتما می شود. در رابطه با جهان، سه گزینه داریم، یا باید حذف شویم، یا باید هضم شویم و یا باید تعامل کنیم. منتهی بر اساس آنچه که آرمان ها و اهداف مان است. گزینه اصلی ما تعامل با دنیا است، اما بر اساس چارچوب ها، نظامات کلی و سیاست های کلان که بر اساس قانون اساسی اینها را مقام رهبری معین می کند. مقام رهبری هم بارها تاکید کرده اند که باید در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت، روابط خود را با دنیا بازیابی و تقویت کنیم. یعنی عزت کشور حفظ شود، مصالح کشور حفظ شود و الزامات رشد و تعالی کشور را نیز در نظر بگیریم. چیز مبهمی در چگونگی تعامل با دنیا نداریم و ما باید حتما بر اساس منافع خود، تعاملات را شکل دهیم. آیا با حفظ عزت، حکمت و مصلحت می توانیم روابط خود را با دنیا حفظ کنیم، بله حتما می توانیم کما اینکه چین همچنان شورای عالی حزب کمونیست را با قدرت دارد و تعاملات خود را با دنیا تقویت می کند.

چین مدلی را تعریف کرده که با حفظ تمامی این شرایط و ارزش ها با دنیا نیز ارتباط داشته باشد. این احتیاج به یک باور و دانش منسجم دارد. باید این موضوع که ما می توانیم با حفظ تمامی آرمان ها با دنیا تعامل مثبت داشته باشیم، تقویت شود. حضور ما نشان می دهد که تصمیم گیران به این باور رسیده اند. باور باید تقویت شود و نظام کشور در این اصول یک وحدت نظر داشته باشد.

خلاصه اینکه حتما یک فرصت های طلایی به وجود آمده و صبوری ملت در حال جواب دادن است. ما یک اقتدار و قدرتی به دست آورده ایم که اگر الزامات نیز مهیا شود، می توانیم از آن بهره ببریم. در حال حاضر، در نقطه عطف مسیر نظم جهانی هستیم و نیاز است با هوش عمل کنیم. دنیا از تک قطبی به سمت چند قطبی می رود و در نقطه عطف هستیم و یک فرصت بسیار طلایی نیز به دست آورده ایم. اگر چرخش ما درست انجام شود، موفق می شویم و اگر در این تغییر درست نچرخیم، آسیب های فراوانی می بینیم.



ابوالفضل ظهروه‌وند، سفیر اسبق ایران در ایتالیا
در گفتگو با هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد:

ضربه کاری بریکس به تحریم‌کنندگان ایران

● پذیرش عضویت ایران در بریکس، سیلی محکمی به
غرب از طرف بریکس بود

● امروز ایران تنها نیست و پنج قدرت
مطرح جهانی در کنار ایران قرار دارند

● دلار یک پول بحران زیست است و بر
پایه بی‌ثباتی در پول‌های ملی به دلیل
وقوع تحولات سیاسی، رشد و بقا دارد



عضویت ایران در بریکس
رایک اقدام موثر می‌داند و از این به بعد مسئولیت و ماموریت دولتمردان دولت سیزدهم از وزارت امور خارجه تا وزارت اقتصاد، بسیار سنگین خواهد بود

پیوستن ایران به گروه بریکس، منافع اقتصادی و سیاسی قابل توجهی برای کشورمان خواهد داشت و طبق تحلیل‌های داخلی و خارجی صورت گرفته، یک دستاورد شاخص و بسیار ویژه برای کشورمان محسوب می‌شود. سال‌ها فشار غربی‌ها بر علیه کشورمان و به ویژه تحریم‌های اقتصادی از طریق عضویت ایران در گروه‌های بزرگ اقتصادی جهان از جمله بریکس و شانگهای در حال کم‌رنگ شدن است و از آنسو نیز فرصت‌های مناسبی را برای ایران جهت توسعه مناسبات تجاری با کشورهای مختلف به ارمغان خواهد آورد. برای بررسی بیشتر ابعاد این دستاورد مهم، هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد گفتگویی را با ابوالفضل ظهروند، سفیر سابق ایران در ایتالیا انجام داده که به شرح زیر است:

عضویت ایران در گروه بریکس قطعی شده و این مسئله پس از موفقیت اخیر ایران برای عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای، بازتاب فراوانی داشته است. از نظر شما، دستاوردهای این موفقیت در حوزه بین‌الملل برای کشورمان چه خواهد بود؟

در مجموع پیوستن ایران به بریکس یک فرصت ملی است. این امر موجب شد تا غربی‌ها یک مقدار متاثر شوند. قبل از شروع نشست شاهد بودم که نماینده بی بی سی اشاره داشت به اینکه بعید است که در این دور از نشست، موضوع پیوستن ایران به بریکس

و افزایش اعضای آن اتفاق بیافتد و فعلاً می‌خواهند روی فرآیند عضویت کار کنند. اما ما دیدیم که از آقای رئیسی دعوت شد تا راهی آفریقای جنوبی شوند که به مثابه این بود که موضوع قطعی است. باز بعد از این هم دیدید که یک نشریه آلمانی اظهار داشت پذیرش عضویت ایران در بریکس، سیلی محکمی به غرب از طرف بریکس بود. بنابراین بریکس در همین ابتدا، دو کار انجام داد: یک ضربه‌ای به کمر نظام تحریمی غرب بود، چراکه ظرفیت بریکس به گونه‌ای است که آنچه ایران نیاز دارد، در صورت فعال بودن دیپلماسی به راحتی مسائل خودش را می‌تواند حل کند. نکته دیگر که مهم‌تر از این مساله بود، بخش سیاسی تحریم‌ها یعنی تحمیل انزوا به ایران بود. وقتی ایران می‌تواند کنار پنج قدرت نوظهور جهان در اقتصاد جهانی قرار بگیرد، مفهومش این است که امروز ایران تنها نیست و پنج قدرت مطرح جهانی در کنار ایران هستند، بنابراین این دستاورد دیگری است.

این دستاورد، محصول ایستادگی و مقاومت ایران در طی چهل و چهار سال است که شرایط بین‌المللی را به گونه‌ای شکل داد که یکی از نتایج آن بریکس بوده است. این خیلی مهم است، یعنی ایران در این مساله و در شکستن موقعیت هژمونیک آمریکا نقش دارد. نکته دیگر نیز این است که دولت سیزدهم رویکردش در قبال مسائل منطقه و سیاست خارجی، یک همراستایی با رویکردهای انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری دارد. این همراستایی و همسویی است که سبب می‌شود اعضای بریکس به ویژه روسیه و چین از پیوستن ایران به بریکس، استقبال کنند. یعنی این نبوده که صرفاً اقدامی باعث شود تا ما به بریکس برویم، بلکه آنها ما را دعوت کردند. بنابراین

بـرش



پیشنهاد ایجاد ریال با پشتوانه طلا

پیشنهاد بنده به بانک مرکزی در راستای تسریع فرآیند دلارزدایی این است که یک پول با پایه طلا و ریال دیجیتال تولید کند و صرفاً می‌تواند با این ابتکار هر یک سوت طلا را به عنوان یک ریال در نظر بگیرید. هر هزار سوت، یک گرم طلاست و بنابراین این یک سنجه خواهد شد. در بازار، این ریال پایه طلاست که تعیین کننده نرخ ارز و سایر کالاها خواهد بود و بعد بانک مرکزی به نسبتی که می‌تواند طلا به دست بیاورد، ریال صادر خواهد کرد.

۳۶



شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲



به اقتصاد ایران کمک کند؟ و اینکه استفاده از ارز مشترک بریکس بهتر است یا استفاده از ارزهای ملی؟ نظر شما چیست؟

یکی از موضوعات مهم برای ما، قطعاً سرعت گرفتن روند افول هژمونی آمریکاست. هژمونی آمریکا هم به دلار بستگی دارد. دلار یک پول بی پشتوانه است، یعنی مجموعه‌ای از تورمی است که ایالات متحده به بیرون صادر می‌کند. ولی خب ظرفیت‌های آمریکا به حدی است که توانسته است منابعی را غارت کند که این دلارها اگر به داخل برگردد، وضعیت فعلی را از دست خواهد داد و در نتیجه این یعنی فروپاشی ایالات متحده. چون اینها در واقع با صدور چک بی محل در حال کار کردن هستند و نتیجه هم این شده است که ناآرامی در محیط بین‌الملل را شاهد هستیم. در واقع دلار یک پول بحران زیست است و بر پایه بی‌ثباتی در پول‌های ملی به دلیل وقوع تحولات سیاسی، رشد و بقا دارد. اگر فرض کنید ریال در این پانزده سال از هزار تومان به ۵۰ هزار تومان رسیده است، اتفاق خاصی از نظر قابلیت‌های معدنی و ظرفیت‌های ملی ما صورت نگرفته است، اما

در این مرحله، عضویت ایران در بریکس را یک اقدام موثر می‌دانم و از این به بعد، مسئولیت و مأموریت دولتمردان دولت سیزدهم از وزارت امور خارجه تا وزارت اقتصاد، بسیار سنگین خواهد بود تا بتوانند ظرفیت‌های بریکس را در سمتی که ما نیاز داریم شناسایی و عملیاتی کنند، تا در نهایت اثر آن در بهبود سفره مردم نشان داده شود. قطعاً در برخورد با بریکس نمی‌توان صرفاً رویکرد اقتصادی داشت، زیرا روی دیگر سکه اقتصاد، سیاست است و توجه به چالش‌های بین‌المللی و برآورد صحیح و دقیق نسبت به روندهایی که ما در آینده نزدیک در محیط بین‌الملل در پیش خواهیم داشت، اهمیت دارد.

یکی از برنامه‌هایی که در بریکس مطرح شده است، بحث دلارزدایی است. در اینباره ایجاد ارز مشترک و ارز بریکس مطرح شده است. از نگاه شما، موضوع دلارزدایی در بریکس تا چه اندازه می‌تواند



ظرفیت بریکس به گونه‌ای است که آنچه ایران نیاز دارد، اگر دیپلماسی اقتصادی ما فعال باشد به راحتی مسائل خودش را می‌تواند حل کند

این بحرانی که به هر شکل در ساختار ایران و بی‌اعتمادی که به وجود آوردند و ناکارآمدی در ساختار حکمرانی، سبب شده تا ما همواره زیرنقطه سر به سر، سیاست‌های پولی و مالی را می‌بندیم و بهره‌وری ما کم‌کم نزدیک به صفر است. این بهره‌وری را نمی‌گذارند تغییر کند و نتیجه این می‌شود که دلار از هزار تومان به ۵۰ هزار تومان افزایش می‌یابد و پول ملی ما را تضعیف می‌کنند و در واقع قدرت خرید ملی ما را به بیرون می‌برند. بنابراین اتفاق خاصی نیفتاده است و حال اگر قرار باشد این دلار دوباره به هزار تومان تبدیل شود، یعنی باید آن قدرت خریدی که از ایران خارج شده است، به داخل کشور برگردد. در نتیجه اگر از این زاویه نگاه کنیم، دلارزدایی باید یک سیاست راهبردی باشد.

پیشنهاد بنده به بانک مرکزی در راستای تسریع فرآیند دلارزدایی این است که سریع‌تر یک پول با پایه طلا و ریال دیجیتال تولید کند و صرافی‌ها نیز جمع شود. یعنی شما می‌توانید با این ابتکار هریک سوت طلا را به عنوان یک ریال در نظر بگیرید. هر هزار سوت، یک گرم طلاست و بنابراین این یک سنجه خواهد شد. در بازار، این ریال پایه طلاست که تعیین کننده نرخ ارز و سایر کالاها خواهد بود و بعد بانک مرکزی به نسبتی که می‌تواند طلا به دست بیاورد، ریال صادر خواهد کرد. هر کسی هم که از کشور خواست خارج شود، لب مرز ریال خودش را می‌دهد و به نرخ جهانی طلا، دلار دریافت می‌کند و از کشور خارج می‌شود. وقتی هم که به کشور بازگشت، دلار را می‌دهد و ریال پایه طلا می‌گیرد. بنابراین ارز فروشی را هم جمع می‌کنیم و بعد می‌توانیم همین روند را به روبل، روپیه و دینار پایه طلا توسعه دهیم. حتی بانک مشترک می‌توانیم تشکیل دهیم و نفت را به

ریال پایه طلا بفروشیم. بانک‌ها هم می‌توانند وام با ریال پایه طلا بدهند.

در راستای دلارزدایی در بریکس احتمالاً یک سری چالش‌هایی هم خواهد بود، ایران اگر بتواند با پیشنهاداتی که ارائه می‌کند، این مسائل را از نظر سیاسی همگرا کند تا در نهایت به منافع اقتصادی برسد، چه کاری باید انجام دهد؟ آیا صرفاً نفت باید گزینه و تمرکز ما باشد یا تبادلات بانکی باید نقطه تمرکز ما قرار گیرد؟

به اعتقاد بنده دستگاه دیپلماسی ما باید به قدری زیرک و فعال باشد تا بتواند طرف مقابل را بررسی کند تا مشخص شود که آن طرف دوربین، چه مسائل و مواردی دیده می‌شود؟ اولین کاری که باید انجام دهیم این است تا ببینیم مثلاً چین در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت به چه مسائلی نگاه می‌کند. به عنوان مثال، برای روسیه در حوزه آسیای میانه مسائل امنیتی مهم است، اما چین به دنبال سهم بازار است و وقتی بازار را بگیرد، امنیت را هم زاویه بازار شکل می‌دهد. نکته دیگر این است که در حال حاضر چینی‌ها به خلیج فارس آمدند در حالی که اگر ما فعال بودیم، ما چینی‌ها را به خلیج فارس می‌آوردیم. بنابراین در پاسخ به این سوال باید اینگونه پاسخ داد که اول باید ببینیم که چه می‌خواهیم و طرف مقابل هم چگونه می‌بیند و در نهایت نقطه تعادل بین خواست خود و آن طرف را پیدا کنیم. چین را وقتی درگیر کنیم، دیگر نمی‌تواند بیرون برود. باید توجه داشت که روسیه و چین بدون ایران می‌بازند.



ب‌رش



دعوت بریکس از ایران برای عضویت

دولت سیزدهم رویکردش در قبال مسائل منطقه و سیاست خارجی، یک همراستایی با رویکردهای انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری دارد. این همراستایی و همسویی است که سبب می‌شود اعضای بریکس به ویژه روسیه و چین از پیوستن ایران به بریکس، استقبال کنند. یعنی این نبوده که صرفاً اقدامی باعث شده تا ما به بریکس برویم، بلکه آنها ما را دعوت کردند.

بریکس با حضور ۳ قطب انرژی خلیج فارس تقویت شد

- هرگونه حضور در سازمان‌های بین‌المللی و تقویت روابط، دستاورد مثبت به حساب می‌آید
- حرکتی که به لحاظ سیاسی انجام شد، بسیار قابل دفاع است و حضور در بریکس بدون شک موفقیت به حساب می‌آید



محمد علی سبحانی /

سفیر سابق ایران در اردن و قطر

جهان وجود ندارد. اینکه نام ایران در کنار کشورهای که متقاضی حضور در بریکس بودند (امارات و عربستان) قرار دارد، بسیار پُراهمیت است، زیرا این سه قطب در منطقه خلیج فارس از نقش مهمی در حوزه انرژی برخوردارند و طبیعتاً بریکس هم وقتی این کشورها را کنار هم قرار می‌دهد، به این نتیجه می‌رسد که کشورهای فوق نقش فوق‌العاده‌ای در تقویت این گروه ایفا خواهند کرد. بنابراین حرکتی که به لحاظ سیاسی انجام شد، بسیار قابل دفاع است و حضور در بریکس بدون شک موفقیت به حساب می‌آید و اهمیت آن را نباید کم دانست، اما تا زمانی که تحریم‌ها وجود دارد امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های بسیار مهم مهیا نخواهد شد.

پیش از سال ۱۹۹۱، نظام دوقطبی بر جهان حاکم و ظرفیت‌ها و شرایط اقتصادی کاملاً مشخص بود، از این سال به بعد دوره یک‌جانبه‌گرایی با حضور فعال آمریکایی‌ها آغاز شد که در نهایت این شد که سیستم به وجود آمده، کاربرد چندانی ندارد. مرحله‌ای که اکنون در آن قرار داریم، نظام چندقطبی یا مشارکت‌های منطقه‌ای است، به همین دلیل هرگونه حضور در سازمان‌های بین‌المللی و تقویت روابط با مجموعه‌های اقتصادی و غیراقتصادی، یک امر طبیعی و مثبت به حساب می‌آید و دنیا هم آگاه است که ایران با وجود آنکه در شرایط تحریمی به سر می‌برد، اما به شکل ساختاری و به دلیل وجود ظرفیت‌های قابل توجه، امکان چشم‌پوشی از آن برای دیگر کشورهای



قوانین آن به شکلی تنظیم شده تا برای تمام اعضا قابل استفاده باشد. بهتر آن است، ایران تا پیش از ۲۰۲۴ که عضو رسمی این گروه خواهد شد، بحث تحریم‌ها را حل و فصل کند. همانطور که اشاره شد، بریکس به دنبال اهداف سیاسی نیست و باید مشکل تحریم‌ها برطرف شود تا بتوان، مانند سایر اعضا از این ظرفیت به وجود آمده بهره‌برداری مناسب را داشت. سایر ظرفیت‌های دیگر نیز در جهان هم به همین شکل است، باید به دنبال کاهش فقر و ایجاد یک توسعه متوازن در کشور بود تا بتوان وضعیت خود در تجارت جهانی را بهبود بخشید.

نگاه اعضای اولیه بریکس به پذیرش ایران، امارات و عربستان تولید انرژی است. در واقع با این نگاه می‌توان در کشورها و منطقه خلیج فارس به دنبال ایجاد آرامش بود و این فرصت بسیار خوبی محسوب می‌شود.

حل مشکل سوئیت، فرصت‌هایی را برای کشور ایجاد می‌کند، ولی این فرصت‌ها کم است و نباید به کم قانع بود. نیاز است تا به شدت و با جدیت طرح‌های که در مجمع تشخیص مصلحت نظام بلا تکلیف مانده مورد رسیدگی قرار گیرد، تا با توجه به توان بسیار بالای نیروی انسانی کشورمان و ظرفیت‌های اقتصادی موجود، با عضویت در این گروه‌های بین‌المللی راه را برای تجارت هموار سازیم تا رودخانه اقتصادی ایران با امکاناتی که در آن به وجود می‌آید، روان شود.

نکته بعدی این است که بریکس در کل حدود ۲۷ درصد ظرفیت اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده و هنوز ۷۳ درصد دیگر باقی مانده که نباید آنها را بی‌اهمیت و غیر قابل بهره‌برداری دانست، زیرا همانطور که اشاره شد، دنیا دیگر به شکل دوقطبی اداره نمی‌شود، تمام کشورها و اقتصاد جهانی ظرفیت‌هایی به حساب می‌آیند که باید آنها را از آن خود دانست، به همین دلیل اهمیت کشورهای غربی که در روابط بین‌الملل وجود دارند را نمی‌توان نادیده گرفت. پس دولت باید تلاش فراوانی برای رفع تحریم‌ها به خرج دهد، زیرا این مسئله فرصت بیشتری را جهت استفاده از موقعیت‌های جهانی فراهم خواهد آورد. مجدد تاکید می‌کنم، پیوستن به بریکس یک توفیق به حساب می‌آید و چنانچه این عضویت و رفع تحریم‌ها به شکل لازم و ملزوم کنار یکدیگر قرار گیرند، بیش از اینها می‌توان از ظرفیت‌های گروه بریکس بهره برد، به خصوص آنکه بریکس یک گروه اقتصادی و تجاری به حساب می‌آید و می‌تواند در این زمینه بسیار مفید واقع شود.

مقابله با قدرت‌های جهانی هدف بریکس به حساب نمی‌آید، کشور ما باید این گروه را ظرفیتی بداند که از آن برای ایران رهاورد اقتصادی به دنبال داشته باشد و این مسئله را مورد تقویت قرار دهد. برخی نگاه‌ها به بریکس واقع‌بینانه نیست، این گروه در حقیقت یک فرصت محسوب می‌شود که

بازی برد-برد ایران در ائتلاف بریکس

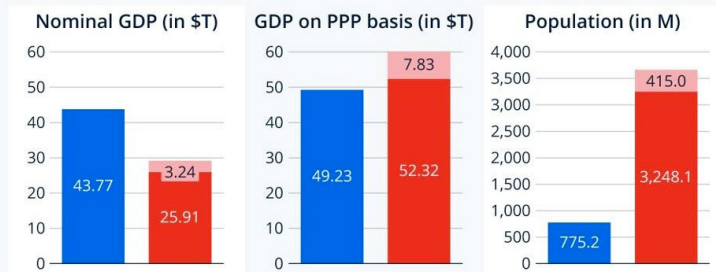
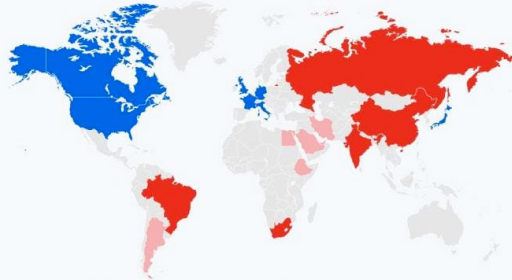
- گسترش BRICS سهم این گروه را از صادرات جهانی در بازار تجارت کالا از ۲۰٫۲ درصد به ۲۵٫۱ درصد افزایش داده است
- بریکس به عنوان یک نهاد جهانی با توانایی‌ها و تاثیر قابل ملاحظه در اقتصاد جهانی شناخته می‌شود

امیرحسین موسوی /

پژوهشگر اقتصادی

Rise Of BRICS Bloc Continues Through Expansion

Comparison of the G7 and (expanded) BRICS country groups (as of August 2023)



Sources: Reuters, World Bank



Forbes statista

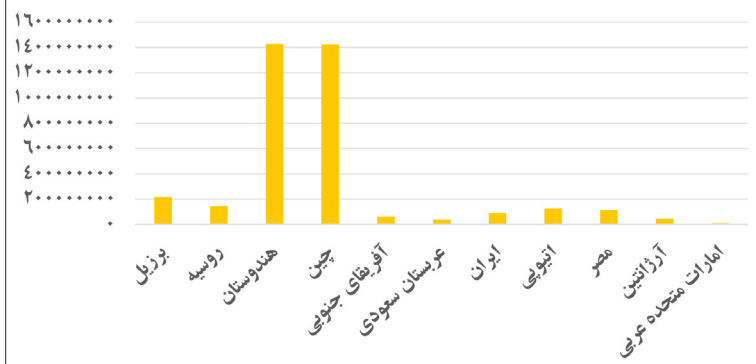
۴۱



اقتصاد تازهها

• شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ •

جمعیت کشورهای عضو بریکس



نمودار ۱

جمعیت کشورهای عضو بریکس

جهانی و ایجاد بازارهای جدید برای صادرات و واردات است و بریکس می تواند مسیر تجارت و تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان کشورهای عضو را توسعه دهد.

ورود اعضای جدید به گروه بریکس، چشم اندازی به منظور افزایش قدرت تأثیرگذاری این گروه در سطح جهانی ترسیم می کند. با تداوم روند توسعه همکاری های اقتصادی و سیاسی گروه بریکس، کشورهای اقتصادهای نوظهور می توانند نقش پررنگتری در تصمیم گیری های کلان جهانی ایفا کنند و نظم نوینی در جهان را ایجاد کنند.

سهم بریکس از جمعیت جهان

بریکس به واسطه چین و هند که تنها کشورهایی با بیش از یک میلیارد نفر جمعیت هستند، بخش عمده ای از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است.

جمعیت BRICS تقریباً ۳۰۷ میلیارد نفر است. برزیل با جمعیتی حدود ۲۱۶ میلیون نفر، روسیه با جمعیتی حدود ۱۴۴ میلیون نفر، هند با جمعیتی حدود ۱۰۳ میلیارد نفر، چین با جمعیتی حدود ۱۰۴ میلیارد نفر و آفریقای جنوبی با جمعیتی حدود ۵۷ میلیون نفر عضو این اتحادیه هستند.

جمعیت بزرگ این کشورها باعث شده است که BRICS به عنوان یک قدرت اقتصادی و سیاسی مهم در سطح جهان شناخته شود. همچنین این امکان وجود دارد که بریکس در نهایت از سهم ۵۰ درصد جمعیت جهان فراتر برود، زیرا بسیاری از کشورهای دیگر تمایل خود را برای پیوستن به آن ابراز کرده اند. (نمودار ۱)

بریکس اکنون شامل ۳ تولیدکننده بزرگ انرژی خاورمیانه (ایران، عربستان سعودی و امارات)، ۳ قدرت هسته ای نظامی (روسیه، چین و هند) و دو کشور مهم آفریقایی و عربی در موقعیت های استراتژیک (اتیوپی و مصر) شده است که می تواند در نظم جدید جهانی موثر باشد. طبق آمار سال ۲۰۲۲ سازمان تجارت جهانی، گسترش BRICS سهم این گروه را از صادرات جهانی در بازار تجارت کالا از ۲۰۲ درصد به ۲۵۰٫۱ درصد افزایش داده است.

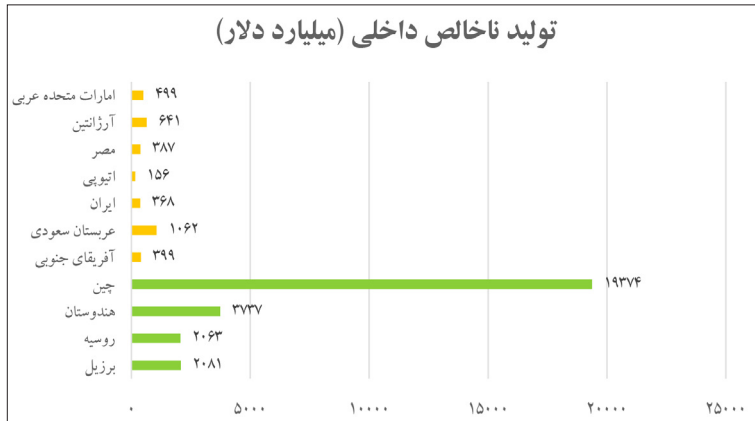
بریکس، مشابه پیمان ها و ائتلاف های اقتصادی واجد سیاست های خاص خود در حوزه تجارت، سرمایه گذاری، شرکت های خرد، کوچک و متوسط، تامین مالی، تغییرات اقلیمی، انرژی، توسعه زیرساخت، امنیت غذایی و در نهایت توسعه انسانی است. بریکس به عنوان یک نهاد جهانی با توانایی ها و تاثیر قابل ملاحظه در اقتصاد جهانی شناخته می شود.

با افزایش تجارت و سرمایه گذاری میان کشورهای عضو، بریکس می تواند تغییرات قابل توجهی در نظام جهانی ایجاد کند و نقش بزرگتری در تصمیم گیری های اقتصادی و سیاسی جهانی داشته باشد.

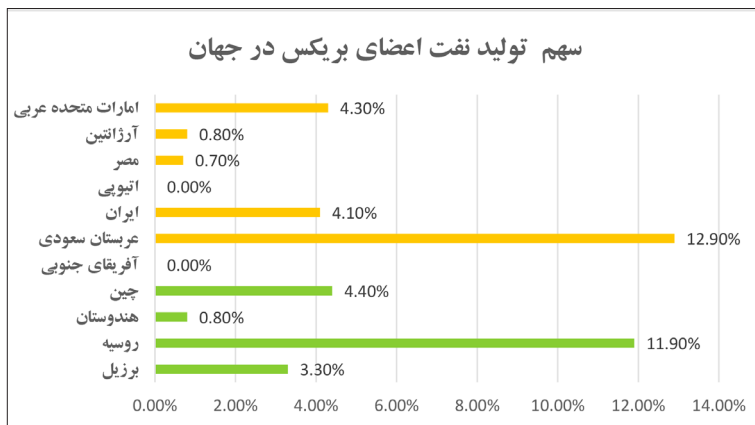
عضویت در گروه بریکس شامل مزایایی همچون افزایش تجارت و سرمایه گذاری میان اعضا، توسعه صنعت و اقتصاد کشورهای عضو، تقویت قدرت نظامی و سیاسی اعضا در سطح



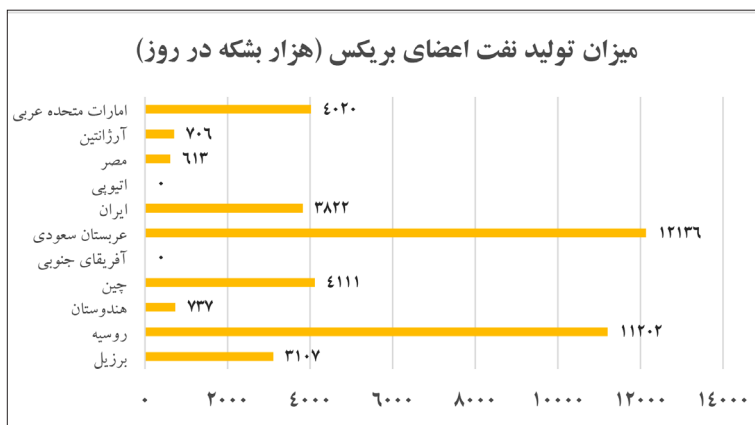
نمودار ۲
تولید ناخالص داخلی



نمودار ۳
سهم تولید نفت اعضای
بریکس در جهان

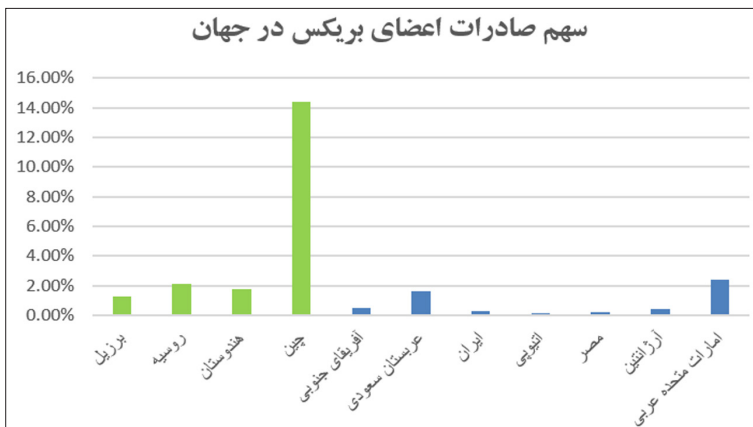
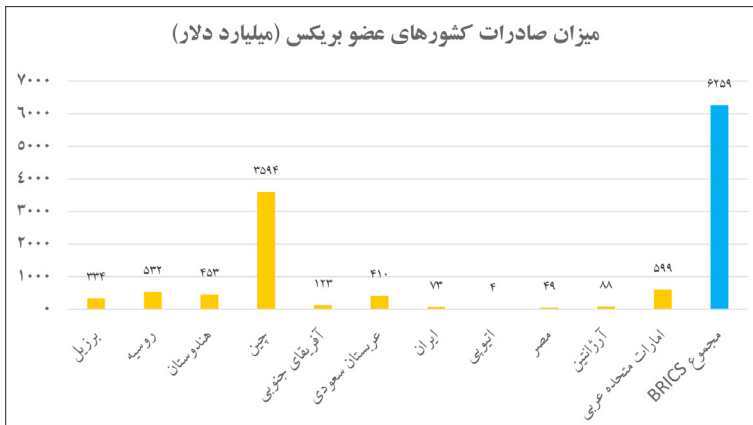
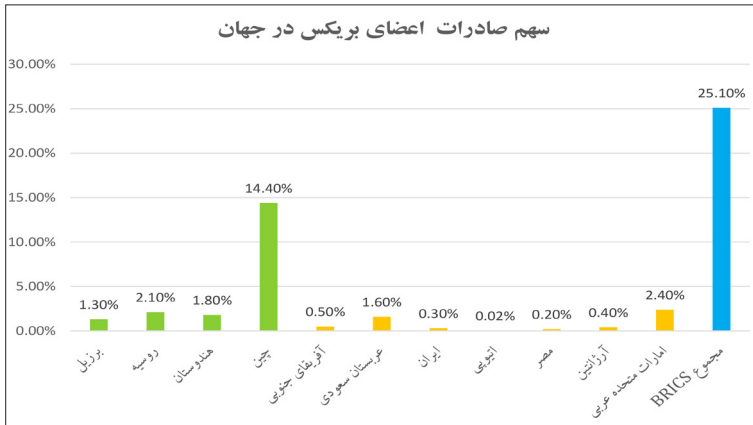


نمودار ۴
میزان تولید نفت اعضای
بریکس



می‌شوند، اضافه شدن آنها به گروه بریکس در آینده می‌تواند تاثیر قابل توجهی در افزایش سهم کلی گروه بریکس از تولید

سهم بریکس از اقتصاد جهان
از آنجایی که بیشتر اعضای جدید بریکس به عنوان اقتصادهای در حال توسعه شناخته



نمودار ۵
سهم صادرات اعضای
بریکس در جهان



نمودار ۶
میزان صادرات کشورهای
عضو بریکس



نمودار ۷
سهم صادرات اعضای
بریکس در جهان

درخشش ایران در موضوع انرژی

بازار جهانی نفت، بازار بسیار بزرگی است و به نظری می‌رسد بریکس قرار است نقش فعال‌تری در این بازار بازی کند. سرگئی لاوروف، وزیر

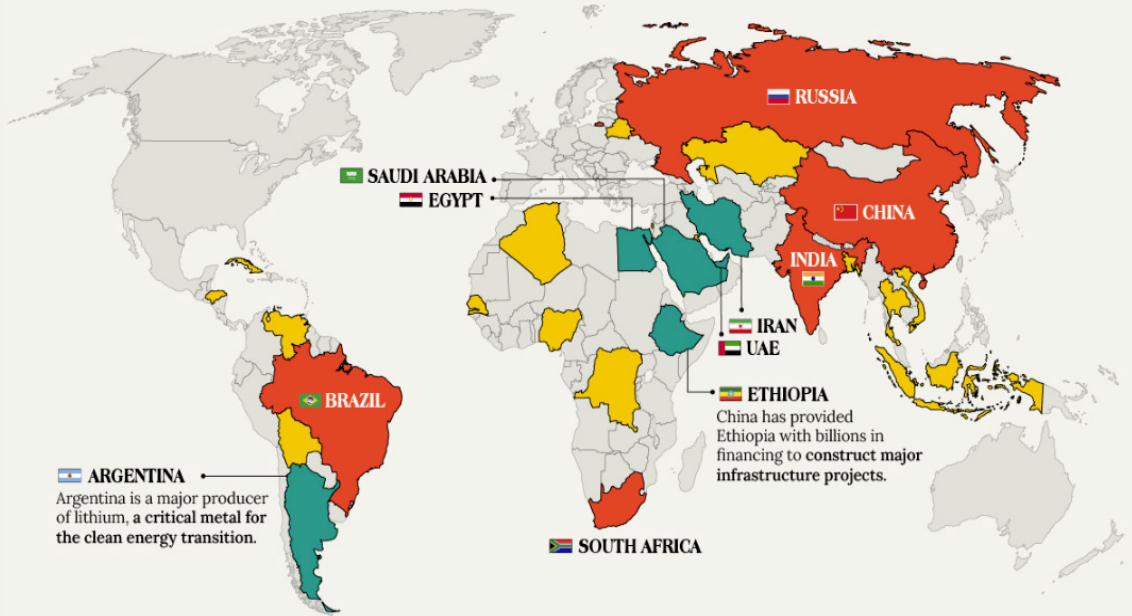
ناخالص داخلی جهان بگذارد. نمودار ۲ شامل پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی برای سال ۲۰۲۳ است که توسط صندوق بین‌المللی پول ارائه شده است. (نمودار ۲)



VISUALIZING THE 2023 BRICS EXPANSION

BRICS, a bloc of developing countries formed in 2010, is set to welcome six new members at the beginning of 2024.

▲ Members ▲ New Members ▲ Applied for membership



سهم صادرات جهانی اعضای بریکس

بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۲ سازمان تجارت جهانی، می‌توان مشاهده کرد که با گسترش BRICS سهم این گروه در صادرات جهانی از بازار تجارت کالا، از ۲۰۰۲ درصد به ۲۵۰٫۱ درصد افزایش یافته است.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ائتلاف بریکس در کوتاه‌مدت می‌تواند مقابله با تحریم‌هایی باشد که کشورهای غربی به سایر کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کنند. ایجاد یک ارز جدید توسط بریکس و مانع‌زدایی از تجارت میان اعضا می‌تواند راه‌حلی برای گسترش اثرات تحریم‌های آمریکا باشد و به گسترش بازارهای صادراتی اعضا کمک شایانی کند. (نمودار ۵، ۷ و ۶)

اهداف جانبی بریکس

از جمله برنامه‌هایی که در قالب توسعه انسانی گروه بریکس هدف‌گذاری شده، می‌توان به

خارج روسیه درباره اهمیت الحاق کشورهای جدید به گروه بریکس گفته است: پس از ملحق شدن عربستان سعودی، ایران و امارات متحده عربی به بریکس، موضوع انرژی در پرتو جدیدی خواهد درخشید و توافقی وجود دارد که برای تشکیل سیستم‌های مالی جایگزین سخت کار کنیم و این کمکی به تسهیل کار بانک توسعه بریکس خواهد بود. در بریکس هیچ هژمونی‌ای که آمریکا در سازمان‌های بین‌المللی اعمال می‌کند، وجود ندارد.

پذیرش ایران، عربستان و امارات در بریکس که بخش قابل توجهی از تولید جهانی نفت را به خود اختصاص داده است، موجب تعمیق بازار انرژی در گروه بریکس و ایفای نقش پررنگ‌تر اعضای بریکس در تعیین روندهای انرژی جهان خواهد شد. بر اساس ارقام سال ۲۰۲۲ موسسه انرژی، سهم بریکس از تولید نفت از ۲۰۰۴ درصد به ۴۳٫۱ درصد افزایش خواهد یافت. (نمودار ۳ و ۴)

۴۵



اقتصاد

شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲

از آنجایی که بیشتر اعضای جدید بریکس به عنوان اقتصادهای در حال توسعه شناخته می‌شوند اضافه شدن آنها به گروه بریکس در آینده می‌تواند تاثیر قابل توجهی در افزایش سهم کلی گروه بریکس از تولید ناخالص داخلی جهان بگذارد

بخش سلامت، دسترسی به خدمات دیجیتال، تربیت کارگرماهر برای صنایع پیشرفته، تسهیل رفت و آمد متخصصان دانشگاهی، نیروی کار و متخصصان سلامت درون کشورهای عضو، تضمین تجهیز کارگران به ابزار کار و مهارت به روز متناسب با انقلاب صنعتی چهارم و... اشاره کرد. همچنین ارتباط مردم با مردم به عنوان یک ضرورت مشترک برای همه اعضای بریکس مطرح شده است.

در ارزیابی سرفصل توسعه انسانی کشورهای گروه بریکس انتظار می‌رود، مناسبات انسانی بین مردم و کشورهای عضو افزایش یابد و شاهد رفت و آمدهای بیشتری در زمینه‌های مختلف تجاری، گردشگری، آموزشی، سلامت و... بین کشورهای عضو باشیم.

پیوستن ایران به ائتلاف بریکس بازی برد-برد برای هر دو طرف محسوب می‌شود. در واقع ۵ کشور قبلی بریکس با علم به اهمیت ۶ عضو جدید، آنها را در این گروه پذیرفته‌اند. هم ایران و هم کشورهای عضو این گروه می‌توانند از مزیت‌های اقتصادی، علمی، سیاسی و راهبردی ایران به عنوان قلب خاورمیانه برای تقویت بنیه اقتصادی و علمی خود استفاده کنند.

ایران، کشوری استراتژیک در بریکس

نقش ممتاز راهبردی ایران، مزیت بسیار مهمی در اجرای اهداف اقتصادی‌اش در چارچوب بریکس محسوب می‌شود، به طور مثال اگر ایران بتواند به عنوان پل ارتباطی هند و روسیه تبادلات اقتصادی خود با این دو کشور را افزایش دهد، ممکن است هند را متقاعد کند تا از کنش ذیل نظام تحریمی آمریکا درباره مجوزهای اوفک خارج شود. مزیت راهبردی ایران به عنوان نقطه اتصال آسیا به اروپا، در اجرای این هدف بسیار موثر خواهد بود. بریکس ظرفیت مناسبی برای ایجاد ائتلاف ذیل

موضوعات مختلف ایجاد کرده و مهم آن است که خواسته‌های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از فضای جهانی چه باشد. فاصله گرفتن از بازار سنتی، حمایت از تولیدکننده مبتنی بر قواعد زنجیره ارزش، ایجاد حسابداری اقماری، حرکت از حمایت‌های تعرفه‌ای و گمرکی به سمت حمایت‌های غیرتعرفه‌ای، سرمایه‌گذاری در راستای ایجاد ارزش افزوده، سازماندهی صنعتی جدید، تسهیل‌گری رویه‌های تجاری و افزایش اثرگذاری بر روابط بین‌المللی از جمله مزیت‌های اتصال به گروه بریکس محسوب می‌شود.

ظهور بلوک BRICS در مقابل G7

داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که مجموع تولید ناخالص داخلی گروه بریکس به طور اجمالی و همچنین براساس برابری قدرت خرید با ورود شش عضو جدید به این گروه افزایش یافته است و با توجه به معیار PPP، عضویت کشورهای ایران، عربستان، ایتوپیی، مصر، آژانتین و امارات متحده عربی به بریکس، مجموع تولید ناخالص داخلی گروه بریکس از G7 بیشتر می‌شود. همچنین همانطور که پیش‌تر اشاره شد، با وجود هند و چین به عنوان اعضای اصلی بریکس، جمعیت BRICS به مراتب از G7 بیشتر است.

زمانی که بسیاری معتقدند جهان به سمت نظم جدید نوینی حرکت می‌کند و بزرگ شدن بریکس یک زنگ خطر برای غرب و برخی سازمان‌های دیگر مانند G7 و G20 خواهد بود، بریکس اکنون شامل ۳ قدرت هسته‌ای نظامی (روسیه، چین و هند)، ۳ تولیدکننده بزرگ انرژی خاورمیانه (ایران، عربستان سعودی و امارات) و دو کشور مهم آفریقایی و عربی در موقعیت‌های استراتژیک (ایتوپیی و مصر) شده است که می‌تواند در نظم جدید جهانی موثر باشد.



ب‌رش

کارکرد ائتلاف بریکس

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ائتلاف بریکس در کوتاه‌مدت می‌تواند مقابله با تحریم‌هایی باشد که کشورهای غربی به سایر کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کنند. ایجاد یک ارز جدید توسط بریکس و مانع‌زدایی از تجارت میان اعضاء می‌تواند راه حلی برای کاستن از اثرات تحریم‌های آمریکا باشد و به گسترش بازارهای صادراتی اعضا کمک شایانی کند.



عضویت ایران در بریکس چه چالش‌ها و فرصت‌هایی برای کشورمان خواهد داشت

گزینه‌های پولی جدید روی میز بریکس

- خبر عضویت ایران در جمع کشورهای عضو بریکس بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در جهان داشت
- تعریف ارز واحد میان اعضای گروه بریکس یکی از گزینه‌های پیش روی این کشورهاست
- استفاده تهاجمی و اشنگتن از تحریم‌های اقتصادی و مالی برای پیشبرد سیاست خارجی، هژمونی دلار را تهدید می‌کند

۴۷



اقتصاد
تازه‌ها

• شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ •

حمید کمار /

پژوهشگر اقتصادی

ایده ایجاد
گروه بریکس
با نزدیکی ۴
قدرت اقتصادی
در حال ظهور
جهان شامل
برزیل، روسیه
چین و هند
در دوران اوج
یکجانبه‌گرایی
آمریکا در
اواسط دهه ۱۹۹۰
میلاادی شکل
گرفت

هرچند تمام کشورهای عضو بریکس به کاهش اتکا به چارچوب مالی تحت سلطه آمریکا علاقه‌مند هستند، اما این موضوع برای دو کشور ایران و روسیه که تحت تحریم‌های گسترده غرب و به ویژه آمریکا هستند، اهمیتی ویژه دارد. چرا که استفاده از یک سازوکار مالی مستقل برای دیگر اعضا صرفاً جنبه احتیاطی دارد، اما برای دو کشور ایران و روسیه، دستاوردی در جهت کاهش اثر تحریم‌ها و گشایش فرصت‌های اقتصادی و تجاری بیشتر است. از همین رو، این دو کشور برندگان اصلی اقدامات بریکس در راستای طراحی سازوکارهای مالی خارج از سلطه آمریکا هستند.

پانزدهمین اجلاس سران بریکس از ۳۱ مرداد تا ۲ شهریور در ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی برگزار شد. سیدابراهیم رئیسی به دعوت رسمی «سیریل رامافوزا» رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی در این نشست شرکت کرد. در این اجلاس، ایران رسماً به عنوان عضو جدید این پیمان معرفی شد و از اولین روز سال میلادی آتی (۱۱ دی ۱۴۰۲) عضویت ایران رسمی شده و بریکس با اعضای جدید، به فعالیت خود ادامه می‌دهد. خبر عضویت ایران در جمع کشورهای عضو بریکس، بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در جهان داشت. پیوستن ایران به گروه بریکس با توجه به جهت‌گیری‌های سیاسی و منازعات با غرب، کلیدواژه «چندجانبه‌گرایی» را در بحث‌ها و تحلیل‌های مرتبط با بریکس پُر تکرار کرد.

بریکس به فلسفه تاسیس

و مقابله با یکجانبه‌گرایی نزدیک‌تر شد

ایده ایجاد گروه بریکس با نزدیکی ۴ قدرت اقتصادی در حال ظهور جهان شامل برزیل،

روسیه، چین و هند در دوران اوج یکجانبه‌گرایی آمریکا در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی شکل گرفت. سابقه شکل‌گیری این گروه به حضور ۴ عضو مؤسس، به سال ۲۰۰۱ بازمی‌گردد و نهایتاً «گروه بریک» در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ رسماً تاسیس شد. آفریقای جنوبی نیز در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ به این گروه اضافه شد و نام آن پس از پیوستن این کشور از «بریک» به «بریکس» تغییر یافت. کشورهای بریکس همچنین بانک توسعه جدید را در سال ۲۰۱۵ به عنوان جایگزین نهادهای مالی تحت سلطه آمریکا، همچون صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی تاسیس کردند.

این گروه هرچند در حوزه سیاسی نتوانست حرف چندان‌ی برای گفتن داشته باشد، اما در عرصه اقتصادی به ویژه پس از تحولات سال‌های اخیر، اهمیت ویژه‌ای یافته است. با آغاز جنگ اوکراین و گرفتار شدن اقتصاد روسیه در تحریم‌های اقتصادی و به ویژه تحریم مالی غرب، تقویت جایگاه بریکس برای اعضای آن به ویژه روسیه و چین بیش از پیش اهمیت یافت. برای این اساس، اتخاذ راه‌کاری برای شکست سلطه مالی آمریکا، به موضوع نشست اخیر این گروه تبدیل شد. این مسئله در بیانیه پایانی نشست بریکس هم منعکس شد، تا جایی که این کشورها از چندجانبه‌گرایی فراگیر و احترام به حقوق بین‌الملل حمایت کرده و تحریم‌های یکجانبه علیه کشورهای جهان را نقض قوانین سازمان تجارت جهانی اعلام کردند.

اعضای بریکس، اعمال محدودیت علیه برخی کشورها و تحریم تجارت محصولات کشاورزی را نگران‌کننده دانستند. بیانیه پایانی کشورهای عضو بریکس، همچنین خواستار اصلاح سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و ایفای نقش اقتصادهای نوظهور در اداره این نهادهای بین‌المللی شد. اعضای بریکس همچنین به وزیران دارایی



ب‌رش

ایجاد ارز بریکس محتمل‌تر شد

گسترش عضویت‌ها در بریکس، اگرچه مسائلی به همراه دارد، اما این توسعه می‌تواند موجب انتقال از تسویه دوجانبه به چندجانبه شود و شاید در نهایت معرفی یک ارز مشترک بریکس را حتمی کند. در همین حین، گسترش بریکس ممکن است اُتربخشی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده را بیش از پیش تضعیف کند و به روند چندقطبی شدن نظم پولی جهان سرعت بدهد.



بانک توسعه
جدید (بانک
مشترک اعضای
بریکس) طی
حدود ۱۰ سال
از فعالیت خود
(۲۰۱۵ تاکنون)
حدود ۳۳
میلیارد دلار وام
برای تأمین مالی
حدود ۱۰۰ پروژه
به کشورهای
عضو بریکس
اعطا کرده است

با تمام این موانع و برخی موانع دیگر، هنوز برخی تحلیلگران، تعریف ارز مشترک را ناممکن نمی‌دانند.
اندیشکده آمریکایی شورای آتلانتیک در گزارشی با اشاره به تبعات استفاده آمریکا از دلار به عنوان سلاحی برای پیشبرد اهداف سیاسی در جهان و حرکت بریکس در جهت خنثی سازی این ابزار، نوشت: تعداد قابل توجهی از کارشناسان، از جمله مقامات ارشد دولت ایالات متحده، اعتقاد پیدا کرده‌اند که استفاده تهاجمی واشنگتن از تحریم‌های اقتصادی و مالی برای پیشبرد سیاست خارجی، می‌تواند هژمونی دلار را در سال‌های آینده تهدید کند. «جانت بلن» وزیر خزانه‌داری آمریکا به تازگی تأکید کرد: وقتی از تحریم‌های مالی مرتبط با نقش دلار استفاده می‌کنیم، این خطر وجود دارد که به مرور زمان هژمونی دلار تضعیف شود.

در این گزارش همچنین آمده است: اهمیت دلارزدایی در دوره اخیر بیشتر شده و همین امر ممکن است به تلاش برای معرفی یک ارز ذخیره از سوی بریکس برای اعضا در تجارت فرامرزی منجر شود. با توجه به مازاد تراز پرداخت در گروه بریکس، این بلوک امکانات مالی لازم برای ایجاد چنین ارزی یا واحد حسابرسی را دارد، این گروه اما ساختار نهادی و معیار مشخصی را برای نیل به این هدف در اختیار ندارد.

بر اساس تحلیل شورای آتلانتیک، با فرض همسوئی کامل ژئوپلیتیکی اعضا و وجود تمایل به همکاری بیشتر به جای رقابت، معرفی یک واحد پولی مشترک چالش‌هایی را دارد. برای نمونه ایجاد یورو، که اکنون دومین ارز ذخیره بزرگ جهان است، با موانعی همراه بود. دستیابی به همگرایی کلان اقتصادی، توافق بر روی مکانیسم نرخ ارز، ایجاد یک سیستم پرداخت کارآمد و تسویه چند جانبه، و ایجاد بازار مالی نقدی منظم و باثبات، از جمله این چالش‌ها محسوب می‌شود.

در بخش دیگری از گزارش آمده است: کشورهای بریکس در حال حاضر از ارزهای خود برای پرداخت‌های تجاری دوجانبه استفاده می‌کنند، عربستان سعودی نیز در حال بررسی امضای قراردادی با چین برای تسویه معاملات نفتی به رمزینبی است. در همین حال، هند در حال گسترش استفاده از ارزهای محلی برای پرداخت‌های تجاری دوجانبه و تسویه حساب فراتر از گروه BRICS است. دهلی نوبه همین منظور از بیش از بیست کشور دعوت کرده تا حساب‌های ویژه بانکی vostro را برای تسویه

و روسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو ماموریت دادند تا استفاده از ارزها و ابزارهای مالی محلی برای تجارت بین کشورهای عضو و غیرعضو را در دستور کار قرار داده و گزارش بازخورد آن را برای بررسی در نشست آتی ارائه کنند.

طراحی سازوکار مالی جدید خارج از سلطه آمریکا، موضوعی است که پیش از این هم دغدغه اعضای بریکس بوده است. بر همین اساس، بانک توسعه جدید (بانک مشترک اعضای بریکس) طی حدود ۱۰ سال از فعالیت خود (۲۰۱۵ تاکنون) حدود ۳۳ میلیارد دلار وام برای تأمین مالی حدود ۱۰۰ پروژه به کشورهای عضو بریکس اعطا کرده است. این رقم هرچند نسبت به رقم تولید ناخالص داخلی این کشورها و همچنین در مقایسه با دیگر نهادهای مالی مطرح از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، رقم اندکی است، اما پرداخت ۳۰ درصد از وام‌ها به ارز محلی کشورهای عضو، نشان دهنده عزم جدی این گروه برای توسعه استفاده از ارزهای محلی و حذف دلار از مناسبات اقتصادی میان اعضاست.

ارز واحد بریکس

تعریف ارز واحد میان اعضای گروه بریکس یکی از گزینه‌های پیش روی این کشورهاست. با این حال برخی مسائل مانع تحقق این هدف می‌شود. اختلافات چین و هند در موضوعات مختلفی از تنش‌های مرزی گرفته تا رقابت‌های سیاسی در صحنه بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین موانع برای تعریف ارز واحد است. به نتیجه رسیدن هر طرحی در بریکس، منوط به همگرا شدن نظرات این دو عضو مهم است، در حالی که درگیری سیاسی این دو کشور در موضوعات مختلف، مانعی در پیشبرد طرح‌های بزرگ است. مسئله دیگر در تعریف ارز واحد، همچنین به معنای پایان پروژه تبدیل یوان به ارز جهان‌روا یا دستکم رقیب تراشی برای آن است. در چنین شرایطی، همراهی چین با چنین طرحی بعید به نظر می‌رسد.

شواهد نشان می‌دهد حتی هند هم تمایلی به اجرایی شدن ایده ارز بریکس ندارد. وزارت خارجه هند تیرماه سال جاری در بیانیه‌ای اعلام کرد این کشور هیچ برنامه‌ای برای ارز واحد بریکس ندارد. در این بیانیه آمده است: هند بر تقویت پول ملی خود، یعنی روپیه متمرکز است و این یکی از اولویت‌های اصلی دولت هند خواهد بود. این بیانیه به وضوح ناهمخوانی موضع هند با طرح ارز واحد بریکس را نشان می‌دهد.



بریکس بعد
از گسترش
عضویت
می تواند خود
را به یک ائتلاف
ژئوپلیتیکی
قدرتمندتری
تبدیل کند که
قادر است به
روند دلارزدایی
و گذار به دنیای
چند قطبی
شتاب ببخشد

مبادلات به روپیه باز کنند. هند در اقدامی تاریخی، اولین پرداخت نفت خود با روپیه را به امارات متحده عربی در اوایل ماه جاری انجام داد.

طبق این گزارش، گسترش عضویت‌ها در بریکس، اگرچه مسائلی به همراه دارد اما این توسعه می‌تواند موجب انتقال از تسویه دوجانبه به چند جانبه شود و شاید در نهایت معرفی یک ارز مشترک بریکس را حتمی کند. در همین حین، گسترش بریکس ممکن است اثربخشی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده را بیش از پیش تضعیف کند و به روند چندقطبی شدن نظم پولی جهان سرعت بدهد. چند عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) اعلام کرده‌اند تمایل دارند تا به عضویت گروه بریکس درآیند. این اتفاق مزایای مشترک مربوط به استفاده از ارزهای محلی برای معاملات فرامرزی را افزایش می‌دهد و می‌تواند حجم تجارت جهانی به دلار را کاهش دهد.

تحلیل‌گر شورای آتلانتیک در پایان اذعان می‌کند اگرچه چسبندگی ترتیبات نهادی و عمق بازارهای مالی ایالات متحده به اندازه‌ای است که سلطه دلار برای مدتی در ساختار مالی جهانی باقی خواهد ماند، اما بریکس بعد از گسترش عضویت می‌تواند خود را به یک ائتلاف ژئوپلیتیکی قدرتمندتری تبدیل کند که قادر است به روند دلارزدایی و گذار به دنیای چندقطبی شتاب ببخشد.

طراحی سیستم پرداخت و تسویه مستقل

گزینه دیگر درباره سازوکار مالی جدید بریکس، گسترش استفاده از ارزهای محلی برای تبادلات مالی، تجاری و اقتصادی و طراحی سیستم پرداخت و تسویه مستقل از سلطه آمریکاست. اظهارات سران کشورهای عضو بریکس از جمله برزیل و روسیه، حاکی از تمایل این گروه به

گسترش استفاده از ارزهای ملی است. حتی رئیس بانک توسعه جدید هم در آخرین اظهارات خود از اعطای وام با ارزهای محلی خبر داده است. در همین رابطه، دیلما روسف رئیس جمهور سابق برزیل و رئیس بانک توسعه جدید، از برنامه این بانک برای اعطای وام‌های بیشتر به اعضا و تاکید بر استفاده از ارزهای محلی در اعطای این وام‌ها خبر داد و گفت: ما انتظار داریم ماه جاری حدود هشت تا ۱۰ میلیارد دلار وام بدهیم. هدف ما این است که حدود ۳۰ درصد از وام‌ها به ارز محلی باشد.

وی اظهار داشت: بانک توسعه جدید، مجوز وام دهی به راند (واحد پول آفریقای جنوبی) را در این کشور آغاز کرده و همین کار را در برزیل انجام خواهد داد. ما تلاش می‌کنیم سوآپ ارزی انجام دهیم یا مجوز بدهی صادر کنیم.

روسف گفت: اعطای وام به ارز محلی به وام گیرندگان در کشورهای عضو این امکان را می‌دهد تا از ریسک نرخ ارز و تغییرات در نرخ‌های بهره آمریکا اجتناب کنند. ارزهای محلی جایگزین دلار نیستند. آنها جایگزین یک سیستم هستند، سیستمی که تاکنون تک قطبی بوده است و اکنون قرار است با یک سیستم چند قطبی جایگزین شود.

رئیس بانک توسعه جدید گفت: این گروه تلاش کرده با اجتناب از تنظیم فهرستی از شروط سیاسی در وام دهی، خود را از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول متمایز کند. اغلب وام‌ها به شرط اجرای برخی سیاست‌ها اعطا می‌شوند. ما به سیاست هر کشوری احترام می‌گذاریم.

اظهارات روسف نشان می‌دهد وی تلاش دارد بانک گروه بریکس را به نهادی برای تأمین مالی اعضای بریکس با سازوکاری مستقل تبدیل کند. موضوعی که به وضوح عزم جدی گروه بریکس برای طراحی سازوکار مالی مستقل را نشان



ب‌رش



کاهش اثر تحریم‌های غرب بر علیه ایران

هرچند تمام کشورهای عضو بریکس به کاهش اتکا به چارچوب مالی تحت سلطه آمریکا علاقه مند هستند، اما این موضوع برای دو کشور ایران و روسیه که تحت تحریم‌های گسترده غرب و به ویژه آمریکا قرار دارند، اهمیتی ویژه دارد. چراکه استفاده از یک سازوکار مالی مستقل برای دیگر اعضا صرفاً جنبه احتیاطی دارد، اما برای دو کشور ایران و روسیه، دستاوردی در جهت کاهش اثر تحریم‌ها و گشایش فرصت‌های اقتصادی و تجاری بیشتر است.



می دهد. با این حال سناریوهای مختلفی به منظور ایجاد یک سازوکار مستقل مالی پیش روی بریکس قرار دارد. تعیین ارز واحد بریکس، پیمان های پولی چند جانبه و طراحی یک سیستم پرداخت و تسویه مشترک، مهم ترین گزینه های پیش روی این گروه است.

اظهارات رئیس بانک توسعه جدید نشان می دهد گسترش استفاده از ارزهای ملی میان کشورهای بریکس، اولویت این کشورهاست و در حال حاضر تنها گزینه آماده برای کاهش اتکای این کشورها به چارچوب مالی تحت سلطه آمریکا و تقویت چند جانبه گرایی در حوزه مالی است. گسترش استفاده از ارزهای ملی می تواند روند فعلی دلارزدایی در جهان را به میزان چشمگیری سرعت ببخشد. این روند البته پس از پیوستن کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران، عربستان و امارات، شدت بیشتری می گیرد. کنار گذاشته شدن استفاده از دلار در مبادلات نفتی، شاید بزرگترین گام برای دلارزدایی در گروه بریکس باشد. در این گروه کشورهایی همچون روسیه و به تازگی ایران، عربستان و امارات، کشورهای تامین کننده نفت و در مقابل چین و هند جزو بزرگترین کشورهای مصرف کننده نفت هستند. این ترکیب نشان می دهد کاهش استفاده از دلار تنها در تجارت نفت میان کشورهای عضو بریکس، می تواند استفاده از ارزهای محلی در تبادلات تجاری این گروه را به شکل تصاعدی افزایش دهد.

نکته جالب در این رابطه آنکه اکنون هم برخی از کشورهای بریکس که حتی درگیر تحریم های آمریکا هم نیستند، به حذف دلار در تبادلات نفتی خود روی آورده اند. در تازه ترین مورد، هند و امارات توافق کرده اند که به تدریج از روپیه برای تسویه معاملات نفتی استفاده کنند. در شرایطی که حتی کشورهای غیردرگیر با تحریم هم به سمت تنوع بخشی به ارزهای مورد استفاده در تجارت بین المللی خود هستند، طبیعی است که کشورهایی از جمله ایران و روسیه، اشتیاقی چندبرابری به این موضوع نشان دهند.

علاوه بر استفاده از ارزهای ملی، طراحی و راه اندازی یک سیستم پیام رسان بانکی و سیستم تسویه مالی مشترک، از جمله اقداماتی است که می تواند در کوتاه مدت به نتیجه برسد. این همان اتفاقی است که در روسیه اجرایی شد. روسیه پس از گرفتار شدن در تحریم های غرب، اقدام استفاده از یک سیستم تسویه داخلی را آغاز کرد. این تجربه اکنون می تواند در مقیاسی

بسیار بزرگتر مورد استفاده قرار گرفته و هدف بریکس در خروج از سلطه مالی آمریکا را بیش از پیش محقق سازد.

ایران و روسیه برندگان اصلی سیستم پرداخت بریکس

هر چند تمام کشورهای عضو بریکس به کاهش اتکا به چارچوب مالی تحت سلطه آمریکا علاقه مند هستند، اما این موضوع برای دو کشور ایران و روسیه که تحت تحریم های گسترده غرب و به ویژه آمریکا هستند، اهمیتی ویژه دارد. چرا که استفاده از یک سازوکار مالی مستقل برای دیگر اعضا صرفا جنبه احتیاطی دارد، اما برای دو کشور ایران و روسیه، دستاوردی در جهت کاهش اثر تحریم ها و گشایش فرصت های اقتصادی و تجاری بیشتر است. از همین رو، این دو کشور برندگان اصلی اقدامات بریکس در راستای طراحی سازوکارهای مالی خارج از سلطه آمریکا هستند. با توجه به حجم عظیم صادرات نفت ایران و روسیه به چین و همچنین چشم انداز صعودی تجارت میان این گروه به ویژه پس از اضافه شدن اعضای جدید، استفاده از سازوکارهای مالی مستقل را بیش از همه در خدمت منافع این دو کشور قرار می دهد.





برگرفته از مطالعه سعید میرترابی و مهرداد فلاح، دانشگاه خوارزمی

شکل‌گیری نظم جدید اقتصاد جهان در بریکس

- از اوایل دهه ۱۹۹۰ نظام دوقطبی رو به افول نهاد که شکل‌گیری بریکس یکی از تبعات آن بود
- فرآیند دلارزدایی و ایجاد سیستم‌های همسو با نظم بین‌الملل از جمله اقدامات پکن برای مشارکت در مکانیسم بریکس است
- فعالیت‌های گروه بریکس، موجب تثبیت موجودیت این گروه به عنوان یک تشکل مالی، تجاری و توسعه‌ای شد

۵۲



اقتصادنا

• شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ •

دو شرط تحول
 نهادی و تغییر
 قدرت برای
 گذار از نظم
 بین الملل
 ضروری است
 و این گذار
 زمانی حاصل
 می شود که تغییر
 عمده ای در
 قوانین و نهادها
 و توزیع قدرت
 اتفاق بیفتد



یکپارچگی و وابستگی متقابل به وجود آمده که مانع از بازگشت به دوران جنگ و ناپایمانی شده است. از دید «هنری کیسنجر» نظم بین الملل بر پایه دو اصل زیر استوار است:

- مجموعه قواعد رایج پذیرفته شده برای تعیین محدوده اعمال مجاز
- موازنه قدرت و اعمال محدودیت هادر صورت زیر

پا گذاشتن قوانین
 نظم لیبرال و قانون محور با ایجاد یک نظام باز، مکانیسم هایی را برای ثبات و همزیستی مسالمت آمیز دولت ها در یک نظام آنارشی (اقتدارگریزی) فراهم می کند. بنابراین، نظم بین الملل معاصر، یک دسته از قواعد بازی و مکانیسم هایی را به کشورها ارائه می دهد که این قواعد می تواند شرایطی را برای روابط بین الملل با ثبات به وسیله کاهش تأثیرات منفی اقتدارگریزی در سطح بین الملل فراهم کنند. در چارچوب این دیدگاه، کشورهایی که اولویت های مشترکی دارند، ائتلاف های باثباتی را شکل می دهند. لذا دو شرط تحول نهادی و تغییر قدرت برای گذار از نظم بین الملل ضروری است و این گذار زمانی حاصل می شود که تغییر عمده ای در قوانین و نهادها و

با افول نظام دو قطبی در دهه ۱۹۹۰، ایجاد نهاد مالی جدید توسط بریکس منجر به پدید آمدن رقیبی برای نهادهای مالی هژمونیک جهانی شد. این مطالعه به بررسی نقش چین (به عنوان یکی از ابرقدرت های اقتصادی)، چگونگی تغییر اقتصاد جهانی و توانایی اقتصادی این کشور از طریق بریکس در ارتقای جایگاه اقتصادی خود و اثرگذاری بر اقتصاد جهانی می پردازد. بررسی این موضوع از روش توصیفی - تحلیلی و از طریق استنباط کیفی انجام می گیرد و تلاش های چین، با بهره گیری از ظرفیت اعضای بریکس و بریکس پلاس، در جهت نهادسازی و تغییر روابط خود با قدرت های بزرگ، نظم اقتصادی جهان را در طی سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰ در جهت تامین منافع خود رانندگی می کند. بنابراین دیدگاه ابزار مقامات چینی به گروه بریکس و ابتکارات این کشور در جهت نیل به اهداف بلندپروازانه، در چارچوب سازوکار بریکس مورد بررسی قرار می گیرد.

تحول نظم بین المللی لیبرال انواع نهادها، همچارها و ارزش های گوناگون را مورد توجه قرار داد. از دید طراحان این ایده، نیروی مستقزی از الگوهای



از جمله اقدامات چین در گروه بریکس تاسیس بانک توسعه نوین صندوق ذخیره، طرح «یک کمربند - یک راه» و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا است

جدول ۱: نهادسازی موازی چین در برابر نهادهای بین‌المللی غربی					
سیستم پرداخت مستمر	بازار ارز بین‌الملل	صندوق بین‌المللی پول	بانک توسعه آسیایی	بانک جهانی	نهادهای بین‌المللی غربی نهادسازی بین‌المللی چین
مکانیسم CIPS	سیستم پرداخت ارز (یوان)	بانک زیرساخت آسیایی	بانک توسعه جدید آسیایی	پیمان بریکس	

بریکس تاسیس بانک توسعه نوین، صندوق ذخیره، طرح «یک کمربند یک راه» و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا است. رشد و پیشرفت چشمگیر چین هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی، پیامدهایی را برای امنیت و حاکمیت جهانی و نیز توسعه بین‌الملل به همراه داشته و موجب نفوذ فزاینده چین در بازارهای مالی و رهبری جهانی بوده است. این کشور در مقایسه با سایر شرکای خود در بریکس، وزنه بسیار مهم‌تری محسوب می‌شود، لذا پکن ابزار لازم برای شکل دادن به حاکمیت اقتصاد جهانی را دارد. این کشور به چند دلیل به آینده بریکس برای دستیابی به اهداف استراتژیک خود در حوزه روابط بین‌الملل امیدوار است:

- همکاری با بیشتر کشورها در مورد مسائل مهم مانند تغییرات آب‌وهوا، اصلاحات سازمان ملل، شیوه‌حمایتی در تقابل با آمریکا و غیره
- گسترش و تعمیق همکاری با سایر کشورهای در حال توسعه به خصوص به هنگام بروز بحران مالی به طور کلی، فرآیند دلارزدایی و ایجاد سیستم‌های همسو با نظم بین‌الملل از جمله اقدامات پکن برای مشارکت در مکانیسم بریکس است که نتیجه «آگاهی مسئولیت بین‌المللی» این کشور بر مبنای تقسیم قدرت بین ایالات متحده و چین است. چین به عنوان رهبر بریکس در جهت پیشبرد اصلاحات نهادی پیشنهاد داده است که یوان این کشور مبنای مبادلات تجاری قرار بگیرد. روند تحکیم نهادینه شدن گروه بریکس در چارچوب برخورد آن با مسائل مرتبط با اقتصاد سیاسی بین‌الملل صورت گرفت. تلاش‌های مستمر چین و همراهی روسیه برای گسترش فعالیت‌های گروه بریکس، موجب تثبیت موجودیت این گروه به عنوان یک تشکل مالی، تجاری و توسعه‌ای شد. تلاش چین برای پیاده‌سازی ایده بریکس پلاس در آینده سبب گسترش همکاری‌های بین‌المللی این گروه با سایر کشورهای در حال توسعه می‌شود. در واقع، تلاش‌های چین در جهت رقابت با کشورهای گروه G7 برای اصلاح توازن قدرت در نظم اقتصادی لیبرال غربی است.

- این مقاله توسط سعید میرترابی و مهرداد فلاح در سال ۱۴۰۱ در دانشگاه خوارزمی انجام شده که هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد، برشی کوتاه از آن منتشر کرده است.

توزیع قدرت اتفاق بیفتد. ارتباط متقابل بین دو شرط بالا برای گذار از نظم بین‌الملل موجب اهمیت دوچندان نهادسازی‌های اقتصادی و یافتن متحد جدید از یک سو و تغییر قدرت درون سیستم از سوی دیگر می‌شود. ظهور قدرت‌هایی مانند چین، روسیه، اتحادیه اروپا و ژاپن از یک سو و تقابل و رقابت آنها با ایالات متحده از سوی دیگر، از دلایل تغییر در نظم جهانی است. چین به موازات افزایش قدرت اقتصادی و مالی خود در عرصه جهانی و از طریق پیمان بریکس، خواهان کسب سهم بیشتر در نهادهای مالی جهانی شده است و با نهادسازی بین‌المللی در مقابل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته است. در شرایط فعلی جهان، چین بیشترین بهره‌را از سیستم تغییر قدرت (تغییر قدرت جهانی از قدرت متمرکز به نظام چندقطبی) داشته است. رشد اقتصادی و نظامی چین و بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ آمریکا، موقعیت چین را برای تأثیرگذاری بیشتر در تغییر قدرت به نفع خود بهبود بخشید و این کشور در پی نظامی جدید در کل دنیا، درصدد تغییر ساختار سیاسی و مالی فعلی جهان است. تعداد زیادی از نهادهای موازی‌سازی چین همتای نهادها و سازمان‌های تحت رهبری ایالات متحده هستند. به عنوان مثال چین به عنوان یک کشور رهبر، در جهت کاهش وابستگی قدرت‌های نوظهور به دلار آمریکا، استفاده از پول ملی خود یعنی یوان را ترویج می‌کند. این کشور با روی آوردن به نهادهای چین محور درصدد نهادسازی موازی برای حفاظت از موقعیت بین‌المللی خود است. (جدول ۱)

از اوایل دهه ۱۹۹۰ نظام دوقطبی رو به افول نهاد که شکل‌گیری بریکس یکی از تبعات آن بود. چین با عدم‌پذیرش تقسیم‌بندی قدرت سیاسی-اقتصادی موجود و با به کارگیری ابزار بریکس به دنبال تثبیت قدرت سیاسی-اقتصادی این گروه است. چین با معرفی خود به عنوان یک دولت صلح‌طلب و باتاکید بر سیستم چندقطبی متعادل در تلاش برای تحکیم جایگاه بین‌المللی خود است، لذا برای دستیابی به اهداف خود در ترسیم نظم نوین سیاسی و اقتصادی به ائتلاف با کشورهای در حال توسعه که با اهداف و منافع این کشور هم‌سویی بیشتری دارند پرداخته است. از جمله اقدامات چین در گروه



برگرفته از مطالعه الهام امانی، ایمان باستانی فرومحمد رضا حیدری خوراسگانی
دانشگاه اصفهان

شناسایی ۸ راه جدید جایگزین سوئیفت

- سوئیفت ادعای می کند که ۹۹٫۹۹ درصد قابلیت اطمینان دارد
- بهترین راهکار برای جایگزینی سوئیفت
پیمان پولی دو جانبه و سوآپ ارزی است
- امکان استفاده از پیام رسان مالی موازی با سوئیفت
در کشورهای دیگر برای ایران مطرح است

می دهد. کارکرد شبکه سوئیفت به این صورت است که از طریق ارسال پیام ها، جزئیات قراردادهای منعقد شده بین دو کاربر بانکی را تایید نموده و تبادل ارزهای خارجی را انجام می دهد. این سیستم به صورت چندکاربره عمل می کند، به این معنا که بانک های عضو به طور هماهنگ در این سیستم شرکت می کنند و از آن بهره می برند. همچنین در این سیستم سهامدار هستند و در سود و زیان موسسه نیز سهیم می شوند.

یکی از بخش هایی که در تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران مورد هدف قرار گرفته، بحث ارتباطات بین بانکی و قطع دسترسی کشور به سامانه سوئیفت است. اما واقعاً شبکه سوئیفت چیست؟ سوئیفت یک انجمن ارتباطات مالی بین بانکی بین المللی است، که مرکز آن در کشور بلژیک قرار دارد. این انجمن به عنوان یک موسسه تعاونی عمل می کند و خدمات و تسهیلات مختلف خود را از طریق مراکز رایانه ای در سراسر جهان ارائه

۵۵



اقتصادنا

● شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ ●



سوئیفت
یک انجمن
ارتباطات مالی
بین بانکی
بین المللی
است، که مرکز
آن در کشور
بلژیک قرار دارد
این انجمن
به عنوان یک
موسسه تعاونی
عمل می کند
و خدمات
و تسهیلات
مختلف خود را
از طریق مراکز
رایانه ای در
سراسر جهان
ارائه می دهد

دسترسی پیدا کنند.

• **سرعت:** سرعت انتقال پیام در سوئیفت بسیار بالاست، چرا که پیام طی چند ثانیه و به محض آنکه آخرین فرد مجاز، پیام را امضا و از طریق شبکه سوئیفت ارسال کرد، بلافاصله پیام تحویل سوئیفت می شود.

• **هزینه مخاخره پیام:** مخاخره پیام ها از طریق سیستم سوئیفت نسبت به سایر سیستم ها کمترین هزینه را دارد و بر اساس تعداد کاراکترهای پیام محاسبه می شود. با این حال، با افزایش تعداد پیام های ارسالی توسط کاربران، هزینه مخاخره نیز کاهش می یابد.

• **قابلیت دسترسی:** سیستم سوئیفت به صورت پیوسته و بدون تعطیلی خدمات خود را ارائه می دهد. به عبارت دیگر، در طول سال و در ۲۴ ساعت شبانه روز، امکان دسترسی و مبادله پیام در سیستم سوئیفت وجود دارد.

• **استفاده کنندگان:** ادارات مرکزی بانک ها به عنوان اعضا سوئیفت شناخته می شوند که در واقع سهامداران سوئیفت نیز هستند. شعب خارج از کشور و یا شرکت های فرعی که بیش از ۹۰ درصد سهام آنها متعلق به یکی از اعضای سوئیفت باشد، به عنوان عضو فرعی شناخته می شوند. همچنین اعضای غیربانکی که در رشته های عملیات بانک فعال هستند، به عنوان شرکت کنندگان شناخته شده و صرفاً امکان ارسال و دریافت یک نوع پیام را دارند

با این حال، رشد چشمگیر سوئیفت مرهون وجود مزایای این سیستم است. از جمله مهم ترین مزایایی که می توان برای آن برشمرد، عبارت است از:

• **استاندارد:** از مزیت های بارز این سیستم، استاندارد بودن آن است. این سیستم به گونه ای طراحی شده که با ارسال پیام از طریق شبکه، امکان ایجاد ارتباط مستقیم بین رایانه های دو بانک و اجرای تمام مراحل حسابداری، از جمله عملیات بستنکاری و بدهکاری حساب های مرتبط، و تهیه صورتحساب ها بدون نیاز به دخالت انسانی را فراهم می کند.

• **قابلیت اطمینان:** این سیستم به دلیل طراحی دقیق خود، درصد خطاهای بسیار اندکی داشته و در صورتی که پیام به طور صحیح و مطابق با استانداردها تنظیم نشود، سیستم آن را قبول نخواهد کرد. قابل توجه است که از زمان تاسیس سوئیفت، حتی یک پیام نیز مفقود نشده است. از این رو، موسسه سوئیفت ادعا می کند که ۹۹.۹۹ درصد قابلیت اطمینان دارد.

• **امنیت:** در سیستم سوئیفت، پیام های مبادله شده به طور خودکار مخاخره شده و متن پیام تا رسیدن به مقصد، به صورت پراکنده و ناخوانا (کدگذاری شده) خواهد بود. به نحوی که، افراد غیرمجاز نمی توانند به این پیام ها

که مرتبط با فعالیت‌شان باشد، در حالی که اعضا اصلی و فرعی می‌توانند از تمامی خدمات سوئیفت بهره‌مند شوند.

تحریم‌های بانکی علیه ایران در ابتدا با تعدادی از بانک‌ها آغاز شد و سپس در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱، بانک مرکزی نیز تحت تحریم قرار گرفت. تحریم‌ها علیه بانک مرکزی به بهانه فعالیت مرتبط با بانک‌های تحریم شده بود. نتیجتاً تحریم‌ها باعث محدودیت دسترسی ایران به منابع ارزی خود، از جمله منابع حاصل از فروش نفت شده و منجر به قطع دسترسی بانک‌های ایران از شبکه پیام‌رسان مالی سوئیفت شد. از این‌رو، اهمیت بررسی راهکارهای جایگزین برای سوئیفت بیش از پیش پُررنگ می‌شود.

همچنین، توسعه فناوری و افزایش نوآوری‌ها، دامنه انتخاب‌های جایگزین را تنوع بخشیده است. به عنوان مثال، ارزهای دیجیتال می‌توانند به عنوان یک رقیب جدی برای سوئیفت مطرح شوند. در این زمینه، تجربه چین در پیشبرد کاربرد پول ملی دیجیتال خود، به نام یوان دیجیتال، به عنوان یک نمونه مهم قابل توجه است.

با توجه به مطالعه انجام‌شده توسط چلبی (۱۳۹۸)، که تجربیات روسیه و چین را در راستای ایجاد سیستم پرداخت و پیام‌رسان مالی بین‌بانکی مورد بررسی قرار داده، مشاهده می‌شود که ایجاد یک سیستم موازی با سوئیفت می‌تواند توجیه‌پذیر باشد. همچنین، در پژوهش دیگری توسط محمدنژاد (۱۳۹۶) نیز به بررسی سامانه پیام‌رسان الکترونیکی مالی (سپام) پرداخته شده و به این نتیجه رسیده است که رضایت و اعتماد، دو عامل بسیار موثر برای پایداری و موفقیت این سامانه است.

هدف اصلی این پژوهش، رتبه‌بندی راهکارهای جایگزین در محیط تحریمی ایران است. به منظور دستیابی به این هدف، ابتداراهکارهای جایگزین برای سوئیفت شناسایی می‌شوند و سپس به بررسی معیارهایی مانند سرعت مبادله، امنیت و سایر معیارهای اندازه‌گیری کارایی، پرداخته می‌شود. بدین منظور، از روش میدانی و با استفاده از نظرسنجی از خبرگان برای بررسی و دستیابی به هدف اصلی مطالعه استفاده می‌شود. در مرحله نهایی، برای ارزیابی و رتبه‌بندی، از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره (AHP) استفاده خواهد شد. با توجه به نتایج مطالعه حاضر، با در نظر

گرفتن نظرسنجی از خبرگان و تحلیل‌ها، ۸ راه جایگزین برای سوئیفت شناسایی شده است. در ادامه، به طور خلاصه، هرکدام از این گزینه‌ها را توضیح می‌دهیم:

• **اینستاکس:** سیستم مالی اروپا که به منظور تسهیل معاملات اقتصادی با ایران در محیط تحریمی تشکیل شده است.

• **سیستم مالی چین (CIPS) و سیستم مالی روسیه (SPFS):** این سیستم‌ها به عنوان جایگزین‌هایی برای انجام مبادلات با استفاده از ارزهای ملی چین و روسیه مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین امکان استفاده از پیام‌رسان مالی موازی با سوئیفت در کشورهای دیگر نیز مطرح است.

• **مبادله تهارتی:** این روش به تبادل کالا به کالا بین خریداران و فروشندگان اشاره دارد.

• **صرافی‌ها:** استفاده از صرافی‌ها برای انتقال ارز و تراکنش‌های مالی با استفاده از ابزارهای موجود.

پیمان پولی دوجانبه و سوآپ ارزی: جهانی‌سازی ارزهای محلی و کاهش وابستگی تجارت بین کشورها به ارزهای واسطه.

• **سوئیفت مشروط:** استفاده از بانک‌هایی که تحریم‌های ثانویه ندارند یا مختص کالاهای اساسی هستند برای انجام تراکنش‌های مالی.

• **روش‌های متفرقه:** استفاده از حواله‌ها و حساب‌های باز جهت انجام تراکنش‌های مالی.

• **رمزارزها:** مانند بیت‌کوین و سایر رمزارزها که به عنوان ابزارهای مالی جدید در تراکنش‌های بانکی مورد توجه قرار می‌گیرند.

با توجه به معیارهایی که سوئیفت را محبوب کرده‌اند، که شامل سرعت مبادله، سهولت استفاده، هزینه‌ها و غیره است، راهکارهای ذکر شده را باید بر اساس معیارهای محبوبیت سوئیفت اولویت‌بندی کرد. بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق، اولویت اول و بهترین راهکار برای جایگزینی سوئیفت، پیمان پولی دوجانبه و سوآپ ارزی است. در ادامه به ترتیب اولویت، سیستم مالی چین و روسیه، صرافی‌ها، مبادلات تهارتی، روش‌های متفرقه، اینستاکس، سوئیفت مشروط و در نهایت رمزارزها قرار دارند.

این مقاله در سال ۱۴۰۰ توسط الهام امینی جونقانی، ایمان باستانی‌فر و محمدرضا حیدری خوراسگانی از دانشگاه اصفهان تهیه شده که هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد، برشی کوتاه از آن را منتشر کرده است.

بررسی تجربیات
روسیه و چین
در راستای
ایجاد سیستم
پرداخت و
پیام‌رسان مالی
بین بانکی
نشان می‌دهد
که ایجاد یک
سیستم موازی
با سوئیفت
می‌تواند
توجیه‌پذیر باشد



تاثیر بریکس بر تعدیل انتظارات تورمی ایران

- جهت حرکت مبادلات در بریکس باید به حذف دلار ختم شود
- مقدمات نقش آفرینی مثبت بین‌المللی کشورمان در قالب بریکس، فراهم شد



حسین سلیمی /

رئیس انجمن سرمایه‌گذاری خارجی ایران

قرار است یک ارز مشترک در بریکس نهایی شود و در این راستا باید صبر کرد تا مشخص شود که این ارز مشترک چگونه بین کشورها به نتیجه می‌رسد

رویکرد فراهم شده است و امیدوارم که نتایج آن نیز برای اقتصاد کشورمان مثبت و موثر باشد. یکی از راهکارهای بسیار درست برای کمک به اقتصاد کشورمان این است که ایران به بانک توسعه نوین بریکس ملحق شود. در حقیقت با پیوستن ایران به این بانک مهم و ایجاد شعب بانکی آن در کشورمان، نقل و انتقال پولی و مالی در داخل این سیستم خیلی آسان و روان خواهد بود و مشکلات در این حوزه از پیش روی فعالان اقتصادی کشورمان برداشته می‌شود.

به بیان دیگر، حداقل بین کشورهای عضو بریکس، نقل و انتقالات پولی از طریق سیستم بانکی مورد اشاره، به خوبی انجام می‌شود و برای بخش خصوصی کشور کاربرد خواهد داشت و در کل یک اقدام مثبت و خوبی برای فضای اقتصادی کشورمان است. باید در نظر داشت که حضور ایران در این گروه، با چند کشور کلان و مطرح دنیا، جای خوشبختی و خوشحالی برای ما دارد.

یکی دیگر از دستاوردهای مهم عضویت ایران در گروه بریکس، به کاهش انتظارات تورمی در سطح جامعه بازمی‌گردد. زیرا فضای جامعه، آینده اقتصادی را می‌بیند و متوجه می‌شود که قرار است که اتفاقات مثبتی رخ دهد. به بیان دیگر، وقتی یک دریاچه مثبت اقتصادی باز می‌شود، قطعاً شاهد اثرات مثبت آن اقدام در بلندمدت خواهیم بود، زیرا ایجاد امیدواری بین تجار و فعالان اقتصادی باعث می‌شود که اثرات و نتایج مثبت را در آینده شاهد باشیم. آنچه اهمیت دارد این است که وقتی ایران عضو یک گروه مهم بین‌المللی شود، به تهنایی اثرات مثبتی بر تعدیل انتظارات تورمی خواهد داشت.

اصولاً حضور ایران در هر محمل قانونی بین‌المللی همچون بریکس، یک دستاورد خوبی برای اقتصاد کشورمان است و می‌تواند به تقویت فعالیت‌های اقتصادی منجر شود. هرچند باید توجه داشت که به دلیل محدودیت‌ها و مشکلاتی که در این سال‌ها به صورت تحریم بر فضای اقتصادی کشورمان به وجود آمده، باید منتظر ماند و دید که در عمل چه اتفاقاتی می‌افتد.

یکی از بحث‌های مهم در خصوص بریکس، این است که سمت و سوی مبادلات به حذف دلار منجر شود. البته می‌دانیم که در گذشته و در اوپک نیز تصمیماتی مبنی بر حذف دلار گرفته شده بود، ولی به نتیجه مناسبی دست نیافتند. اما باید منتظر ماند و دید که قرار است که چه ارزی را میان کشورهای عضو بریکس رواج دهند تا براساس آن، مبادلات انجام شود. امیدوارم که در این مسیر، شاهد راهگشایی و اقدامات مثبتی بر تقویت تبادلات تجاری و مالی ایران و سایر کشورها باشیم.

گفته شده قرار است یک ارز مشترک در بریکس نهایی شود و در این راستا باید صبر کرد تا مشخص شود که این ارز مشترک در بریکس چگونه بین کشورها به نتیجه می‌رسد. همچنین باید به فکر یک نظام پرداخت برای جایگزینی سوئیفت باشیم تا مشکلات احتمالی در حوزه تبادلات بانکی و مالی در این گروه برطرف شود. باید به سمتی برویم که کشورمان نیز همچون سایر کشورهای عضو بریکس، نقش بین‌المللی را در همه جهات بتواند ایفا کند. خوشبختانه در این مسیر، با حضور در گروه بریکس، مقدمه این

۵۸



اقتصاد

شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲



برگرفته از مطالعه سید کمال طیبی، محمد واعظ برزانی، سیمین اکبری دهباغی
دانشگاه اصفهان

پیامدهای عضویت ایران در پیمان های اقتصادی بزرگ جهان

- جریان تجارت بین الملل به طرز چشمگیری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، گسترش یافته است
- کاهش موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای می تواند انگیزه بیشتری برای برقراری تعاملات اقتصادی بین کشورها ایجاد کند

۵۹



اقتصاد تازهها

● شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ ●

برای کشورهای
در حال توسعه
که آمادگی
ورود ناگهانی
به تجارت
آزاد را ندارند
منطقه‌گرایی
می‌تواند
راهی موثر
برای گشودن
تدریجی
اقتصادهای
ملی این
کشورها و
یکپارچگی
آنها در اقتصاد
جهانی باشد

یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در عصر حاضر، وابستگی اقتصادی تعاملی کشورها به یکدیگر است که به شدت در حال گسترش است. این وابستگی که از طریق جریان‌های تجاری شکل می‌گیرد، می‌تواند در نتیجه سیاست‌ها و تصمیمات دولت‌ها یا متأثر از عوامل داخلی در ساختارهای اقتصادی هر کشور باشد. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی کشورهای همسایه و حتی دوردست تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به همین دلیل، کشورها تلاش می‌کنند تا موانعی که ممکن است تجارت بین‌المللی را محدود کند و تأثیر منفی بر اقتصاد ملی خود داشته باشد را کاهش دهند. به این ترتیب، کشورهای در حال توسعه از عضویت در توافقات اقتصادی مختلف، به عنوان پلی برای ورود به بازار جهانی و هماهنگی با روند جهانی شدن اقتصاد، استفاده می‌کنند.

هدف این مطالعه بررسی تأثیر تشکیل یک پیمان تجاری منطقه‌ای شامل ایران و کشورهای خاورمیانه، بر گسترش روابط تجاری و همگرایی درآمدی این کشورها است. بدین منظور از یک مدل جاذبه تجاری استفاده شده است، که امکان برآورد جریان‌های تجاری دوجانبه را با به‌کارگیری عوامل موثر اقتصادی و غیراقتصادی هر جفت شریک را دارد. این عوامل و ویژگی‌ها شامل ساختار اقتصادی، سطوح روابط سیاسی و مراودات فرهنگی، دین، خط و زبان، شاخص توسعه انسانی، فاصله جغرافیایی و همچنین عامل یکپارچگی کشورهای مورد نظر که در قالب یک اتحادیه منطقه‌ای قرار گیرند، است.

به منظور دستیابی به هدف این مطالعه و با توجه به عوامل موثر بر تجارت، تأثیر تشکیل اتحادیه تجاری بر گسترش روابط تجاری ایران به دو شکل مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ابتدا، با فرض یک همکاری منطقه‌ای فرضی، روابط تجاری بین ایران و شرکایش مورد بررسی و برآورد قرار می‌گیرد. در سناریوی دوم، تأثیر روابط تجاری بر کاهش شکاف درآمدی میان شرکا مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. به این منظور، از یک مدل جاذبه تجاری در بازه زمانی یازده ساله از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ استفاده شده است. این مدل با طراحی مناسب، تأثیر منطقه‌گرایی بر جریان تجاری در اتحادیه مذکور را آزمون می‌کند. روش برآورد مدل در این مطالعه بر مبنای داده‌های تابلویی بوده که به نظر مناسب‌ترین روش برای

ارزیابی مدل است.

در علم اقتصاد، اهمیت تجارت خارجی در فرآیند توسعه اقتصادی به وسیله تأثیرگذاری صادرات بر انواع متغیرهای اقتصادی در سطوح خرد و کلان به روش‌های گوناگون تبیین شده است. به تفصیل اقتصاددانان توسعه، اهمیت گسترش صادرات واقعی را مورد تأکید قرار داده‌اند، که جامعه از این توسعه، منافع قابل توجهی را به دست خواهد آورد. از منظر مطالعات صورت گرفته، مزایای گسترش صادرات به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

• **باز بودن اقتصاد:** باز بودن اقتصادها و وجود ارتباطات جهانی، به تبع آن انتقال ایده‌ها و روش‌های نوین تولید را تسهیل می‌کند. این موضوع باعث تشدید رقابت و افزایش کارایی در تولید و خدمات می‌شود.

• **توانایی کشورهای کوچک در مواجهه با محدودیت‌ها:** توسعه صادرات برای کشورهای کوچک امکانات بیشتری را جهت مقابله با محدودیت‌های بازار فراهم می‌کند و از تخصص‌های موجود در این کشورها بهره‌برداری می‌کند.

• **کاهش محدودیت‌های ارزی:** افزایش صادرات به عنوان منبع درآمد ارزی کشورها به طور موثری به کاهش محدودیت‌های ارزی و افزایش دسترسی به ارز کمک می‌کند.

• **اثرات جانبی مثبت در ساختار اقتصادی کشور:** توسعه صادرات تأثیرات جانبی مثبتی بر ساختار اقتصادی کشور می‌گذارد که می‌تواند به بهبود و تنظیم اقتصادی کمک کند.

در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی، تأثیر جنگ سرد و دوقطبی شدن اقتصادی-سیاسی جهان، باعث پیدایش جریان منطقه‌گرایی شد. در این دو دهه، شکل‌های منطقه‌ای بیشتر با هدف‌های سیاسی - امنیتی تشکیل می‌شدند تا اینکه به دنبال هدف‌های اقتصادی و تجاری باشند. در اواخر دهه ۷۰، پس از سیاست‌های حمایتی و تعرفه‌های سنگین دهه‌های قبل، سیاست‌های تجاری برون‌گرایانه به میان آمد و در دهه ۸۰ ترتیبات تجاری منطقه‌ای مهمی شکل گرفتند.

در دهه‌های اخیر، جریان تجارت بین‌الملل به طرز چشمگیری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه گسترش یافته است. در این دوره، فشار عوامل اقتصادی و رشد قابل توجه تکنولوژی‌های ارتباطی، نوع جدیدی از مناسبات تجاری میان کشورها و مناطق مختلف جهان را به وجود آورده است. به علاوه، برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود

مشارکت ایران
در ادغام‌های
اقتصادی
و پیگیری
سیاست‌های
تجاری ترجیحی
و آزادسازی
روابط با
کشورهای
منطقه
خاورمیانه
و همجوار
می‌تواند یک
کانال مناسب
برای توسعه
روابط تجاری
باشد

نتیجه به دست‌آمده نشان می‌دهد که در تجارت میان کشورهایی که شاخص توسعه انسانی مشابهی دارند، امکان همگرایی بیشتر در درآمد سرانه وجود دارد. در این زمینه، مشاهده می‌شود که کشورهایی با شاخص توسعه انسانی مشابه، از مزایای بیشتری در ایجاد توازن در درآمدهای سرانه فردی بهره‌مند می‌شوند. در این مطالعه، متغیر خط و زبان مشترک به عنوان یک عامل مهم در تشکیل روابط تجاری تأثیر چندانی نداشته و در ایجاد همگرایی میان شرکای تجاری نیز اثر معنی‌داری از خود نشان نداده است.

بر اساس نتایج به دست‌آمده، وجود واگرایی‌های درآمدی بین ایران و شرکای تجاری آن، که گاهی موجب عدم تعمیق روابط تجاری بین آنها شده است، معمولاً به عدم تنوع مناسب در جریان‌های تجاری و ساختار نامناسب بخش تجاری غیرنفتی کشور برمی‌گردد. در واقع، نبود تنوع کافی در نوع کالاها و خدمات معرفی شده به بازارها و همچنین وجود مشکلاتی در ساختار بخش تجاری غیرنفتی کشور ممکن است منجر به ایجاد واگرایی‌های درآمدی شود.

برای حل این مشکلات و تعمیق روابط تجاری، مشارکت ایران در ادغام‌های اقتصادی و پیگیری سیاست‌های تجاری ترجیحی و آزادسازی روابط با کشورهای منطقه خاورمیانه و همجوار، می‌تواند یک کانال مناسب برای توسعه روابط تجاری باشد. این اقدامات می‌توانند منجر به افزایش تنوع تجاری و بهبود ساختار بخش تجاری غیرنفتی کشور شده و در نهایت منجر به کاهش واگرایی‌های درآمدی و تقویت روابط تجاری با شرکای تجاری شود.

• این مطالعه توسط سید کمال طیبی، محمد واعظ برزانی، سیمین اکبری دهباغی در دانشگاه اصفهان انجام شده که هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد، برشی کوتاه از آن را منتشر کرده است.

ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند راهی موثر برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و یکپارچگی آنها در اقتصاد جهانی باشد.

نتایج برآورد نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای صادرکننده و واردکننده به ترتیب، منجر به افزایش اختلاف درآمد سرانه بین شرکا به نسبت ۰.۱۷ و ۰.۲۱ درصد می‌شود. به عبارت دیگر، با افزایش قدرت اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، که از ساختارهای مختلفی برخوردار هستند، شکاف درآمدی بین آنها نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب جمعیتی که از مدل استخراج شده است، افزایش اندازه بازار در کشورهای شریک، به خصوص در کشورهای صادرکننده، نقش مهمی در ایجاد همگرایی بازی می‌کند. در عین حال، تقاسیر مدل نشان می‌دهد که روابط تجاری، نه تنها منجر به کاهش شکاف درآمدی نمی‌شود، بلکه باعث واگرایی درآمد سرانه ایران و شریکانش به نسبت ۰.۱۲ درصد می‌شود. به منظور تبیین این امر با اشاره مجدد به مطالب ذکر شده قبلی، در خصوص نوع ساختار اقتصادی ایران و تأثیر آن بر جریان‌های تجاری کشور، می‌توان بیان کرد که به دلیل اینکه بخش عمده درآمد ملی از نفت و محصولات مرتبط با آن تامین می‌شود، تأثیر صادرات غیرنفتی در همگرایی درآمد سرانه با شرکای تجاری بسیار کمتر و حتی برخلاف آن، واگرایی را ایجاد می‌کند.

همچنین، درجه باز بودن اقتصادی، تأثیر مثبتی در کاهش شکاف درآمدی دارد. به این معنا که کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای می‌تواند انگیزه بیشتری برای برقراری تعاملات اقتصادی بین کشورها ایجاد کند و با ایجاد چنین تعاملاتی، امید به همسویی اقتصادی و نزدیک شدن درآمدهای سرانه کشورها تقویت شود.

فرش قرمز بریکس برای فعالان اقتصادی

- کشور ما می‌تواند با یوان چین و ارزهای دیگر کشورهای بریکس، معاملاتی دوجانبه داشته باشد
- ایجاد سازوکارهای بین‌المللی مالی جدید به همکاری تمام کشورها نیاز دارد



علی اکبر فرازی /

سفیر اسبق ایران در رومانی، مجارستان و قبرس

البته این مشوق برای بخش دولتی هم کاربرد دارد، زیرا می‌تواند در بازارهای دیگر کشورها به عنوان عضو بریکس حضور فعال‌تری را نشان دهد. بنابراین حضور در گروه بین‌المللی می‌تواند آثار و تبعات مثبتی برای ایران به همراه داشته باشد، به شرط آنکه آگاهانه عمل شود که برای آن دارا بودن از علم کافی در این خصوص قدم اول به حساب می‌آید، به صورت کلی، اتفاق مبارکی است به شرط آنکه در چارچوب‌های مبادلات بین‌المللی کار بایده، بستان پیش برود. همان‌طور که اشاره شد، حضور در بریکس مانند تمام مجموعه‌های چندجانبه دیگر مفید واقع خواهد شد، اما باید نکاتی را در این رابطه مورد توجه قرار داد. ابتدا توقع خود را از حضور در سازمان‌های چندجانبه باید مشخص کرد و با برداشتی واقع‌بینانه گام‌ها را به جلو برد. معمولاً برخورد ما با پدیده‌ها به دو گونه است. گاهی رفتار احساسی و ژورنالیستی از خود بروز می‌دهیم و عواطف را در آن دخیل می‌کنیم و گاهی هم با منطق پیش می‌رویم.

پذیرش ایران برای عضویت در بریکس یا هر سازمان و مجمع بین‌المللی و چندجانبه‌ای مفید و درخور تحسین است. ذات اینکه به طرف عضویت در سازمان‌های چندجانبه حرکت کنیم، خصوصاً در رابطه با اقتصاد کشور اقدامی مثبت به حساب می‌آید و باید آن را به فال نیک گرفت. بریکس یک گروه بین‌المللی در حال توسعه محسوب می‌شود که به لحاظ پراکندگی جغرافیایی تقریباً از تمام قاره‌های جهان، کشورهایی را به عنوان عضو پذیرفته است. یکی از مهم‌ترین مزایای آن برای کشور ما قرار گرفتن در جمع کشورهایی است که به لحاظ سیاسی و بین‌المللی در حال توسعه هستند، این موضوع خود به تنهایی مشوقی خواهد شد تا موانع دست‌وپاگیر رشد و توسعه از جلوی پای فعالان اقتصادی برداشته شود و زمینه حضور بیشتر در بازارهای جهانی فراهم آید.



یکی از
مهم‌ترین
مزایای بریکس
برای کشور ما
قرار گرفتن
در جمع
کشورهایی
است که به
لحاظ سیاسی
و بین‌المللی
در حال توسعه
هستند



بر این نکته تأکید داشته که ایران مشکل برجام را برطرف سازد، بنابراین باید در نظر داشت، برداشتن این موانع از سوی ایران می‌تواند حضور کشور در گروه‌هایی مانند بریکس و سازمان‌های چند جانبه بین‌المللی را تسریع بخشد.

البته نظراتی درباره پیام‌رسان مالی جایگزین سوئیفت به نام‌های مختلف مطرح شده و در اجلاس‌های قبلی هم صحبت از ایجاد سازوکارهای جدید به میان آمده بود. اینکه کشورها تلاش می‌کنند تا از زیر سلطه دلار خارج شوند، امر خوبی است، اما واقع بینانه آن این است که ایجاد سازوکارهای بین‌المللی مالی جدید به همکاری تمام کشورها نیاز دارد و این کشورها باید آن را فراهم سازند که در کوتاه‌مدت هم ممکن نمی‌شود.

در کنار این مسئله، یکی از مباحثی که درباره بریکس مطرح است، بحث انرژی است. نفت و گاز سازوکار خود را دارد و در اوپک سقف تولید تعیین شده که بر اساس آن می‌توان اقدام کرد، کسی هم نمی‌تواند سقف تولید ما را به اجبار کاهش یا افزایش دهد، در صورتی که مشتری‌های جدیدی جذب شوند، این حق را دارا هستیم که بر اساس سقف تولید و طبق چارچوب اوپک پیش برویم، اما موضوع تحریم‌ها بحثی است که باید مورد توجه قرار گیرد. درباره بانک توسعه بریکس هم به همین شکل باید مطرح کرد که بانک‌ها باید مستقل باشند تا بتوانند در چارچوب هزینه و فایده خود عمل کنند. قاعدتاً بانک توسعه نیز همین روال را در پی می‌گیرد. بانک‌ها نمی‌توانند نگاه سیاسی به کار داشته باشند، صرفاً با نگاه اقتصادی پیش می‌روند که موضوع هزینه و فایده بسیار مورد توجه است، پس در کارهای سودآور قطعاً وارد خواهند شد.

واقعیت این است که بریکس مجموعه مهمی محسوب می‌شود و همانطور که اشاره کردم کشورهای در حال توسعه پُراهمیتی مانند چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی در آن فعالیت دارند. این کشورها دارای اقتصادهای شکوفایی هستند که شرایط آنها روز به روز بهتر می‌شود، پس حضور ما در کنار آنها به تعریف سازوکار مناسبی نیاز دارد تا این قدم مثبت همراه با دستاورد باشد، زیرا این مهم با نوشتن انشا به دست نخواهد آمد. نکته دیگر این است که بریکس مجموعه یکدستی نیست و دسترسی به یک منشور واحد از سوی تمامی اعضا زمان‌بر خواهد بود. در برخی از رسانه‌ها بحث دلارزدایی مطرح می‌شود و این را امر مبارکی می‌بینند، اما واقعیت این را می‌گوید که ما در زمینه ارتباطات دو یا چند جانبه با ارز محلی به مقدار محدودی می‌توانیم معاملات داشته باشیم، اما به معنای آن نیست که جایگزین ارز بین‌الملل شوند. سهم دلار در سبد پرداخت بین‌المللی طبق آمار سازمان اقتصادی بین‌المللی به ۴۶.۵ درصد رسیده، این در حالی است که در همان مدت سهم یورو ۲۴ درصد کاهش داشته و فراموش نکنیم که سهم یوان در پرداخت‌های سوئیفت و در بهترین حالت آن فقط ۳ درصد بوده است.

البته کشور ما می‌تواند با یوان چین و ارزهای دیگر کشورهای بریکس معاملاتی دو جانبه داشته باشد، اما در سطح معاملات بزرگ چه عضو بریکس باشیم و چه نباشیم، چاره‌ای جز اتصال به سوئیفت نداریم. بانک مرکزی به درستی می‌داند که با آمار و ارقام نمی‌توان شوخی کرد. به یاد داشته باشیم که هموار کردن سازوکارها در بند ۲۱ بیانیه پایانی بریکس که از ایران دعوت به عمل آورده،





برگرفته از مطالعه رضا و خلیل سعیدی و علی دهقانی دانشگاه آزاد تهران جنوب

امکان سنجی فرصت‌های اقتصادی ایران در بریکس

- جهانی شدن فضای اقتصادی داخلی و خارجی، کشورها را برای حضور رقابتی در بازارهای جهانی آماده کرده است
- همکاری‌های منطقه‌ای و روند کنونی اقتصاد جهانی نقش مهمی در حضور گسترده کشورها در صحنه بین‌المللی در جهت یکپارچگی اقتصادی دارد

۶۴



اقتصادنا

● شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ ●

گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد موجب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت کسب منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه و به خصوص ایران برخوردار شود. همراهی ایران با سایر کشورها، زمینه‌های لازم برای تجارت و هم‌گرایی اقتصادی را فراهم کرده است. در این مطالعه، فرصت‌های هم‌گرایی تجاری ایران با کشورهای عضو پیمان بریکس در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، با استفاده از آمارهای جهانی و بانک اطلاعات تجاری بانک جهانی (Wits)، از طریق شاخص‌های اندازه‌گیری مزیت نسبی، پتانسیل تجاری و تجارت مکملی در صادرات و واردات در سطح بین‌الملل بررسی شده است. لذا از شاخص‌های درایسدل برای تجارت مکملی، روش پیشنهادی آنکند برای محاسبه شاخص پتانسیل تجاری (POT) و از شاخص مزیت نسبی (RCA) برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

امروزه جهانی شدن فضای اقتصادی داخلی و خارجی، کشورها را برای حضور رقابتی در بازارهای جهانی آماده کرده است که به تبع آن، تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند مجال بقا خواهند داشت. از جمله ویژگی‌های جهانی شدن هم‌گرایی اقتصادی، ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است. همکاری‌های منطقه‌ای و روند کنونی اقتصاد جهانی، نقش مهمی در حضور گسترده کشورها در صحنه بین‌المللی در جهت یکپارچگی اقتصادی دارد، اما برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی لازم برای ورود فوری و ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای موثرترین راه حل برای تقویت تدریجی اقتصاد این کشورها و حضور فعال آنها در اقتصاد جهانی است. همکاری‌های منطقه‌ای کشورها جهت دستیابی به مزیت رقابتی در بازار جهانی است تا موانع تجاری و اقتصادی را در مقیاس کوچک‌تر (مقیاس منطقه‌ای) رفع کنند.

در اقتصادهای برنامه‌ریزی شده، مبنای تقسیم‌بندی مناطق تجاری، درجه کارایی و میزان رشد کل اقتصاد است. موفقیت کشورها در قالب همکاری‌های منطقه‌ای، زمینه‌های

لازم را برای حضور فعال در تجارت بین‌الملل و تشکیل بلوک‌های تجاری که زمینه‌ساز توسعه روابط تجاری همگام با اقتصاد جهانی است، فراهم می‌کند. حذف موانع تعرفه‌ای و سایر موانع گمرکی و نیز برداشتن موانع انتقال سرمایه و تکنولوژی موجب می‌شود که بلوک‌های تجاری به صورت فعال در اقتصاد بین‌الملل حضور داشته باشند. از آنجایی که بیش از نیمی از تجارت جهانی در قالب بلوک‌های تجاری انجام می‌شود و نیز تعداد موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی رو به افزایش است، لذا دو گروه از موافقت‌نامه‌ها شکل گرفته‌اند که گروه اول موافقت‌نامه‌های بین کشورهای غیرهمجوار است و گروه دوم موافقت‌نامه‌های بین شرکای تجاری است که به لحاظ جغرافیایی، در همسایگی یکدیگر قرار دارند.

ترتیبات همگرایی در ادبیات تجارت بین‌الملل به دو طبقه همگرایی عمیق و همگرایی کم‌عمق تقسیم می‌شود. دسته اول شامل اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه اقتصادی و اتحادیه پولی است و دسته دوم نیز شامل موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و مناطق آزاد تجاری است. ایران از لحاظ موافقت‌نامه‌های بین شرکای تجاری همسایه (گروه دوم) که به لحاظ فرهنگی و اقتصادی با ایران در یک سطح قرار دارند، در بلوک‌های اقتصادی مانند سازمان همکاری اقتصادی (ECO)، گروه D۸ و سازمان همکاری اسلامی (OIC) حضور فعال دارد، اما اگر ایران بتواند با کشورهای عضو پیمان بریکس (BRICS) که به درجه بالایی از توسعه یافتگی دست یافته‌اند نیز موافقت‌نامه تجارت ترجیحی منعقد کند، از لحاظ ساختار موافقت‌نامه جز گروه اول قرار می‌گیرد. کاهش موانع تجاری به ویژه تعرفه‌های تجاری و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه روابط تجاری با کشورهای هدف و تشکیل بلوک تجاری که زمینه‌های لازم برای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی است را تحقق بخشیده و حضور در این گروه، الگویی مناسب برای ایران در جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است.

ایران به دلیل در اختیار داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و انواع فلزات و نیز به دلیل اینکه در مسیر مواصلاتی بین‌المللی شرق آسیا و اروپا است، مورد توجه قدرت‌های اقتصادی دنیا قرار گرفته است و لذا عضویت ایران در پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای از طریق روابط اقتصادی بین‌الملل

اگر ایران بتواند
با کشورهای
عضو پیمان
بریکس
(BRICS) که به
درجه بالایی از
توسعه یافتگی
دست یافته‌اند
نیز موافقت‌نامه
تجارت ترجیحی
منعقد کند، از
لحاظ ساختار
موافقت‌نامه
در همگرایی
عمیق قرار
می‌گیرد



ایران به دلیل داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و انواع فلزات و نیز به دلیل اینکه در مسیر مواصلاتی بین‌المللی شرق آسیا و اروپا است مورد توجه قدرت‌های اقتصادی دنیا قرار گرفته است

مفید باشد، چرا که در چارچوب چنین تشکلهایی، موانع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌شود و دسترسی به بازارهای بزرگتر فراهم می‌شود.

بیشترین تمرکز کشورهای عضو پیمان بریکس (که از لحاظ اقتصادی دارای ساختار مشابه هستند) بر موضوعاتی نظیر روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان است و به دلیل رشد اقتصادی پُرشتاب و نفوذ تاثیرگذار بر امور جهانی از دیگر کشورها متمایز هستند. تعامل ایران با کشورهای عضو بریکس به خصوص چین و هند (که جز شرکای مهم تجاری ایران محسوب می‌شوند) زمینه رشد اقتصادی ایران و حضور در عرصه تجارت جهانی را فراهم می‌کند. دلیل مناسب بودن تجارت ایران با کشورهای مذکور هم از لحاظ الگو بودن و جایگاه آنها در تجارت ایران و هم از لحاظ همخوانی شرایط اقتصادی ایران با این کشورها است.

از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، سهم گروه بریکس از GDP جهان در سال ۲۰۱۱ در حدود ۱۴٫۵ درصد (۶۱۵۳ میلیارد دلار) و ارزش GDP ایران در حدود ۰٫۳۷ درصد (۱۵۸ میلیارد دلار) بوده است. همچنین در بین کشورهای عضو بریکس از لحاظ شاخص توسعه انسانی، روسیه با کسب ارزش ۰٫۷۵۵ و رتبه ۶۶ بهترین جایگاه و از لحاظ شاخص آزادی اقتصادی، کشور آفریقای جنوبی با کسب رتبه ۷۴ بهترین جایگاه را در اختیار دارند. از لحاظ تجارت نیز ارزش صادرات جهانی کشورهای گروه بریکس در مجموع ۳۰۶۶ میلیارد دلار بوده که بیشترین صادرات جهانی با رقم ۱۸۹۸۰۴ میلیارد دلار متعلق به کشور چین است که ۱۴۰۸ میلیارد دلار با ایران و ۱۳۴۰۶ میلیارد دلار آن با کشورهای عضو بریکس بوده است. از ۱۳۰ میلیارد دلار تجارت ایران

در حدود ۸۰۳ میلیارد دلار آن از طریق تجارت با کشورهای عضو بریکس حاصل شده است. ارزش واردات جهانی کشورهای گروه بریکس در حدود ۲۸۳۸ میلیارد دلار است که چین با ۱۷۴۳۰۴ میلیارد دلار بیشترین واردات را داشته است و از این مقدار حدود ۳۰۰۳ میلیارد دلار از ایران و در حدود ۱۴۸۰۲ میلیارد دلار از کشورهای عضو بریکس واردات داشته است. میزان واردات ایران نیز در حدود ۶۸ میلیارد دلار بوده که ۹۰۶ میلیارد دلار آن از کشورهای عضو بریکس بوده است.

نتایج مطالعه بیانگر آن است که سهم کشورهای گروه بریکس از سرمایه‌گذاری مستقیم حدود ۲۰ درصد و سهم ایران در حدود ۰٫۰۵ درصد بوده است. از لحاظ شاخص‌های اجتماعی، ایران نسبت به کشورهای بریکس وضعیت مناسب‌تری داشته، در حالی که از لحاظ شاخص‌های فضای کسب و کار، آزادی اقتصادی و رقابت‌پذیری وضعیت برعکس بوده است. همچنین شاخص تجارت مکتبی در صادرات ایران بیشتر از یک بوده که این موضوع بیانگر آن است که کالاهای صادراتی ایران با کالاهای وارداتی کشورهای بریکس مشابه بوده‌اند و بیشترین تشابه بین کالاهای صادراتی ایران و کالاهای وارداتی هند است. در واقع، ایران شرایط لازم جهت همگرایی اقتصادی با کشورهای عضو پیمان بریکس را به طور نسبی دارد و می‌تواند با ایجاد زیرساخت‌ها و تقویت توان تولیدی، میزان تجارت با این کشورها را افزایش دهد. البته موفقیت در همگرایی بین کشورها، فرآیندی زمان‌بر و پیچیده است و به میزان وسعت دسترسی به بازارها بستگی دارد.

این مقاله برشی کوتاه از مطالعه رضا و خلیل سعیدی و علی دهقانی است که در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه آزاد تهران جنوب انجام شده است.

بـرش



آماده‌سازی کشورها برای حضور رقابتی در اقتصاد جهان

امروزه جهانی شدن فضای اقتصادی داخلی و خارجی، کشورها را برای حضور رقابتی در بازارهای جهانی آماده کرده است که به تبع آن، تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند مجال بقا خواهند داشت. از جمله ویژگی‌های جهانی شدن همگرایی اقتصادی، ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است. همکاری‌های منطقه‌ای و روند کنونی اقتصاد جهانی، نقش مهمی در حضور گسترده کشورها در صحنه بین‌المللی در جهت یکپارچگی اقتصادی دارد.





منافع اقتصادی ایران از عضویت در بریکس چیست؟

● حجم تجارت خارجی بریکس طی دو دهه اخیر نزدیک به ۴ برابر شده است

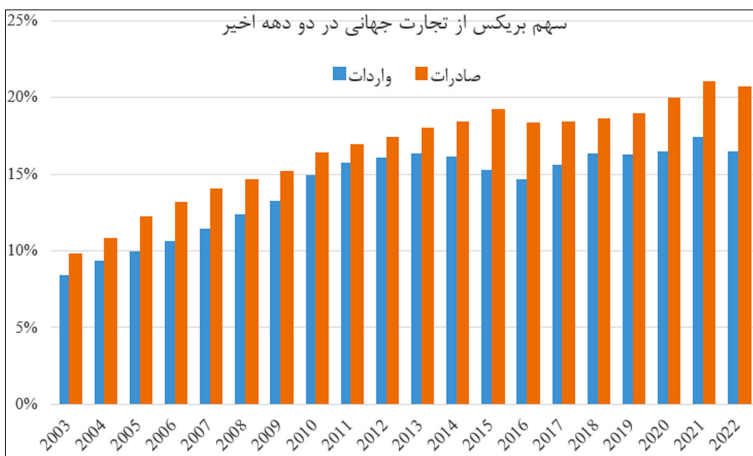
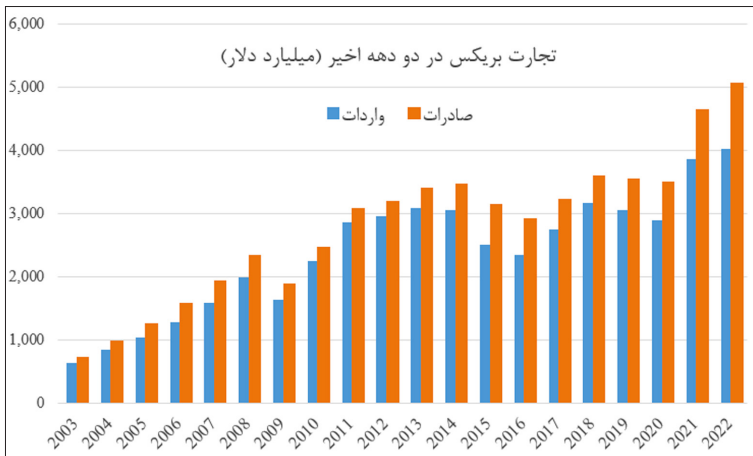
● بریکس در سال اخیر میلادی، توانسته اقتصاد آمریکا را پشت سر گذاشته و نقش پُررنگی در موضوعات اقتصادی جهان ایفا کند

۶۷



اقتصادنا

● شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ ●



نمودار ۱

تجارت بریکس در دو دهه اخیر



نمودار ۲

سهم بریکس از تجارت جهانی در دو دهه اخیر

کرد، هیچ وقت به اندازه امروز در مرکز توجه قرار نداشته است. گذشته از تأثیر خبر عضویت ۶ کشور از جمله ایران در این گروه و بازتاب آن در رسانه‌های جهان، نگاهی به مسیر اقتصاد بریکس طی دو دهه اخیر، چرایی اهمیت یافتن این گروه به ویژه از منظر اقتصادی را نشان می‌دهد.

بررسی آمارهای جهانی از تجارت گروه بریکس نشان می‌دهد، حجم تجارت خارجی بریکس طی دو دهه اخیر نزدیک به ۴ برابر شده است. همچنین سهم تجارت این گروه از کل تجارت دنیا طی دو دهه اخیر تقریباً دو برابر شده و از حدود ۹ درصد در سال ۲۰۰۳ به حدود ۱۸ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. این آمارها نشان می‌دهد نقش گروه بریکس در تجارت

افزایش دو برابری سهم بریکس از تجارت خارجی و رشد سه برابری سهم این گروه از کل تولید ناخالص داخلی جهان، گویای روند پرشتاب نقش آفرینی این گروه در اقتصاد جهان است. روندی که با عضویت ایران در بریکس می‌تواند فرصت‌های بیشماری را در اختیار ایران قرار دهد. فرصت‌هایی که البته بهره‌مندی ایران از آن، مشروط به حل برخی مسائل ساختاری اقتصادی و اتخاذ تدابیر دیپلماتیک و همچنین کمتر شدن اختلافات میان برخی اعضای این گروه از جمله چین و هند است.

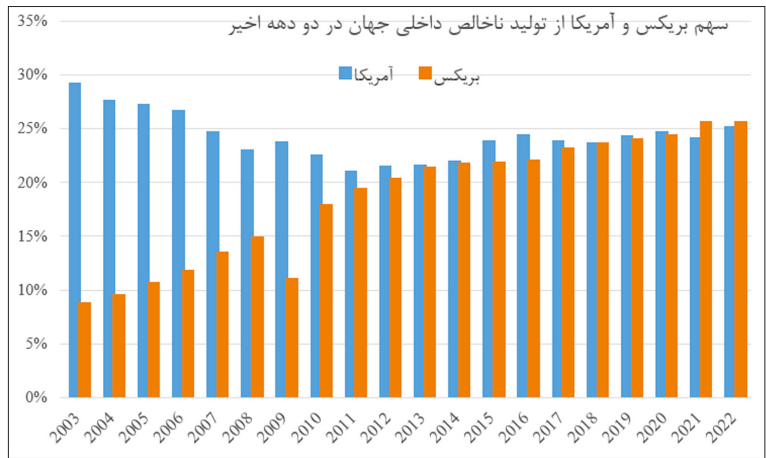
گروه اقتصادی بریکس که پانزدهمین نشست سران را در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی برگزار

۶۸



اقتصاد

شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲



نمودار ۳
سهم بریکس و آمریکا از تولید ناخالص داخلی جهان در دو دهه اخیر

به شرایطی است. یکی از مهم‌ترین آنها، آمادگی ایران و همراستا شدن ساختارهای اقتصادی برای بهره‌مندی حداکثری از این فرصت‌هاست. نکته دیگر، هماهنگ‌تر شدن اعضای بریکس و کاهش اختلافات به ویژه میان دو عضو پُرجمعیت این گروه یعنی چین و هند است. با برطرف شدن و حتی کاهش مشکلات در این دو حوزه، منافع اقتصادی ایران از پیوستن به بریکس چشمگیر خواهد بود. بدیهی است صرف پیوستن به بریکس بدون تدوین برنامه و اجرای اصلاحات ساختاری اقتصادی، بهره‌مندی اقتصادی از این گروه را تضمین نمی‌کند. از همین رو، اکنون ایران در موقعیتی است که برای بهره‌مندی از مواهب اقتصادی پیوستن به این گروه، باید ابتدا اهداف اصلی اقتصادی خود از پیوستن به این گروه را تعریف کرده و سپس متناسب با این اهداف، تدابیر اقتصادی و البته دیپلماتیک خاصی را به اجرا بگذارد.

جهان افزایش چشمگیری داشته است. (نمودار ۲)

بررسی بزرگی اقتصاد گروه بریکس و مقایسه آن با آمریکا، اما نکات جالب‌تری ارائه می‌دهد. طبق آمارهای بین‌المللی، سهم آمریکا از کل تولید ناخالص داخلی جهان از حدود ۳۰ درصد در اوایل قرن ۲۱ به حدود ۲۵ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته است. در همین مدت، اما سهم گروه بریکس از تولید ناخالص داخلی جهان از حدود ۹ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۲۵٫۷ درصد در سال ۲۰۲۲ رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد بریکس در سال اخیر میلادی، توانسته اقتصاد آمریکا را پشت سر گذاشته و نقش پُررنگی در موضوعات اقتصادی جهان ایفا کند. (نمودار ۳)

در چنین شرایطی، فرصت‌های اقتصادی پیش روی ایران با عضویت در بریکس به وضوح قابل درک است. با این حال، بهره‌مندی ایران از فرصت‌های اقتصادی این گروه، مشروط



آماده‌سازی اقتصاد ایران برای استفاده از ظرفیت بریکس

فرصت‌های اقتصادی پیش روی ایران با عضویت در بریکس به وضوح قابل درک است. با این حال، بهره‌مندی ایران از فرصت‌های اقتصادی این گروه، مشروط به شرایطی است. یکی از مهم‌ترین آنها، آمادگی ایران و همراستا شدن ساختارهای اقتصادی برای بهره‌مندی حداکثری از این فرصت‌هاست.



واکنش رسانه‌های خارجی به حضور ایران در بریکس

در ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان هستند. این اتحادیه، کشوری به دیگری برتری ندارد، این یک مشارکت متفاوت، منحصر به فرد و فراگیر است. بسیاری از کشورهای که مواد خام تولید می‌کنند، حتی با ارزش خود معامله نمی‌کنند. چرا این کشور نباید با ارزش خودش تجارت کند و به بازار جهانی کالا بفروشد که به نفع کشور خودش هم باشد؟ حداقل بریکس نگاه تازه به استقلال و حاکمیت کشورها دارد و مدت‌هاست که از شروع کار آن گذشته است.

تقویت چندجانبه‌گرایی

آناناوی افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی را یکی از مزایای عضویت در بریکس خواند و نوشت که این امر

با پیگیری‌های دولت سیزدهم، عضویت ایران در بریکس قطعی شد و ایران به عنوان عضو جدید بریکس معرفی شد. در این زمینه واکنش‌های مثبتی میان رسانه‌های خارجی در مورد عضویت ایران در بریکس وجود داشت، که برخی از آنها به شرح زیر است:

فرصت‌های بی‌شماری برای عضویت بریکس

خبرگزاری دولتی روسیه، راشاتودی به نقل از موگامی، مسئول تجارت کشاورزی آفریقای جنوبی، عنوان کرد: عضویت در بریکس فرصتی برای "خروج از فضای محدود" نظم جهانی تک قطبی است و بستری را برای کشورهای فراهام می‌کند که نماینده بیش از





موجب همکاری و چند جانبه‌گرایی می‌شود.

تقویت قدرت اقتصادی ایران

برگزاری برنامه هم‌اعلام کرد که عضویت ایران در بریکس برای تقویت قدرت اقتصادی، فرصت خوبی برای این کشور خواهد بود تا توان اقتصادی خود را تقویت کند.

مدرن‌سازی بریکس

سی‌ان‌بی‌سی از قول نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، نوشت: گسترش و مدرن‌سازی بریکس پیامی است که همه نهادها در جهان باید خود را مطابق با زمان تغییر دهند.

قدرت‌های نفتی جهان در بریکس

سی‌ان‌ان نوشت عربستان سعودی، امارات و ایران در میان شش کشور به عضویت گروه کشورهای در حال توسعه بریکس به عنوان قدرت‌های نفتی دعوت شده‌اند.

گسترش بریکس

بلومبرگ ۱۹ مرداد در مورد عضویت ایران در بریکس، چنین نوشت: با توجه به برگزاری اجلاس سران به تاریخ ۲۳ تا ۲۴ آگوست (ماه جاری) در آفریقای جنوبی، ایران به دنبال حمایت آفریقای جنوبی

برای تسریع عضویت در بریکس است و می‌گوید که گسترش بریکس این گروه را مستحکم‌تر خواهد کرد.

دومین دارنده ذخایر گاز جهان در بریکس

المانیور به نقل از جیسون برادسکی، محقق موسسه خاورمیانه، نوشت: ایران که دومین ذخایر گازی جهان را در اختیار دارد، برای اولین بار در ماه ژوئن ۲۰۲۲ تصمیم خود را برای پیوستن به اتحادیه بریکس اعلام کرد.

تقویت مکانیسم همکاری اعضای بریکس

الجزیره ذیل تیتیر عربستان سعودی و ایران در میان شش کشور مدعو برای پیوستن به بریکس، عنوان کرد: گسترش اعضای اتحادیه بریکس، نقطه شروع جدیدی برای همکاری بریکس است. این امر به مکانیسم همکاری بریکس نیرو می‌بخشد و نیروی صلح و توسعه جهانی را بیشتر تقویت می‌کند.

اجرای عضویت اعضای جدید بریکس از ابتدای ژانویه ۲۰۲۴

ان‌بی‌سی نیوز ذیل تیتیر گروه اقتصادهای نوظهور بریکس، ۶ عضو جدید شامل عربستان سعودی و ایران را دعوت کرد، چنین نوشت: سیریل رامافوزا، رئیس جمهور آفریقای جنوبی و رئیس کنونی بریکس در سخنرانی منتشر شده در پلتفرم رسانه اجتماعی اکس (توییتر سابق)، اعلام کرد: اتحادیه بریکس متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، قرار است از کشورهای آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای پیوستن دعوت کند. عضویت آنها از اول ژانویه اجرایی خواهد شد. همچنین لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا، رهبر برزیل، نیز خاطر نشان کرد که اکنون بریکس از نظر قدرت خرید به ۳۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و از نظر جمعیت جهان به ۴۶ درصد می‌رسد. درهای بریکس به روی اعضای جدید باز خواهد بود. مانگران درگیری‌های جاری در بسیاری از نقاط جهان هستیم.

ایران، عربستان سعودی و مصر به گروه کشورهای نوظهور پیوستند

نیویورک تایمز با انتشار مطلبی، عنوان کرد: آفریقای جنوبی به عنوان میزبان، طبق روابط دیرینه با تهران، از ورود ایران حمایت کرد.

حمایت علنی اعضای بریکس از رشد فعالیت‌ها

رویترز هم نوشت: در حالی که همه اعضای بریکس حمایت علنی خود را از رشد فعالیت این اتحادیه ابراز کرده‌اند، بین رهبران برسر میزان وسرعت آن اختلاف نظر وجود داشت.

عضویت ایران
آرژانتین
مصر، اتیوپی
عربستان
سعودی و
امارات از اول
ژانویه سال ۲۰۲۴
میلادی، در
بریکس رسمی
خواهد شد



رشد اقتصادهای نوظهور نیازمند حرکت همزمان بازار پول و سرمایه

- مطالعات در کشورهای بریکس نشان داده‌اند که بین توسعه مالی و رشد اقتصادی همبستگی مثبتی وجود دارد
- توسعه همزمان بخش‌های بانکی و بازارهای سهام برای رشد اقتصادی در کشورهای بریکس ضروری است

پیلاب کومار گورو و ایندر سکهار یاداو /

پژوهشگران ارشد موسسه فناوری هند خاراگپور

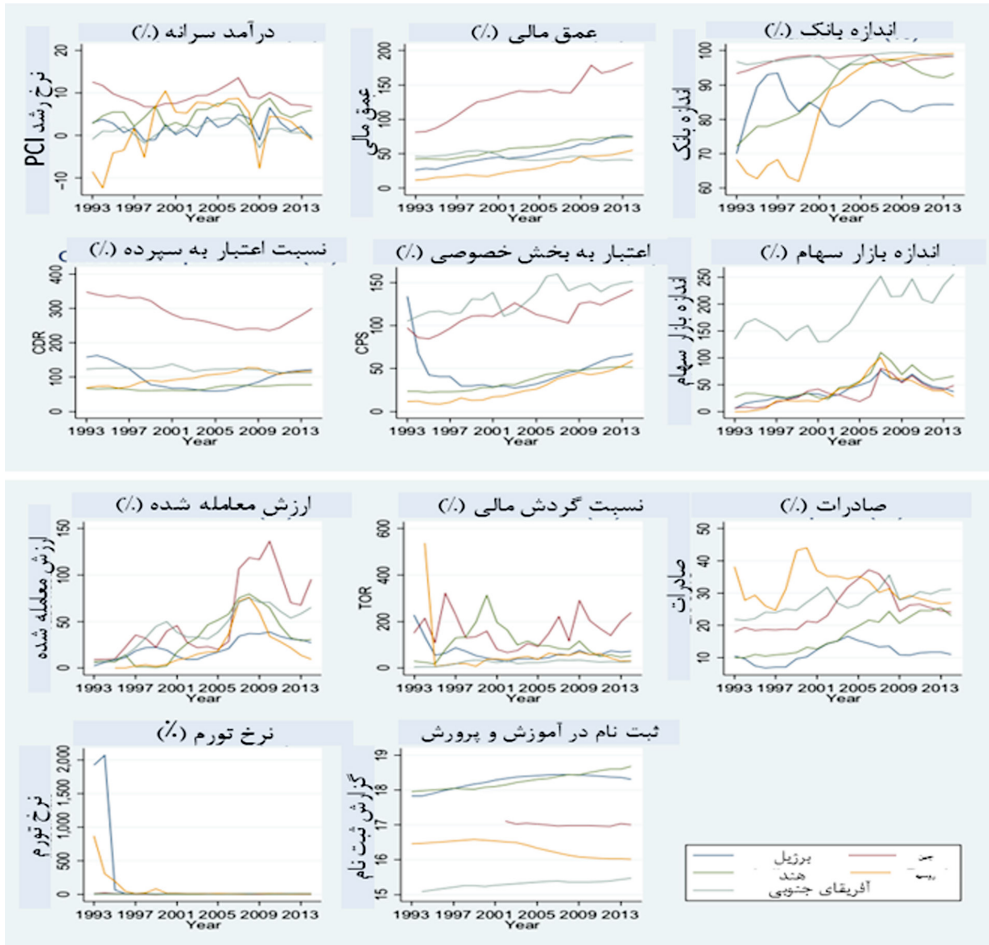


به عنوان توسعه اندازه، کارایی و ثبات بازارهای مالی به همراه افزایش دسترسی به بازارهای مالی تعریف کرد که می‌تواند مزایای متعددی برای اقتصاد داشته‌باشد.

این مقاله رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی را در پنج اقتصاد نوظهور و در حال رشد گروه بریکس (BRICS) یعنی کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی در بازه زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین منظور ابتدا، شاخص‌های کلیدی توسعه مالی و پارامترهای اقتصادی اصلی

رشد یک اقتصاد مستلزم توسعه بخش مالی آن است و توسعه مالی به ترقی و رشد موسسات مالی، ابزارها و بازارهایی اشاره دارد که فرآیند سرمایه‌گذاری و رشد را بهبود می‌بخشد. این بهبود، تخصیص کارآمدتر سرمایه را تسهیل می‌کند و از طریق نوآوری‌ها تغییرات ساختاری را ایجاد می‌کند. توسعه مالی، اطلاعات بهتری در خصوص سرمایه‌گذاری‌های پُرتانسیل فراهم می‌کند و از طریق تشویق به پس‌انداز و تجمیع اطلاعات، هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، توسعه سیستم مالی را می‌توان





شکل ۱

شاخص‌های اصلی توسعه مالی و متغیرهای کلان اقتصادی BRICS



شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲

مرتبط با اقتصاد کشورهای عضو بریکس مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. سپس، با استفاده از روش تعمیم یافته تخمین سیستم گشتاور (SYS-GMM)، ارتباط بین توسعه مالی و رشد اقتصادی از طریق تحلیل داده‌های تابلویی مورد مطالعه خواهند گرفت.

در این مطالعه، از چند شاخص کلیدی توسعه مالی استفاده شده است که هم ارتباط با توسعه بخش بانکی و هم بازار سهام یک اقتصاد را نشان می‌دهند. شاخص‌های مرتبط با توسعه بخش بانکی به شرح زیر هستند:

- **عمق مالی (FDP):** این شاخص نسبت بدهی‌های نقدی بانک به تولید ناخالص داخلی (GDP) را نشان می‌دهد. عمق مالی نشان‌دهنده اندازه واسطه‌گری مالی یک اقتصاد است و به عنوان درصد از GDP اندازه‌گیری می‌شود.
- **نسبت اعتبار به سپرده (CDR):** این شاخص نسبت اعتبار بانکی به سپرده‌های بانکی را نشان می‌دهد. این معیار به عنوان نشانگر ثبات مالی در داخل کشور و نفوذ بانکی به کشور در نظر گرفته می‌شود.
- **اعتبار داخلی به بخش خصوصی (CPS):** میزان اعتبارات اعطاشده توسط نظام بانکی به بخش خصوصی داخل کشور نسبت به تولید ناخالص داخلی برحسب درصد است که به عنوان یک معیار برای توسعه مالی استفاده می‌شود.
- **همچنین، شاخص‌های مرتبط با بازار سهام به شرح زیر هستند:**
- **اندازه بازار سهام (SS):** این شاخص نشان‌دهنده ارزش کل تمام سهام فهرست شده در بازار سهام به نسبت تولید ناخالص داخلی برحسب درصد است.
- **ارزش سهام معامله شده (VT):** یک معیار برای اندازه‌گیری نقدشوندگی در سطح یک اقتصاد که ارزش کل سهام معامله شده در بازار بورس به عنوان

مرتبط با اقتصاد کشورهای عضو بریکس مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. سپس، با استفاده از روش تعمیم یافته تخمین سیستم گشتاور (SYS-GMM)، ارتباط بین توسعه مالی و رشد اقتصادی از طریق تحلیل داده‌های تابلویی مورد مطالعه خواهند گرفت.

در این مطالعه، از چند شاخص کلیدی توسعه مالی استفاده شده است که هم ارتباط با توسعه بخش بانکی و هم بازار سهام یک اقتصاد را نشان می‌دهند. شاخص‌های مرتبط با توسعه بخش بانکی به شرح زیر هستند:

- **عمق مالی (FDP):** این شاخص نسبت بدهی‌های نقدی بانک به تولید ناخالص داخلی (GDP) را نشان می‌دهد. عمق مالی نشان‌دهنده اندازه واسطه‌گری مالی یک اقتصاد است و به عنوان درصد از GDP اندازه‌گیری می‌شود.
- **نسبت اعتبار به سپرده (CDR):** این شاخص نسبت اعتبار بانکی به سپرده‌های بانکی را نشان می‌دهد. این معیار به عنوان نشانگر ثبات مالی در داخل کشور و نفوذ بانکی به کشور در نظر گرفته می‌شود.
- **اعتبار داخلی به بخش خصوصی (CPS):** میزان اعتبارات اعطاشده توسط نظام بانکی به بخش خصوصی داخل کشور نسبت به تولید ناخالص داخلی برحسب درصد است که به عنوان یک معیار برای توسعه مالی استفاده می‌شود.
- **همچنین، شاخص‌های مرتبط با بازار سهام به شرح زیر هستند:**
- **اندازه بازار سهام (SS):** این شاخص نشان‌دهنده ارزش کل تمام سهام فهرست شده در بازار سهام به نسبت تولید ناخالص داخلی برحسب درصد است.
- **ارزش سهام معامله شده (VT):** یک معیار برای اندازه‌گیری نقدشوندگی در سطح یک اقتصاد که ارزش کل سهام معامله شده در بازار بورس به عنوان

توسعه سیستم مالی را می توان به عنوان توسعه اندازه، کارایی و ثبات بازارهای مالی به همراه افزایش دسترسی به بازارهای مالی تعریف کرد

درصدی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می کند. **• نسبت گردش مالی (TOR):** این شاخص نسبت ارزش کل سهام معامله شده به میانگین سرمایه واقعی بازار را نشان می دهد و به عنوان معیاری از نقدینگی مورد استفاده قرار می گیرد.

همچنین، در این مطالعه از برخی متغیرهای کنترلی اقتصاد کلان مانند تورم، صادرات و ثبت نام در دوره متوسطه استفاده شده و متغیر وابسته رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP per capita) است. استفاده از روش SYS-GMM به مدل اجازه می دهد تا بابه کارگیری ابزارهای داخلی، درون زایی متغیرهای توضیحی را کنترل کند و متغیر وابسته تاخیری نیز اثرات ثابت راز بین ببرد. در نمودار زیر، روند تغییرات برای شاخص های مذکور در کشورهای منتخب را مشاهده می کنیم. (شکل ۱)

مشاهده آمار نشان می دهد که تفاوت های قابل توجهی بین کشورها وجود دارد. چین با میانگین نسبت سپرده به اعتبار بیش از ۲۸۰ درصد، بالاترین نرخ را داشته که به طور نمادین ثبات مالی نسبتاً بالا و نفوذ عمیق بخش بانکی را نمایان می سازد. در عین حال، این کشور با میانگین ارزش سهام معامله شده نزدیک به ۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی و نیز با بالاترین نسبت گردش مالی بیش از ۱۶۰ درصد، نشان دهنده نقدینگی قوی و فعالیت فراوان در بازار سهام است.

میزان رشد درآمد سرانه در چین با بیش از ۹ درصد سالانه، بالاترین نرخ را در بین کشورها منتخب دارد. پس از آن، هند با ۵.۲ درصد قرار می گیرد. در دهه ۱۹۹۰، در ابتدا تورم برای برزیل و روسیه بالا بود، اما در سال های بعد کاهش یافت. همچنین، در طول دوره، ثبت نام در مدارس متوسطه در بیشتر کشورها به صورت مداوم افزایش یافته است.

آفریقای جنوبی با بالاترین میانگین اعتبار داخلی ارائه شده به بخش خصوصی، به نسبت تولید ناخالص داخلی با بیش از ۱۳۰ درصد، رتبه برتر را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، در شاخص های توسعه بازار سهام، آفریقای جنوبی با میانگین سرمایه بازار سهام به نسبت تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۸۵ درصد، بالاترین میزان را داشته است.

کارهای تأثیرگذار از شومپیتر، گلد اسمیت، مک کینون و شاول، کینگ و لوین و سایر پژوهشگران، شواهدی را نشان دادند که به ارتباط مثبت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی اشاره می کنند. مطالعات تجربی بعدی با استفاده از داده های بین کشوری نیز این ارتباط را تأیید کرده اند. با این حال، برخی از تحقیقات نشان داده اند که شواهد کمی در رابطه علیت، به ویژه از توسعه مالی به رشد اقتصادی، وجود دارد. برخی دیگر نیز متوجه شده اند که نتایج وابسته به کشورهای

خاصی هستند. همچنین، وقوع بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ و سپس بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، شک و تردیدهایی را در مورد اینکه آیا توسعه مالی به طور ضروری منجر به رشد اقتصادی می شود یا خیر، به وجود آورد. زیرا بازارهای مالی نتوانستند به درستی جریان سرمایه ورودی را به سمت سرمایه گذاری های موثر هدایت کنند.

با این حال، برخی از اقتصاددانان ادعا می کنند که توسعه مالی با منتقل کردن گیرندگان وام از بخش غیررسمی به بخش رسمی، عرضه اعتبار را کاهش داده و به جای ایجاد رشد اقتصادی تأثیر منفی بر آن خواهد داشت، بنابراین، شکست اقتصادها در نظارت و تنظیم بازارهای مالی در حال تحول و ناتوانی در همگام شدن با نوآوری مالی، توسعه محتاطانه و سالم بازارهای مالی را تضمین می کند که ممکن است، پیامدهای جدی برای اقتصاد به عنوان یک کل، به دنبال داشته باشد. در این زمینه، مطالعات در مورد کشورهای بریکس نشان داده اند که بین توسعه مالی و رشد اقتصادی همبستگی مثبتی وجود دارد.

مطالعه حاضر که با استفاده از مدل های پویای سیستم پانل SYS-GMM انجام گرفته است، به چندین نتیجه مهم اشاره می کند. این نتایج نشان می دهند که توسعه همزمان بخش های بانکی و بازارهای سهام برای رشد اقتصادی در کشورهای بریکس ضروری است. با این حال، به نظر نمی رسد که بین توسعه بخش بانکی و بازار اوراق بهادار، ارتباط واضحی وجود داشته باشد. علاوه بر این، ارزش سهام معامله شده با حضور تمامی شاخص های توسعه بخش بانکی، تأثیر مثبت و قابل توجهی بر رشد داشته است.

در مجموع، این تحقیق با استفاده از داده های زمانی از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۴، پیوندهای مثبت قوی میان توسعه مالی و رشد سریع اقتصادی در کشورهای بریکس را تأیید می کند، مانند تئوری ها و مطالعات پیشین، نقش مهمی برای توسعه مالی در تحقق رشد اقتصادی ایفای می کند. قابل توجه است که ارزش سهام معامله شده نیز حتی در حضور تمامی شاخص های توسعه بخش بانکی، تأثیر مثبت و قوی بر رشد اقتصادی دارد. در نتیجه، این نتایج تأکیدی هستند که توسعه همزمان در بخش های بانکی و بازارهای سهام در کشورهای بریکس نقش مهمی در تقویت رشد اقتصادی داشته است.

به طور خلاصه، این مطالعه نشان می دهد که برای رسیدن به رشد پایدار در اقتصادهای نوظهور، توسعه هماهنگ و متوازن بخش های بانکی و بازار سهام ضروری است. سیاست گذاران باید برای دستیابی به حداکثر رشد اقتصادی، توسعه همزمان این دو بخش را مدنظر قرار دهند.

شکست سلطه ۸۰ ساله دلار بر اقتصاد جهان

- بریکس توسط ۵ قدرت نوظهور به وجود آمد و زمینه بسیار آماده‌ای برای بروز برنامه‌های آنان را فراهم ساخت
- بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان را اعضای بریکس تشکیل می‌دهند و حدود ۲۶ درصد تولید ناخالص جهان نیز در دست این کشورها قرار دارد



دکتر محمد باقر بهرامی /

سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان

کشورها استفاده و سوءاستفاده می‌شود. اما، در عمل این مهندسی غربی‌ها بر اساس فلسفه فکری لیبرالیسم و اومانیزم هرچه جلوتر آمد، رنگ باخت. امید مردم دنیا به ناامیدی تبدیل شد و تا جایی پیش رفت که غربی‌ها می‌گویند، آمریکا در حال از دست دادن هژمونی خود در اقصی نقاط دنیا است.

برای شش کشور غرب آسیا لیبی، عراق، سوریه، لبنان، ایران و یمن به گفته آنها خاورمیانه، برنامه‌ریزی کرده بودند که آنها را نابود کنند. با تمام اینها، در این کشورها شکست خوردند و هژمونی مقاومت در منطقه روزبه‌روز قوی‌تر شد و نهایتاً با پاسخ ملت‌ها، دستاوردی نداشتند. پارادایم جهانی در حال تغییر است و در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی،

غربی‌ها و آمریکایی‌ها نظم جهانی را طراحی کردند، به این صورت که بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی برنامه‌ریزی جنگ سرد صورت گرفت که این طراحی و مهندسی برای سلطه آنها بر کل دنیا به کار آمد. یکی از مصادیق بارز آمریکا برای مهندسی کردن سلطه خود در امر اقتصاد، بحث استفاده از دلار بود که با آن بر اقتصاد جهانی مسلط شد و توانست به عنوان یک وسیله و ابزار از آن بهره‌برداری کند و این اواخر هم علیه کشورهای مستقلی که به دنبال منافع و مصالح ملی خود بودند و مبارزه می‌کردند، از آن سود برد. نمونه بارز آنها اعمال تحریم‌ها علیه کشورها بود و بر علیه جمهوری اسلامی ایران هم از این ابزار استفاده کرد. ۸۰ سال سلطه دلار بر اقتصاد جهان حاکم است و از آن برای استثمار



یکی از فواید
بریکس این
است که
می تواند از نظر
اقتصادی بانکی
راداشته باشد
که مبادلات
تجاری با ارزهای
اعضاء صورت
بگیرد که این
مسئله بسیار
کمک کننده
خواهد بود

تکنولوژی و ... جهان از یک پارادایم به پارادایم دیگری منتقل می شود. اینجاست که کشورهای ریشه دار، به دنبال استقلال هستند و زمینه برای آنها در این تغییر پارادایم فراهم است. به این معنا، هندسه نظم بعد از جنگ جهانی دوم از هم پاشیده می شود و هژمونی غربی ها و آمریکایی ها در حال افول قرار دارد. ساختارهای امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ایالات متحده آمریکا فرسوده شده و این در انتخابات دوره قبل ریاست جمهوری آمریکا مشهود بود. آمریکایی که ادعای ابرقدرتی، آزادی خواهی و آزادی را در دنیا داشت، با سرکار آمدن بایدن تیشه به ریشه خود زد. ترامپ چه کار کرد؟ وارد مجلس آمریکا شد و آنجا را به هم ریخت، این نشان می دهد ساختارها در این کشور مخصوصاً در شرایط امروز واقعی نیست، ترامپ اعتراف کرد و گفت نظم و وضع ساختارهای زیربنایی آمریکا در تمام زمینه ها بد است و باید برآن سیفون کشید. دنیا در حال تحولات ساختاری است و زمینه برای کشورهای مستقلی که ریشه، فرهنگ، تمدن و اقتصاد شکوفایی دارند، فراهم شده است. آسیا در هندسه جدید جهانی می تواند در نظمی نوین، بهترین مهندسی را انجام دهد. ایران با تمدن سه هزارساله، با انقلابی که مردم انجام دادند و پای آن ایستادگی کردند، فرهنگ مقاومت و هژمونی هایی همراه با برنامه ریزی های راهبردی که رهبر معظم انقلاب داشتند که نهایت آن تمدن نوین اسلامی است، بسیار تاثیر خواهد داشت. چرا در جنگ روسیه با اوکراین کل ناتو علیه روسیه می جنگد؟ چون اینها در نظم نوین جهانی مهندسی می کنند. بریکس توسط ۵ قدرت نوظهور به وجود آمد و زمینه بسیار آماده ای برای بروز برنامه های آنان را فراهم ساخت. ۴۰ درصد از جمعیت جهان را اعضای بریکس تشکیل می دهند و ۲۵ یا ۲۶ درصد تولید ناخالص جهان نیز در دست این کشورها قرار دارد. از مجموع کشورهایی که تقاضای عضویت در بریکس را داشته اند، یکی ایران بود. ایران نیروی انسانی آموزش دیده دارد، در برخی از شاخه های علم مثل هوا- فضا، نانو و سلامت پیشرفت به دست آورده و به طور نمونه در بحث سلامت می توان به همین موضوع کرونا اشاره کرد که خارجی ها امکاناتی در اختیار ما قرار ندادند، دانشمندان جوانان ایرانی همه نیازها را آماده و حتی صادر کردند و باعث سلامتی برخی از کشورهای دیگر هم شدند. درباره مسئله هسته ای حضرت آقا هم فرمودند که از نظر فقه تشیع، استراتژی ما بمب اتم نیست،

انرژی هسته ای در بسیاری از بخش ها مانند هوا- فضا، سدسازی و بعضی از مسائل سیاسی و اجتماعی به کار می آید. جمهوری اسلامی ایران پتانسیل بسیار بالایی برای مجموعه منسجم بریکس خواهد داشت. ۲۳ کشور تقاضا داشتند، ۶ کشور پذیرفته شدند و مطرح کردند که قدرت بریکس با حضور این ۶ کشور به ویژه ایران افزایش پیدا می کند، آلمانی ها هم عنوان کردند که قدرت چانه زنی بریکس چندین برابر خواهد شد. یکی از فواید بریکس این است که می تواند از نظر اقتصادی بانکی راداشته باشد که مبادلات تجاری با ارزهای اعضا صورت بگیرد که این مسئله بسیار کمک کننده خواهد بود. شاید چینی ها در حال حاضر ۷۰ یا ۸۰ درصد از مبادلات خود را با روبل و یوان انجام می دهند. بریکس می تواند یک بازیگر منسجم بسیار تعیین کننده در نظم نوین جهانی باشد. کشورهای بریکس استقلال دارند و یکی از دلایل استقبال از ایران غیر از پتانسیل های انرژی، نیروی انسانی، شرایط فرهنگی و اقتصادی و استقلال جمهوری اسلامی بود. البته این عضویت برای ما هم سودرسانی دارد و دوطرفه است. ما می توانیم به عنوان یک بازیگر در مهندسی قدرت جهانی به قول آقای «شی» که گفته بود افزایش اعضای بریکس یک امر تاریخی است و قدرت صلح و توسعه جهانی را تقویت می کند، نقش داشته باشیم. دنیا دیگر به تنگ آمده و حتی کشور عربستان هم تقاضای عضویت در بریکس را دارد. امروز تنش بین عربستان و ایران از بین رفته و این دو کشور مسلمان می توانند در بریکس تعیین کننده باشند. بانک توسعه نوینی که در بریکس وجود دارد، توانایی به چالش کشاندن نظم مالی تحت سلطه غربی را دارد، البته در حال حاضر هم این کار را انجام داده است. اعضای بریکس خیلی باید مواظب باشند تا بین آنها اختلافی پیش نیاید، بر همین اساس اعضای اصلی ۷ پیشنهاد مطرح کردند که یکی از آنها توسعه صلح آمیز دنیا با مشارکت استراتژیک اعضای بریکس بود و بازم تاکید شده که دنیا در حال چندقطبی شدن است، این نظر کاملاً صحیح است، بنابراین بر همین اساس پیشنهادهای هفت گانه ای مطرح شد که بر تاسیس یک مرکز هوش مصنوعی و عضویت حداقل ۵ عضو اصلی بریکس در گروه ۲۰ و نقش آفرینی در آن تاکید شده است. موضوع همکاری ها در زمینه هوا و فضا یکی از بحث هایشان است و در همین رابطه پیشنهاد داده اند. علاوه بر این، مسائل پیشنهادی



بانک توسعه
نوینی که در
بریکس وجود
دارد، توانایی به
چالش کشاندن
نظم مالی تحت
سلطه غرب را
دارد



شود، البته ما هم باید هوشیار بوده و در ارائه پیشنهادها پیشگام باشیم و در بریکس و شانگهای فعال پیش برویم.

یکی از اهداف ظالمانه آمریکایی‌ها از تسلط ۸۰ ساله دلار این بود که از آن به عنوان یک سلاح استفاده کند و همین تحریم‌ها بر همین اساس صورت گرفت، تحریم‌ها هم بالاخره تأثیر دارد. در صورتی که معاملات با ارز ملی انجام شود، تحریم‌ها در عمل بی‌تأثیر خواهند شد یا حداقل اثر تحریم‌ها به حداقل می‌رسد و می‌توان با دیگر کشورها با ارز خود (البته در حال حاضر همین کار را با برخی از کشورها انجام می‌دهیم)، معامله کرد که خیلی هم تأثیرگذار است.

کشورهای ایران و عربستان دارای انرژی هستند و می‌توانند از این جهت بریکس را تقویت کنند. انرژی کارآمدی زیادی در دنیا دارد، یکی از دلایل عضویت ایران همین بحث انرژی بود، در خصوص عربستان به همین شکل پیش رفت و جالب است که هر دو کشور با هم عضو شدند. در خصوص تنش‌زدایی بین ایران و عربستان هم دارای برنامه هستیم. این دو کشور می‌توانند در بریکس نقش آفرینی کنند که این امر به توسعه روابط ایران و عربستان نیز کمک می‌کند.

رئیس‌جمهور چین افزایش تعداد کشورهای عضو بریکس را یک حادثه تاریخی عنوان کرد. به این معنا که بریکس از یک موضعی به یک موضع بسیار بالا در حال عبور است و از نظر ساختاری در حال توسعه و رو به پیشرفت قرار دارد. افزایش تعداد کشورهای عضو این ساختار جدید را طراحی می‌کنند، قدم بسیار بزرگی است، یکی از آنها بحث بانک جهانی است. قطعاً تمام اعضای بریکس فکری می‌کنند، پرواز دیگری را با این اعضا خواهند داشت که در آن‌تران تحولات بین‌المللی سریع‌تر رقم می‌خورد.

درباره استفاده ارز ملی در تجارت، ایجاد کمیته حمل‌ونقل و ترانزیت هم خیلی مهم بود که مطرح شد. تمام این موارد نشان می‌دهد، بریکس سکوی پرتاب خود را بالا می‌برد و قدرت دلار در حال کاهش است. چنانچه ارزهای ملی جایگزین شوند و بریکس بتواند ارز جدیدی را طراحی کند، ساختار حاکمیت جهانی متفاوت خواهد شد.

قاعدتاً غربی‌ها، آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها مخالف بریکس هستند و این هم طبیعی است. با توجه به تحول پارادایمی که در جهان حادث می‌شود، نقش بریکس بسیار تعیین‌کننده خواهد بود و انشالله جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران آن خواهد شد. ایران می‌تواند در تحولات جهانی نقش آفرینی داشته باشد و با جمعی که اصول آنها استقلال، صلح، پیشرفت و توسعه با رعایت عدالت است، هماهنگ و همراه باشد. این دستاورد بزرگی برای کشور به حساب می‌آید.

از نظر دیپلماسی هم به همین شکل است، آنهایی که مطرح کردند ایران از تحریم شکست می‌خورد، حالا مشخص شد که تحریم را شکست داده و ضمن اینکه در انزوا قرار ندارد، در ساختاری قرار گرفته که استقبال خوبی از آن صورت گرفته است، زیرا امیدوارند با این عضو ساختار دنیا متحول شود. این موارد برای جمهوری اسلامی ایران بسیار راهبردی است و می‌تواند آنها را در ابعاد سیاسی، امنیتی، توسعه، اقتصاد و تکنولوژی بگنجانند. این امکان برای کشور ما فراهم آمده که تکنولوژی‌های پیشرفته خود را به آنها عرضه و از آنها دریافت نیز داشته باشیم.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با این عضویت، سرعت خود را چنانچه ۳۰ کیلومتر است به ۹۰ کیلومتر تغییر دهد تا در تمام زمینه‌ها بهره‌مند

۷۷



اقتصاد

شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲

بریکس نظام تک قطبی جهان را شکست

● حضور ایران در پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی به عنوان
یک حرکت رو به جلو و مثبت ارزیابی می‌شود



محمد ربیع زاده /

تحلیل‌گر مسائل اقتصادی

مشکلات بنیادی ما باز کند. در این راستا باید ببینیم که در چنین پیمانی، سایر کشورهای جهان از ما چه می‌خواهند و ما از تعاملات با آنها چه منفعت‌هایی کسب می‌کنیم. پس نیاز است که در پیوستن به این پیمان‌ها و پوشش‌های جهانی، منافع ملی را در نظر بگیریم تا دچار خطای محاسباتی نشویم. در مورد بحث دلارزدایی باید توجه داشت که این امر می‌تواند نتیجه عملکرد بریکس باشد و نه هدف آن. اگر اعضای بریکس بخواهند دلارزدایی از تجارت جهانی را به عنوان یکی از اهداف خود دنبال کنند، دچار اشتباه محاسباتی خواهند شد. اما دلارزدایی در افق بلندمدت می‌تواند به عنوان یکی از اهداف این پیمان، نمود پیدا کند.

همچنین بحث دیگر این است که در شرایط جاری آیا این کشورها می‌توانند برای ایجاد یک پول واحد به نتیجه برسند که باید گفت با توجه به ترکیب اعضای این پیمان و تعارضاتی که بین منافع آنها وجود دارد، به نظر تحقق این هدف کار بسیار سختی خواهد بود، زیرا که ایجاد پول مشترک، نیاز به ایجاد ساختارهای مشترک و تقویت منافع مشترک دارد و نیاز است کشورها در خصوص نحوه مبادلات تجاری و پرداخت‌های خود به توافق برسند.

اما اگر نهادهایی مانند بریکس بتوانند شرایط را برای افزایش قدرت خود در عرصه‌های سیاسی ایفا کنند، می‌توانند در راستای از بین رفتن نظام‌های تک قطبی جهانی عمل کنند و وزن خود را در حاکمیت دنیا افزایش دهند.

می‌توان گفت پیوستن ایران به پیمان‌های بین‌المللی و تقویت تعاملات تجاری و سیاسی کشور، به عنوان یک حرکت رو به جلو و مثبت محسوب می‌شود. طی سال‌های اخیر شاهد آن بودیم که ایران با توجه به نیازها و به طور هدفمند در راستای افزایش نقش خود در عرصه‌ها و جنبش‌های سیاسی و اقتصادی همسو با منافع ملی، حضور یافته است. در این راستا پیوستن به پیمان شانگهای که در سال گذشته به طور رسمی اعلام شد، بازآفرینی روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین عضویت در پیمان بریکس، از جمله اقدامات مهم بودند.

اما به طور خاص در مورد بریکس، اگر نگاهی به ترکیب کشورهای عضو این پیمان بیاندازیم، مشخص می‌شود که دو عضو آن یعنی چین و روسیه، از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد و حاکمیت جهانی برخوردارند و دارای حق وتو در شورای امنیت هستند. همچنین با اضافه شدن کشورهایمانند هند، برزیل و آفریقای جنوبی، مشاهده می‌شود که این پیمان درصد بسیار بالایی از جمعیت و تولید جهانی را نمایندگی می‌کند و این موضوع برای ایران فرصت‌های مناسبی را ایجاد می‌کند.

با تمام این اوصاف، در پاسخ به این سوال که پیوستن به این پیمان تا چه میزان می‌تواند بر اقتصاد و صادرات ما اثرگذار شود؟ باید گفت که صرف پیوستن ایران به پیمان‌های اینچنینی نمی‌تواند به طور جدی و مستمر گرهی از

۷۸



اقتصاد

● شماره ۹ - شهریور ۱۴۰۲ ●

ترسیم دورنمای دلارزدایی در بریکس

ستار سلیمان /

پژوهشگر اقتصادی

یکی از اهداف کشورهای عضو بریکس، اتخاذ سیاست دلارزدایی در جهت کاهش وابستگی این کشورها به دلار آمریکا است. دلارزدایی به فرآیند کاهش اتکاب دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره غالب جهانی اشاره دارد. این فرآیند، یک تلاش پیچیده و چالش برانگیز است و لذا به بررسی این موضوع از جنبه های مختلف می پردازیم.

تحلیل وابستگی به دلار آمریکا در مبادلات تجاری و مالی

بررسی حجم تجارت دلاری بین کشورهای بریکس، ذخایر دلاری کشورهای عضو بریکس و تغییرات این ذخایر و نیز رواج دلار آمریکا در تسویه حساب های بین المللی نشان می دهد که در شرایط فعلی بسیاری از کشورها و از جمله اعضای بریکس، حجم زیادی از معاملات خود را بر مبنای دلار آمریکا انجام می دهند. لذا تجزیه و تحلیل ارزش و فراوانی معاملات تسویه شده به دلار، میزان ذخایر دلاری کشورهای بریکس و ارزش معاملات برون مرزی تسویه شده به دلار از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

انگیزه دلاری شدن در کشورهای عضو بریکس

دلار آمریکا در طول تاریخ به عنوان یک ارز باثبات با تورم پایین در نظر گرفته شده که آن را به گزینه ای جذاب برای کشورهایی که به دنبال ثبات اقتصادی هستند تبدیل کرده است. دلاری شدن می تواند تجارت بین المللی و معاملات مالی را ساده کند، زیرا بسیاری از کالاها در سطح جهانی به دلار قیمت گذاری و معامله می شوند. همچنین پذیرش دلار آمریکا به عنوان ارز ممکن است دسترسی یک کشور به بازارهای مالی جهانی را بهبود بخشد و جذب سرمایه گذاری خارجی و استقراض وجوه را آسان تر کند، اما با این وجود وابستگی کشورها در تجارت به دلار آمریکا خطرات و محدودیت هایی را به همراه دارد که عبارتند از:

- **از دست دادن کنترل سیاست پولی:** با پذیرش دلار آمریکا، کشورهای در کنترل سیاست های پولی خود، از جمله نرخ بهره و عرضه پول، با مشکل مواجه می شوند. این امر می تواند توانایی آنها را برای پاسخ به چالش های اقتصادی داخلی محدود کند.

- **آسیب پذیری در برابر شوک های خارجی:** زمانی که کشوری به شدت به دلار آمریکا متکی است، در برابر

نوسانات ارزش دلار و تغییر در سیاست های پولی آمریکا آسیب پذیر می شود. این وابستگی می تواند کشور را در معرض شوک های اقتصادی خارجی قرار دهد.

- **عدم تعادل اقتصادی:** دلاری شدن می تواند عدم تعادل اقتصادی موجود در یک کشور را تشدید کند. ممکن است منجر به تمرکز ثروت و قدرت شود، زیرا تصمیمات اقتصادی تحت تاثیر عوامل خارج از کنترل کشور قرار می گیرند.

امکان سنجی دلارزدایی و گزینه های بالقوه جایگزینی

- **عوامل اقتصادی:** دلارزدایی مستلزم تغییر قابل توجهی در پویایی اقتصاد جهانی است. تسلط دلار آمریکا ریشه در عواملی مانند اندازه و ثبات اقتصاد ایالات متحده، عمق بازارهای مالی آن، پذیرش گسترده دلار برای تجارت و سرمایه گذاری بین المللی دارد. هر ارز جایگزین باید قدرت و ثبات قابل مقایسه ای را نشان دهد.

- **عوامل سیاسی:** دلارزدایی شامل ملاحظات سیاسی است، زیرا نفوذ ژئوپلیتیک مرتبط با وضعیت دلار را به چالش می کشد. کشورهایی که به دنبال کاهش وابستگی به دلار هستند، باید پیامدهای سیاسی بالقوه، از جمله تیرگی روابط دیپلماتیک یا تحریم های اقتصادی ایالات متحده را بررسی کنند.

- **ارزهای ذخیره جایگزین:** چندین گزینه بالقوه به عنوان جایگزین برای دلار آمریکا پیشنهاد شده است که عبارتند از یورو، یوان چین و یک ارز ذخیره جهانی مشترک. با این حال، هر یک از این گزینه ها چالش های خاص خود را دارند، از جمله ثبات اقتصادی و پذیرش جهانی.

- **بلوک های ارزی منطقه ای:** راهبرد دیگر برای دلارزدایی می تواند شامل ایجاد بلوک های ارز منطقه ای باشد. به عنوان مثال می توان به منطقه یورو، که در آن یورو واحد پول رایج است، اشاره کرد. ارزهای منطقه ای می توانند یک پارچگی اقتصادی را تقویت کنند و اتکاب به دلار آمریکا را کاهش دهند.

- **ارزهای دیجیتال:** ظهور ارزهای دیجیتال، به طور بالقوه می تواند بر چشم انداز ارز ذخیره جهانی تاثیر بگذارد. در حالی که ارزهای رمزنگاری شده مانند بیت کوین محبوبیت پیدا کرده اند، نوسانات و چالش های نظارتی آنها باعث می شود تا در کوتاه مدت کمتر جایگزین دلار شوند.



با پذیرش دلار آمریکا، کشورها در کنترل سیاست‌های پولی خود، از جمله نرخ بهره و عرضه پول، با مشکل مواجه می‌شوند

ارزیابی تأثیر دلارزدایی بر اقتصادهای بریکس

با کاهش اتکا به دلار آمریکا و افزایش حکمرانی اقتصادی، اقتصادهای بریکس می‌توانند کنترل بیشتری بر سیاست‌های پولی خود داشته باشند و آسیب‌پذیری در برابر عوامل خارجی را کاهش دهند. دلارزدایی به طور بالقوه می‌تواند به ثبات بیشتر در نرخ ارز منجر شود زیرا اقتصادهای بریکس کمتر به یک ارز واحد متکی هستند. همچنین تنوع در ذخایر ارزی می‌تواند خطرات مربوط به نگهداری مقادیر زیادی از دارایی‌های دلار آمریکا را کاهش دهد. با این حال چالش‌های بالقوه‌ای برای اقتصادهای بریکس در مورد دلارزدایی وجود دارد. هزینه‌های انتقال و دور شدن از دلار، نقدشوندگی بالای دلار نسبت به سایر ارزها، ترجیحات کشورها برای استفاده از دلار در سرمایه‌گذاری و تجارت، از جمله این چالش‌ها هستند.

تجربیات کشورهای حوزه دلارزدایی

روسیه با هدف به حداقل رساندن آسیب‌پذیری خود در برابر تحریم‌های احتمالی ایالات متحده و کاهش ریسک‌های ارزی، اقداماتی را برای کاهش اقتصاد دلاری خود انجام داده است. این کشور استراتژی‌هایی مانند تنوع ذخایر ارزی، تنوع ارزهای ملی، توسعه گزینه‌های جایگزین (سیستم پرداخت انتقال مالی با همان SPFS) را دنبال کرده است. هدف این سیستم ارائه جایگزینی برای سوئیفت (انجمن جهانی ارتباطات مالی بین بانکی) است که در حال حاضر تحت سلطه ایالات متحده است. چین نیز برای تقویت واحد پولی خود، از طریق رواج یوان و استفاده از آن در تجارت بین‌الملل، سوآپ ارزی با چندین کشور و نیز انباشت ذخایر طلا اقداماتی را در جهت دلارزدایی انجام داده است.

پیامدهای ژئوپلیتیکی دلارزدایی

• **تعادل جهانی قدرت:** دلارزدایی به طور بالقوه می‌تواند توازن قدرت جهانی را از ایالات متحده دور کند. دلار آمریکا به عنوان ارز غالب، مزایای اقتصادی و ژئوپلیتیکی قابل توجهی را برای ایالات متحده فراهم کرده است. با این حال، اگر کشورها اتکای خود به دلار را کاهش دهند، می‌تواند توانایی ایالات متحده را برای اعمال نفوذ بر مسائل اقتصادی جهانی، مانند تحریم‌ها یا سیاست‌های تجاری، تضعیف کند.

• **نفوذ موسسات مالی غربی:** دلارزدایی ممکن است بر نفوذ موسسات مالی غربی، به ویژه آنهایی که در ایالات متحده مستقر هستند، تأثیر بگذارد. این نهادها مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی در طول تاریخ نقش مهمی در شکل دادن به سیاست‌های اقتصادی جهانی داشته‌اند. یافتن ارز جایگزین می‌تواند از نفوذ بالای این موسسات بکاهد.

چالش‌ها و موانع بالقوه دلارزدایی

از چالش‌های کلیدی، عمق و نقدینگی بازارهای ارز محلی است. در بسیاری از موارد، ارزهای محلی ممکن است به

اندازه دلار آمریکا از نقدینگی یا ثبات برخوردار نباشند. این امر می‌تواند معاملات و پوشش ریسک‌ها را به ویژه در تجارت بین‌المللی و معاملات مالی دشوار کند. در صورت عدم ثبات سیستم‌های مالی، ترجیح فعالان بازار بر انجام معاملات با دلار آمریکا است که پایدارتر و قابل اعتمادتر است. از طرفی فقدان چارچوب‌های نظارتی و نبود مقررات حمایتی، فعالان بازار را پذیرش ارزهای جایگزین منصرف می‌کند.

دورنمای آینده دلارزدایی در بریکس

• **تسویه حساب تجاری:** کشورهای بریکس در حال بررسی جایگزین‌هایی برای دلار آمریکا به منظور تسویه حساب تجاری هستند. یکی از ابتکارات قابل توجه بریکس، ایجاد توافق نامه ذخیره مشروط (CRA) در سال ۲۰۱۴ است که هدف آن کمک مالی به اعضا به هنگام بحران مالی، ایجاد یک شبکه ایمنی مالی و تسهیل تجارت بین کشورهای عضو اقتصاد از ارزهای خود است.

• **قراردادهای مبادله ارز:** کشورهای بریکس به طور فعال توافق نامه‌های سوآپ ارز را برای افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه دنبال کرده‌اند. این قراردادها امکان تبادل مستقیم ارز بین کشورهای شرکت‌کننده را فراهم می‌کند و نیاز به دلار آمریکا را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، چین قراردادهای سوآپ ارزی را با روسیه، هند و برزیل و سایرین امضا کرده است.

• **توسعه سیستم‌های پرداخت ملی:** کشورهای بریکس روی توسعه سیستم‌های پرداخت ملی خود تأکید می‌کنند تا وابستگی به سیستم‌های پرداخت جهانی تحت سلطه دلار آمریکا را کاهش دهند. به عنوان مثال، چین سیستم پرداخت بین بانکی فرامرزی (CIPS) را ایجاد کرده است که تراکنش‌های بین‌المللی به یوان چین را امکان‌پذیر می‌کند.

• **ذخایر طلا و تنوع بخشی:** برخی از کشورهای بریکس، مانند روسیه و چین، ذخایر طلای خود را به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای تنوع بخشیدن به ذخایر ارزی خود افزایش داده‌اند. این حرکت نشان دهنده یک استراتژی گسترده‌تر برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بالقوه ارز و عدم اطمینان اقتصادی است.

• **نگرش‌ها و چالش‌ها:** کشورهای بریکس به طور کلی احساسات مشترکی در کاهش وابستگی به دلار آمریکا دارند که ناشی از نگرانی در مورد خطرات بالقوه مرتبط با یک ارز واحد است. با این حال، میزان و سرعت تلاش‌های دلارزدایی در کشورهای عضو متفاوت است، زیرا هر یک با شرایط و چالش‌های اقتصادی منحصر به فردی مواجه هستند.

• **توجه به این نکته مهم است که دلارزدایی یک فرآیند پیچیده و طولانی مدت است.** کشورها با چالش‌هایی مانند اندازه و ثبات اقتصاد خود، نقدینگی و میزان پذیرش ارزهای خود و تأثیر بالقوه بر تجارت بین‌المللی مواجه هستند. علاوه بر این، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی و شرایط اقتصادی جهانی می‌تواند بر موفقیت و اثربخشی تلاش‌های دلارزدایی تأثیر بگذارد.

